



زقادی

مجموعه فیش منبر روشمند فاطمیه

الگوی فرزندآوری و فرزندپروری

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





رزق مادری (فیش منبر های فاطمیه)



نویسندگان: حجج اسلام سامان هادی پور، مسعود تاتلاری، حبیب فتحی، علیرضا سمینری

ویراستار: علی بیاتاتی

مدیر هنری و طراحی جلد: محمدرضا چیت ساز

زمستان ۱۴۰۰

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.



پایستگاه کتابخانه‌ای
بناوی



تهران، خیابان کریمخان زند، بعد از تقاطع حافظ،
به سمت میدان ولیعصر، خیابان شهید پرویز گلابی، شماره ۱۲،
ساختمان بنیاد علوی

www.alavi-bonyad.com

فهرست

جلسه اول	۹	موضوع: برترین مادر پیام: مادر شدن، نعمتی بزرگ
جلسه دوم	۲۳	موضوع: حضرت زهرا علیها السلام ، مادر مهربان شیعیان پیام: جایگاه والای والدین به ویژه مادر
جلسه سوم	۲۹	موضوع: سیر اکرام ائمه معصومین علیهم السلام از حضرت زهرا علیها السلام پیام: مقام با عظمت مادر در سرنوشت فرزندان و نقش تربیتی مادر در فرزندان
جلسه چهارم	۵۹	موضوع: امتحان سخت و ناامید نشدن پیام: محرومیت و حسرتی بزرگ به نام نازایی
جلسه پنجم	۷۳	موضوع: آثار و برکات حضرت زهرا علیها السلام پیام: مشارکت در درمان ناباروری باقیات الصالحاتی بزرگ
جلسه ششم	۸۹	موضوع: سبک زندگی فاطمی علیها السلام پیام: تحصیل و اشتغال زنان، موانع مادر شدن
جلسه هفتم	۱۰۳	موضوع: سبک زندگی فاطمی علیها السلام ۲ پیام: موانع مادر شدن، بالا رفتن سن فرزندآوری
جلسه هشتم	۱۱۷	موضوع: سبک زندگی دشمنان حضرت زهرا علیها السلام پیام: مادران قاتل، بی رحم ترین مادران
جلسه نهم	۱۳۳	موضوع: سبک زندگی دشمنان حضرت زهرا علیها السلام ۲ پیام: مظلوم ترین مقتول ها جاهلیت مدرن
جلسه دهم	۱۴۹	موضوع: یار فاطمی پیام: محافظت در حفظ جان محبان امیرالمؤمنین علیه السلام







مادری که در عمر کوتاهش که هجده بهار بیشتر نداشت، خیر کثیری را در عالم به جریان انداخت که تا قیامت بشر بر سر سفره آن مهمان است، خیر کثیری که یکی از مصادیقش امروز فرزند برومندش حضرت مهدی ارواحنافداه است که به یمن وجود او جن و انس از خدا روزی می گیرند، خیر کثیری که هر کس به در خانه او آید از آن بی بهره نخواهد بود و نوشتار موجود قدمی در خانه اوست و امید نویسندگان این کتاب به بهره مندی همه خوانندگان و شنوندگان این اثر به بهره مندی از همان خیر کثیر است.

کتاب "**رزق مادری**" مجموعه فیش منبر روشمند فاطمیه است که با محوریت پیامهایی مرتبط با موضوع جمعیت مانند جایگاه و ارزش مادری، ناباروری و سقط جنین، تدوین و برای استفاده سخنرانان و مبلغین در ایام فاطمیه منتشر گردیده است، در این مجموعه سبک متفاوتی از فیش منبر طراحی و در اختیار علاقه مندان قرار داده شده است که از امتیازات ارزشمندی برخوردار است.

در این اثر برای هر فیش منبر یک موضوع متناسب با ایام فاطمیه و یک پیام متناسب با جمعیت انتخاب گردیده است تا سخنرانان عزیزی که قصد استفاده از این کتاب را دارند بتوانند در منبرهای خود در مساجد و هیأت، ضمن پوشش دادن مناسبت، به موضوعات جمعیتی که امروز به دغدغه همه دلسوزان کشور بویژه مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی تبدیل شده است، پردازند و از مجالس روضه شهیده ولایت برای افزایش نسل شیعیان ولایت استفاده کنند که این کار حتماً موجبات رضایت آن مادر پهلوی شکسته را فراهم خواهد آورد.

یکی دیگر از ویژگی های فیش منبر های ارائه شده در این کتاب، وجود

انگیزه سازی، اقناع اندیشه، پرورش احساس و رفتار سازی برای موضوع و پیام های هر جلسه است که امکان افزایش جذابیت و تاثیر گذاری منبر سخنرانان مجالس فاطمی را فراهم می آورد و زمینه ساز تاثیر گذاری جامع و کامل مبلغین عزیز بر مخاطبینشان خواهد بود.

شایان ذکر است این کتاب، اولین جلد از یک مجموعه کامل فیش های منبر مرتبط با موضوعات جمعیتی است که قرار است به توفیق الهی ان شاء الله برای همه مناسبت های تبلیغی مهم سال همچون ماه رمضان، دهه محرم، دهه آخر صفر، در مقام لبیک به فرمایش رهبر حکیم و فرزانه انقلاب تالیف و منتشر گردد.

در پایان وظیفه خود میدانم از همه عزیزانی که ما را در تالیف این مجموعه یاری کردند بویژه جناب آقای دکتر جباری و حجج اسلام آقایان فتحی، سمنبری، تاتلاری تشکر و قدردانی نمایم و از همه خوانندگان عزیز تقاضا دارم با بیان نظرات ارزشمند خود ما را در تکمیل این اثر، یاری نمایند.

سامان هادی پور

مدیر موسسه اسرار بیان

۱۴۰۰/۱۰/۲



موضوع: برترین مادر

پیام: مادر شدن، نعمتی بزرگ





● خطبه:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، بارئ الخلق أجمعين، و الصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين، وخاتم النبيين، حبيبنا وحبیب إله العالمين أبی القاسم المصطفى محمد، صلى الله عليه و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين، و لا سيما بقیه الله فی الأرضین و اللعن الدائم على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

● انگیزه سازی موضوع با روش تعریف

مجلس، به یاد و نام مادری به نام فاطمه علیها السلام برگزار شده است. ابتدا در شب اول خوب است نسبت به مقام و منزلت این مجلس معرفت پیدا کنیم تا بیشترین استفاده را از آن ببریم؛ چون برای با عظمت ترین مادر عالم هستی برگزار شده است. شاید سؤال شود که مگر آیه قرآن نمی گوید حضرت مریم علیها السلام برترین زنان است؟

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^۱ و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است».

۱. آسوره آل عمران آیه ۴۲

پس چرا ما می‌گوییم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برترین زنان عالم است؟ در اینجا روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت می‌فرمایند: مریم علیها السلام سرور زنان جهان در عصر خود بود، اما فاطمه علیها السلام سرور همه زنان از آغاز تا پایان است.^۱

بنابراین، برتری حضرت فاطمه علیها السلام نسبت به زنان عالم و حتی حضرت مریم علیها السلام، مستند به روایات متعددی است که در احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام آمده است. حضرت زهرا علیها السلام کسی است که خداوند در شأن ایشان، پدر، همسر و فرزندان ایشان آیه تطهیر را نازل کرده و او را در آیه مباهله شریک در رسالت شمرده و تنها مصداق «نسائنا» معرفی کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در تفسیر این آیات، او را از خود و پاره تن خود خوانده است. پس همان‌طور که خود رسول خدا صلی الله علیه و آله افضل برگزیدگان به‌طور مطلق است، پاره تن حضرت نیز - که با او در تطهیر و مباهله و... شریک است - افضل برگزیدگان می‌باشد.

در شأن و منزلت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام همین بس که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره‌اش زیباترین سخنان را بیان فرموده‌اند؛ سخنانی که درباره هیچ یک از زنان عالم، حتی درباره همسر و سایر دختران خود نفرموده‌اند. حضرت زهرا علیها السلام کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را مدح کرده «فَاطِمَةُ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ»؛ «فَاطِمَةُ أَعَزُّ النَّاسِ عَلَيَّ»^۲ و فرموده‌اند: محبوب‌ترین و عزیزترین آدم نزد من زهرا علیها السلام مرضیه علیها السلام است.

یکی از نقل قول‌هایی که در سال‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته مربوط به کلامی است که رهبر معظم انقلاب بعد از مراسم عزای حضرت زهرا علیها السلام هنگام صرف شام به یکی از حاضران فرموده بودند:

یکی از حاضرین در سفره شام مراسم ایام فاطمیه علیها السلام بیت رهبری معظم نقل کرده که: سخنران مراسم، بعد از سخنرانی در حسینیه امام خمینی (ره) هنگام صرف شام در محضر مقام معظم رهبری به ایشان عرضه داشت: «برخی گلایه

۱. مجلسی، بحارالانوار، انتشارات المكتبة الاسلامیه، ج ۴۳، ص ۲۱

۲. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۶.

۳. بیت الاحزان، ص ۳۳؛ بشاره المصطفی، ص ۷۰

می‌کنند که چرا حضرتعالی با این کسالت جسمانی، این قدر برای مراسم وقت می‌گذارید و از اول تا آخر مجلس فاطمیه و روضه را می‌نشینید؟».

حضرت آقا در پاسخ فرمودند: «آنها نمی‌دانند، من رزق سال کشور را در شب‌های فاطمیه می‌گیرم»^۱.

شاعر نیز در این باره می‌گوید:

چادرت را بتکان روزی ما را بفرست
ای که روزی دو عالم همه از چادر توست

من از خاک پای تو سر بر ندارم
مگر لحظه‌ای که دگر سر ندارم

مگیر از سرم سایه‌ی چادرت را
پناهی از این خیمه بهتر ندارم

• افتخار اندیشه موضوع باروش توضیح و تبیین

حضرت فاطمه علیها السلام آنقدر در مادری نمونه بودند که به مقام مادری پدرش نیز نائل آمدند و از پدر لقب ام‌ابیه و لقب مادر اشرف انبیای الهی را دریافت کردند. اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیها السلام لقب ام‌ابیه می‌دهند، تعارف و ابراز محبت صرف نیست؛ اعطای درجه بی‌نظیر مادری به نام فاطمه علیها السلام است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان را ام‌ابیه نامیدند، زیرا مانند مادری مهربان دور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گردید و ایشان را غرق محبت خود می‌کرد.

نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام سفر آخرین نفر از دخترش فاطمه زهرا علیها السلام خداحافظی می‌کرد و پس از بازگشت از سفر نیز اول به دیدار ایشان می‌رفت. در مقابل، حضرت فاطمه علیها السلام نیز همچون مادر به پیامبر صلی الله علیه و آله محبت

می‌ورزید؛ از ایشان نگهداری و زخم‌ها و درد و رنج‌هایش را درمان می‌کرد. از آنجاکه همسران پیامبر اکرم ﷺ با کُنیه «ام‌المؤمنین» گرامی داشته شدند، برای اینکه گمان نشود که آنها برترین زنان هستند، پیامبر اکرم ﷺ، حضرت فاطمه علیها السلام را ام‌اینها خواندند تا به دیگران بفهمانند که اگر همسران پیامبر، مادر مؤمنان هستند، فاطمه علیها السلام، مادر پیامبر اکرم ﷺ است.

این شأن و منزلت به قدری رفیع است که در بیان امامان شیعه نیز خود را نشان داده است:

امام عسکری علیه السلام می‌فرمایند:

«أَنْحَنُ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ فَاطِمَةُ حُجَّةٌ عَلَيْنَا»^۱.

ما حجت‌ها و برگزیدگان خداوند بر آفریدگانش هستیم و فاطمه علیها السلام، حجت راستین و پُرشکوه خدا بر ما می‌باشد.

این روایت امام عسکری علیه السلام نشان می‌دهد که اهل بیت علیهم السلام ارادت خاصی نسبت به مادرشان حضرت زهرا علیها السلام داشته‌اند.

شنیدن این روایات از زبان امام معصوم علیه السلام بیانگر جایگاه رفیع الهی حضرت فاطمه علیها السلام است که ایشان در ساختار هستی منبع برکات خاصی می‌باشند و دارای این درس بزرگ است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه هم که باشی باید خاک پای مادر بود.

• انگیزه‌سازی پیام با روش تعریف

پیامبر اکرم ﷺ در تبیین مقام مادر می‌فرمایند: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ»^۲؛ بهشت زیر پای مادران است.

خانم زهرا مصطفوی، دختر امام خمینی (ره) درباره تفسیر حضرت امام از جمله بهشت زیر پای مادران است می‌گفت: اینکه می‌گویند بهشت زیر پای مادران است؛ یعنی باید این قدر جلوی پای مادر صورت به خاک بمالی تا خدا تو را به بهشت ببرد.^۳

۱ تفسیر أطیب البیان / ج ۱۳ / ص ۲۳۶

۲ میزان الحکمه، حدیث ۲۲۶۹۱

۳ برداشتهایی از سیره امام خمینی (س)؛ ج ۱، ص ۲۴

• افعان اندیشه پیام با روش توضیح و تبیین

این حدیث حاکی از این است که بدون رضایت مادر نمی‌توان به بهشت و نعمت‌های بهشتی دست یافت. اگر کسی بخواهد به درجات عالیه جنت و رضوان نایل گردد، باید به مادر احترام بگذارد و به او خدمت کند. یک معنای دیگر حدیث می‌تواند این موضوع باشد که مادر شدن دری از درهای بهشت است؛ بالاتر از این وقتی یک دختر مادر می‌شود آنقدر نزد خدا مقامش بالا می‌رود که خدا بهشت با آن عظمت را زیر پایش قرار می‌دهد.

دنیا هرگز بدون حضور مادرها نمی‌چرخد. البته این واقعیت، جای تلاش‌های پدر را نمی‌گیرد ولی مادر شدن نعمتی است که اسلام توجهی ویژه به آن دارد.

مردی خدمت رسول خدا ﷺ رسید و گفت: ای رسول خدا! من هیچ کار زشتی نمانده که انجام نداده باشم، آیا می‌توانم توبه کنم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: آیا هیچ یک از پدر و مادرت زنده هستند؟ گفت: بله، پدرم. حضرت فرمود: برو به او نیکی کن (تا آمرزیده شوی). وقتی او راه افتاد حضرت رسول ﷺ فرمود: کاش مادرش زنده بود.^۱ یعنی اگر او زنده بود و به او نیکی می‌کرد، زودتر آمرزیده می‌شد.

با دعای خیر مادر بارت رو ببند؛ جوری به مادر خدمت کنید و احترامش را داشته باشید که همیشه دعای خیرش همراهتان باشد؛

آبروی اهل دل از خاک پای مادر است
هر چه دارند این جماعت از دعای مادر است

آن بهشتی را که قرآن می‌کند توصیف آن
صاحب قرآن بگفتا زیر پای مادر است

حضرت رسول ﷺ اکرم فرمود: «هما جنتک و ناری»^۲.

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۲

۲. الترغیب و الترہیب: ۱۰/۳۱۶/۳

پدر و مادر بهشت و جهنم تو را معلوم می‌کند؛ یعنی در خانه نعمتی داریم که بهشتی یا جهنمی بودن ما را مشخص می‌کند.

● پرورش احساس پیام با روش آمار

مادر شدن نعمت بسیار بزرگی است که بعضی قدر آن را نمی‌دانند و این نعمت را به راحتی از دست می‌دهند، یا کفران نعمت می‌کنند.

رئیس پژوهشگاه فناوری‌های نوین علوم زیستی جهاد دانشگاهی ابن سینا، در گزارشی می‌گوید:

براساس بررسی‌ها میزان ناباروری در کل کشور حدود ۲۰/۲ درصد، گزارش شده است. این موضوع به معنی آن است که به طور میانگین در کل کشور یک زوج از میان هر پنج زوج نابارور است.^۱

از طرف دیگر ۳۶ درصد زنان ۱۵ تا ۳۴ ساله ازدواج نکرده‌اند.^۲ وقتی این دو آمار کنار هم قرار می‌گیرند، باید باعث بشود که خدا را بابت این نعمت که می‌توانید مادر بشوید با همه وجود شکر کنید. خیلی‌ها می‌خواهند مادر شدن را برای یکبار هم که شده تجربه کنند و لذت رو ببرند اما نمی‌توند؛ ولی برخی که می‌توانند قدر آن را نمی‌دانند.

بگذارید یک روایت برای شما عزاداران بهترین مادر عالم هستی در عظمت اجر و پاداش مادر شدن نقل کنم تا برای کسانی که قدر نعمت مادر شدن را نمی‌دانند نقل کنید.

رسول مکرم اسلام ﷺ در این باره می‌فرمایند:

«إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَتْ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا تَدْرِي مَا هُوَ لِعَظَمِهِ فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَتْ لَهَا بِكُلِّ مَضَّةٍ كَعْدَلِ عَثْقِ مُحَرَّرٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رَضَاعِهِ ضَرَبَ مَلَكٌ عَلَى جَنْبِهَا [جَنَّبَيْهَا] وَقَالَ اسْتَأْنَفِ [اسْتَأْنَفِي] الْعَمَلُ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ».^۳

چون زنی باردار شود مقام روزه‌دار و شب زنده‌دار و مقام مجاهدی را دارد که

۱. خبرگزاری مهر، کد خبر ۲۱۴۳۶۳۱.

۲. خبرگزاری ایسنا کد خبر: ۱۴۰۰۰۷۱۸۱۲۳۲۰.

۳. الأمالی (للصدوق)، النص، ص: ۴۱۲.

با جان و مالش در راه خدا جهاد کرده است؛ پس وقتی بزاید اجری دارد که کسی عظمت آن را نداند و چون طفل را شیر دهد با هر بار شیر خوردن فرزند از مادر، ثواب آزاد کردن يك بنده از اولاد اسماعیل را دارد و چون از شیر دادن فارغ شود فرشته‌ای پَر بر پهلویش می‌زند و می‌گوید کار خود را از سر گیر که آموزیده شدی.

هر نعمتی شکری دارد و شکر نعمت مادر شدن هم به این است که وقتی می‌توانی فرزندان شوی این نعمت را در راه خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه خرج کنی و فرزندان مؤمن و زهرايي عليها السلام به دنیا بیاوری و برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه تربیت کنی.

چقدر خوب است همه خواهران حاضر در این جلسه نیت کنند نعمت مادر شدن خودشان رو خرج فرزند حضرت زهرا عليها السلام کنند؛ یعنی نیت کنند که فرزندان بشوند، هر چه می‌شود هم بیشتر فرزند بیاورند تا فرزندان‌شان از یاران حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه بشود. اگر اینگونه نیت کردید اونوقت مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای فرزندان شما مادری خواهد کرد و دعای حضرت زهرا عليها السلام شامل حال فرزندان شما خواهد شد؛ نیت خیر را دست کم نگیرید. خدا در قرآن می‌فرماید:

«إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۱.

(به یاد آورید) هنگامی را که همسر «عمران» گفت: «خداوند! آنچه در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «محرّر» (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی.

این آیه در مورد مادر حضرت مریم عليها السلام است؛ آن زمان که به حضرت مریم عليها السلام باردار بود، نذر کرد که خدایا فرزندی که را در رحم دارم نذر تو می‌کنم.

شما هم با نیت کردن فرزندان برای یاری حضرت، عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه و مادر بزرگوارشان را به بچه‌هایتان جلب می‌کنید. امام صادق عليه السلام فرمودند:

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِيُعِدَّنَ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ رَجَوْتُ لِأَنِّي نَسِئُ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يَذَرِكُهُ وَ يَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ»^۲.

امام صادق عليه السلام فرمود: هر يك از شما باید برای خروج قائم آماده کند هر

۱. آل عمران ۳۵.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۵۲؛ ص ۳۶۶.

چند يك تير، که خدای تعالی هرگاه از نیت او آن را بداند امیدوارم که در عمر او تأخیر اندازد تا آنکه قائم را درك کند [و از یاران و یاوران او باشد].

• پرورش احساس موضوع با داستان احساس برانگیز

خوش به حال کسی که حضرت فاطمه علیها السلام برایش مادری کند؛ حضرت زهرا علیها السلام مادر شیعیان هم هست؛ آنقدر به فکر شیعیان بود که دعایشان می‌کرد؛ قیامت هم حضرت زهرا علیها السلام، برای شیعیان مادری می‌کنند؛ در این دنیا هم هرکس حضرت زهرا علیها السلام را مادر خودش بداند، حضرت برایش مادری می‌کند؛ از شهید ردانی پور نقل می‌کنند برای عروسی‌اش علاوه بر میهمانان، یک کارت دعوت نیز برای حضرت زهرا علیها السلام می‌نویسد و به ضریح حضرت معصومه علیها السلام می‌اندازد؛ شب حضرت زهرا علیها السلام را در خواب می‌بیند که به عروسی‌اش آمده است؛ شهید ردانی پور به حضرت می‌گوید:

خانم! قصد مزاحمت نداشتم؛ فقط می‌خواستم احترام کنم. حضرت زهرا علیها السلام پاسخ می‌دهند: مصطفی جان! ما اگر به مجالس شما نیایم به کجا برویم؟ شهید مصطفی ردانی پور دیگر تا صبح نخوابید؛ نماز می‌خواند، دعا می‌کرد گریه می‌کرد.

این جوان روحانی شب عروسی‌اش سخنرانی کرد و گفت: امشب عروسی من نیست. عروسی من وقتی است که در خون خودم غلت بزنم؛ تازه سه روز از عروسی‌اش گذشته بود که دست زنش را گذاشت تو دست مادر، سرش را انداخت پایین و گفت دلم می‌خواهد دختر خوبی برای مادرم باشی بعد هم آرام و بی صدا به منطقه رفت.^۱ شهدا با حضرت زهرا علیها السلام زندگی می‌کردند و در مشکلات مانند یک مادر خانه حضرت را می‌زدند.

رفتارسازی موضوع با روش ارائه برنامه

خوشا به حال کسانی که تا مشکلی برایشان پیش می‌آید، راه خانه حضرت

۱ <https://parvaztaeshgh.blog.ir>

زهرای علیها السلام در پی می‌گیرند و به ایشان متوسل می‌شوند. توسل به حضرت زهرا علیها السلام یکی از کارسازترین توسل‌هاست. آیت‌الله ملا علی معصومی همدانی می‌فرماید: اگر حاجت داشتی ۵۳۰ بار این صلوات را در یک مرحله بگویند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ أَبِیْهَا وَ بَعْلِیْهَا وَ بَنِیْهَا وَ النَّسْرِ الْمُسْتَوْدِعِ فِیْهَا بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ»^۱ خود آیت‌الله ملا علی معصومی همدانی با قطع و یقین می‌گفت: هرکی گفت، بگویند من پای این حرفم هستم و نتیجه‌های عجیبی از این نوع توسل می‌گرفت.

توسل به حضرت زهرا علیها السلام از کارسازترین و سریع‌ترین توسل‌هاست. با این توسل می‌توانید عاقبت به‌خیری فرزندان و نسل خود را تا قیامت از حضرت زهرا علیها السلام طلب نمایید. اگر کسی را می‌شناسید فرزندان نمی‌شود سفارش کنید به مادر سادات متوسل شوند؛ ان‌شاءالله نتیجه خواهند گرفت.

نقل است یک زن و مرد آلمانی به محضر آیت‌الله سید محمد هادی میلانی وارد شدند؛ پس از تعارفات معمول گفتند: ما آمده‌ایم به اسلام مشرف شویم.

آیت‌الله میلانی فرمودند: علت چه چیز است؟

آن مرد عرض کرد: پهلوی دخترم که در محضر شما نشسته در حادثه‌ای شکست و استخوان‌هایش خُرد شد؛ طوری که پزشکان از معالجه او عاجز شدند و گفتند: باید عمل شود، ولی عمل، خطرناک است.

دخترم راضی نشد و گفت: اگر در بستر بمیرم بهتر از آن است که در زیر عمل از دنیا روم. به‌هرحال او را به خانه آوردیم. ما یک خدمتکار ایرانی داریم که او را «بی‌بی» صدا می‌زنیم. دخترم به او گفت: من راضی‌ام تمام اندوخته مالی خود را بدهم در عوض صحت و سلامتی به من برگردد، اما فکر می‌کنم باید ناکام و با دل پر غصه بمیرم.

بی‌بی گفت: من یک طبیب سراغ دارم که می‌تواند تو را شفا دهد.

دختر گفت: حاضرم تمام پول و موجودیم را به او بدهم. بی‌بی گفت: تمام آنها برای خودت باشد. بدان من علویه‌ام و جده من حضرت زهرا علیها السلام

۱. بشارة المصطفی لشعبة المرتضى، ج ۲، ص ۱۳۹

است که پهلوی او را به ظلم شکستند؛ تو با دل شکسته و اشک جاری بگو: یا فاطمه زهرا علیها السلام مرا شفا بده.

دخترم با دل شکسته شروع کرد به صدا زدن و از آن بانوی معظمه یاری خواستن.

بی‌بی، هم در گوشه خانه به گریه می‌گفت: «یا فاطمه زهرا علیها السلام، این بیمار آلمانی را با خود آورده‌ام و شفای او را از شما می‌خواهم. مادر جان! کمک کن و آبروی مرا نگه دار».

آن مرد اضافه کرد: من هم از دیدن این واقعه در گوشه حیاط منقلب شدم و گفتم:

ای فاطمه علیها السلام پهلوی شکسته!

دیدم دخترم قدری ساکت شد، ناگاه مرا صدا زد و گفت: پدر! بیا که دردم ساکت شد. جلو رفتم و دیدم او کاملاً شفا یافته. گفت: الان در بحر بودم، بانوی مجلله‌ای نزد من آمد و دست به پهلویم کشید. گفتم: شما کیستید؟ فرمود: من همانم که او را می‌خوانی.

دخترم برخاست و راحت شد و دانستم که اسلام و فاطمه زهرا علیها السلام برحق‌اند. حالا به ایران آمده‌ایم و به خدمت شما رسیده‌ایم تا مسلمان شویم. مرحوم آیت‌الله میلانی (ره) و حاضرین از این معجزه مسرور شدند و شاهدتین و سایر امور اسلامی را به او آموختند و آنان به اسلام گرویدند.^۱

روضه

خانم حضرت زهرا علیها السلام آنقدر مقام دارد که اگر شفاعت کسی را پیش پدرش بکند امکان ندارد که رد بشود؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طاقت ناراحتی زهرا علیها السلام را نداشت؛ برای همین دائم می‌فرمودند: «فاطمه بضعه منی من آذاها فقد آذانی»^۲ فاطمه پاره تن من است هر که او را اذیت کند من را اذیت کرده است.

۱. کتاب فضائل الزهراء، ص ۱۰۹.

۲. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، جلد ۳، صفحه ۳۰.

رسول خدا ﷺ دل نگران حضرت فاطمه علیها السلام بعد از خودش بود و به همین خاطر این حدیث را برای مردم می‌گفت، چون می‌دانست بعد او چه می‌کنند؛ من می‌خوام بگویم معاذالله خدا هم نگران فاطمه علیها السلام بود که فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۱ مزد رسالت رو محبت به فاطمه قرار داد اما چگونه مزد رسالت را دادند.

لاله‌ها پژمرد بلب‌لب را دگر آوا نبود
هیچ‌کس در باغ، مثل باغبان تنها نبود

یک مدینه دشمن و یک خانه بی فاطمه
بانوی آن خانه کس بجز زینب کبری نبود

روی سیلی خورده زهرا شهادت می‌دهد
از علی مظلوم‌تر مردی در این دنیا نبود

نیست جایز خانه کفار را آتش
ای مسلمانان مسلمان بود زهرا، یا نبود؟

ای جنایت‌کار، ای بیدادگر، رویت سیاه
اجر و پاداش رسالت کشتن زهرا نبود

مصطفی از تو مودت خواست تو سیلی زدی
بی‌حیا سیلی زدن اجز ذوی‌القربی نبود

ریخت دشمن بر سر زهرا، ولایت را ببین
بارها از پا فتاد و غافل از مولا نبود

۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

من نمی‌گویم چه شد گویند در چشم علی
سیل دشمن بود پیدا، فاطمه پیدا نبود

ای مدینه آتش غیرت چرا آبت نکرد
جای ناموس خدا در دامن صحرا نبود

آنچه برآل علی در کربلا یکسر گذشت
در سقیفه اتفاق افتاد، عاشورا نبود



موضوع: حضرت زهرا علیها السلام، مادر مهربان شیعیان

پیام: جایگاه والای والدین به ویژه مادر





● خطبه:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، باري الخلاق اجمعين، و الصلاة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين و خاتم النبيين، حبيبنا و حبيب الله العالمين ابي القاسم المصطفى محمد، صلى الله عليه و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين، و لا سيما بقيه الله في الارضين و اللعن الدائم على أعدائهم اجمعين إلى يوم الدين.

● انگیزه‌سازی موضوع با روش ابهام

رسیدن به مقام شهادت برای مقربان درگاه خداوند بسیار ارزشمند است، ولی همین مقام شهادتی که آرزوی صالحان است گاهی به‌هیچ دردی نمی‌خورد. روزی حضرت موسی علیه السلام، به خدا عرض کرد: پروردگارا مقام و جایگاه یکی از یارانم که شهید شده است در بهشت کجاست؟ خداوند فرمود: او در جهنم است! حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: خدایا مگر خودت وعده نداده‌ای که شهدا را به بهشت ببری؟ خداوند فرمود: بله، ولی این شخص عاق والدین بود و من هیچ عملی را از عاق والدین قبول نمی‌کنم.^۱

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

• اقناع اندیشه موضوع با روش توضیح و تبیین

خداوند متعال در قرآن برای ما دو پدر و مادر قائل شده است؛ یکی پدر و مادر مادری و دیگری - که اهمیت بیشتری دارد - مادر و پدر معنوی؛ قرآن می‌فرماید: «وَالْأَبْنَىٰ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ»^۱. پیامبر اکرم ﷺ نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ همسران حضرت نیز مادران آنها [مؤمنان] محسوب می‌شوند.

همسران پیامبر ﷺ به فرموده قرآن ام‌المؤمنین هستند؛ شاید سؤال شود که آیا بعضی از زنان پیامبر ﷺ که بر امیرالمؤمنین علیه السلام خروج کردند نیز شامل این آیه می‌شوند؟ حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: زنان پیامبر اکرم ﷺ مستحق تعظیم هستند، مادامی که طاعت خدا را بکنند.^۲ در روایات، روی رعایت حق پدر و مادرهای معنوی نیز تأکید ویژه شده است. پیامبر اکرم ﷺ در روایتی به این حقیقت تصریح کرده و فرموده‌اند: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»^۳. من و علی دو پدر این امت هستیم.

انسان دارای دو نوع پدر است؛ یکی پدری که منشأ تولد و پیدایش انسان است؛ دیگری پدر روحانی و معنوی که عهده‌دار تربیت و کمال روحی و معنوی او است. براین اساس می‌توان گفت همه حضرات معصومین علیهم السلام به لحاظ نقش تربیت معنوی و روحانی و هدایت و ارشاد امت، حق پدری بر گردن امت دارند.

پس باید مواظب بود که طبق رضایت پدران و مادران معنویمان عمل کنیم که اگر اینگونه نباشد و خدایی نکرده عاق والدین شدید، شامل این روایت سخت خواهیم شد که پیامبر اکرم ﷺ به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «ای ابوالحسن! بدانکه من و تو به منزله والدین این امت هستیم؛ پس لعنت خدا باد بر شخصی که مورد عاقی ما قرار می‌گیرد»^۴.

۱. سوره احزاب آیه ۶.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۸.

۳. بحار الأنوار ۱۶ باب ۹۵ ص ۶

۴. الفضائل ص ۵۵۴

• پرورش احساس موضوع با روش داستان احساس برانگیز

در جریان بیعت گرفتن از امیرالمؤمنین (علیه السلام) حضرت زهرا (علیها السلام) تا آنجا که می‌توانست از شوهرش دفاع کرد و برای جلوگیری از پایمال شدن حق او پا به میدان مبارزه گذاشت و مردم را برای کمک به امام علی (علیه السلام) ترغیب کرد. امام صادق (علیه السلام) چنین روایت می‌کند:

وقتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را از منزل با اجبار و اکراه خارج کردند، حضرت فاطمه (علیها السلام) هم خارج شد و فریاد کشید:

«پسر عم مرا رها کنید! به خدایی که محمد (صلی الله علیه و آله) را به حق مبعوث فرمود، اگر او را رها نکنید، چادر از سر می‌کشم و پیراهن پدرم رسول الله (صلی الله علیه و آله) را بر سر می‌گذارم و نفرین تان می‌کنم».

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به سلمان گفت: سلمان، فاطمه را دریاب!

سلمان می‌گوید: من نزدیک فاطمه (علیها السلام) بودم. به خدا قسم دیدم ستون‌های مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به لرزه افتاده است.

جلو آمدم و گفتم: ای بانو و ای سرور و مولای من! خداوند تبارک و تعالی پدرت را رحمتی برای کل جهانیان فرستاد. اینان را نفرین نکن.

فاطمه (علیها السلام) فرمود: «ای سلمان، می‌خواهند علی (علیه السلام) را بکشند و من دیگر نمی‌توانم صبر کنم. مرا رها کن تا نزد قبر پدرم بروم و آنها را نفرین کنم».

عرض کردم: مرا علی (علیه السلام) فرستاده و امر فرموده که به خانه برگردی.

فاطمه (علیها السلام) فرمود: اکنون که علی (علیه السلام) امر کرده، برمی‌گردم و صبر می‌کنم.

سپس برگشت و ستون‌ها به حال اولیه درآمد.^۱

اگر حضرت زهرا (علیها السلام) نفرین می‌کرد مدینه زیر و رو می‌شد؛ نفرین مادر گیراست و البته نفرین پدر از آن هم سخت‌تر است. در روایت دارد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «ایاک و دعوه الوالد فانها احد من السیف».^۲

۱. بیت الاحزان / ۸۶ - ۸۷.

۲. النوادر (للراوندی)، ص ۵.

از نفرین پدر سخت پرهیز داشته باشید، زیرا از شمشیر بزنده‌تر است. نه فقط پدر و مادر معنوی، پدر و مادر مادی انسان هم اگر از فرزندانشان برنجند و او را نفرین کنند، آنها بیچاره می‌شوند و روی خوشبختی را نخواهند دید.

• انگیزه‌سازی پیام با روش ابهام

ملاعلی کازرونی شبی در خواب دید که قصری با عظمت در باغی قرار دارد. از صاحب قصر سؤال کرد. گفتند: مال فلان نجار شیرازی است. ناگاه صاعقه‌ای آمد و قصر را تبدیل به خاکستر کرد.

روز بعد ملاعلی کازرونی سراغ نجار رفت و گفت: دیشب چه کار کردی؟ گفت: هیچ! ملاً او را قسم داد. نجار گفت: شب قبل با مادرم دعوا کردم و کار به زدن و کتک‌کاری کشید.^۱

بله عاق والدین بسیار مورد نکوهش است تا جایی که امام صادق علیه السلام فرمودند: «ملعون است ملعون است کسی که پدر و مادرش را بزند؛ ملعون است ملعون است کسی که عاق والدین می‌شود».^۲

تاریخ اسلام پر است از این اتفاقات که باید بسیار نسبت به آن حساس باشیم.

ابامهزم گوید که: شبی از حضرت باقر علیه السلام خدا حافظی کردم و با مادرم به منزلمان می‌رفتیم. در راه با مادرم دعوا مان شد و من به او تندی کردم. وقتی فردا خدمت امام علیه السلام رفتم ناگاه فرمود: «ای ابامهزم! دیشب بین تو و مادرت چه گذشت؟ آیا او تو را در شکمش حمل نمود و از سینه‌اش تو را شیر نداد و تو را در دامنش بزرگ نمود؟ دیگر این عمل را تکرار نکن».^۳

بدی به والدین آثار بسیار عجیبی دارد تا جایی که در دنیا و آخرت پیامدهای آن گریبان‌گیر است.

۱. داستان‌های شگفت‌انگیز آیت‌الله دستغیب.

۲. همان، ص ۸۵.

۳. بحار، ج ۷۴.

• افق اندیشه پیام با روش توضیح نمونه‌ها

برخی از آثار اخروی بی‌حرمتی به والدین در روایات را برای شما بیان می‌کنم تا متوجه اهمیت موضوع بشوید:

عدم ورود به بهشت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «لا یدخل الجنة العاق لوالدیه»^۱. عاق والدین وارد بهشت نمی‌شود.

۱. عدم استشمام بوی بهشت

نه تنها عاق والدین وارد بهشت نمی‌شود، بلکه از فاصله‌ای دور از بهشت عبور داده می‌شود. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از عاق والدین پرهیز کنید، زیرا بوی بهشت از مسیری هزار ساله استشمام می‌شود، ولی عاق والدین آن را استشمام نمی‌کند.^۲

۲. عدم غفران الهی

خداوند کسی را که مورد غضب پدر و مادر واقع شده است هرچند هر طاعتی را هم انجام بدهد، نمی‌بخشد و می‌گوید: هرکاری می‌خواهی بکن که من تو را نمی‌بخشم.^۳

۳. عدم قبول نماز

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اگر کسی به پدر و مادرش نگاه ظالمانه کند، خداوند نمازش را قبول نمی‌کند».^۴

گاهی ما چنان با پدر یا مادر خود صحبت می‌کنیم که گویی طلبکار هستیم و حق و حقوقمان را خورده‌اند. گاهی نیز در پاسخ محبت بی‌حد و حصرشان چنان ناسپاسی می‌کنیم که قلبشان به درد می‌آید. گاهی جوانانی دیده می‌شوند که سریعاً

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۷۴.

۲. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۶۲.

۳. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۱۶.

۴. همان، ص ۶۱.

به پدر و مادرشان پرخاش می‌کنند. یا گاهی جواب پرسش‌هایشان را نمی‌دهند یا با بی‌اعتنایی از کنارشان رد می‌شوند؛ انگار نه انگار که خداوند متعال به صراحت گفته است که حتی یک «اف» هم به ایشان نگویید: «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ»^۱.

امام سجاد علیه السلام درباره زحمات والدین مخصوصاً مادر می‌فرماید:

«حق مادرت آن است که بدانی، او تو را چندین ماه در رحم خود نگهداری و حمل کرد و تو را از میوه دل و شیر جانش غذا داد؛ او تمام وجودش را برای حفظ و نگهداری تو به‌کار گرفت؛ باکی نداشت که خودش گرسنه بماند و تو سیر باشی؛ خود تشنه باشد و تو آب بیاشامی؛ خودش برهنه باشد و تو لباس پوشیده باشی؛ خودش در مقابل آفتاب باشد و تو سایه‌نشین باشی. او از خواب شیرین خود به‌خاطر تو چشم پوشید و رنج بی‌خوابی را بر خود هموار ساخت. او تو را از گرمای تابستان و سرمای زمستان حفظ کرد؛ او همه این رنج‌ها را تحمل کرد که تو را داشته باشد و تو از آن او باشی. باید بدانی که تو قدرت و توانایی شکرگذاری مادرت را نداری، مگر آنکه خداوند ترا یاری کند و بر ادای حق او توفیقت دهد»^۲.

بی‌حرمتی به والدین نه فقط در آخرت، بلکه در دنیا نیز پیامدهای سختی برای فرزندان به‌دنبال خواهد داشت که می‌طلبید انسان خیلی مراقب باشد که پدر و مادر از او نرنجند.

• برخی آثار دنیوی بی‌حرمتی به والدین

۱. کوتاهی عمر

در داستان حضرت خضر علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام در آنجا که خضر نبی آن نوجوان را می‌کشد، علّت کشتن نوجوان را این‌گونه بیان می‌کند: «وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا»^۳. و اما آن نوجوان پدر و مادرش با ایمان بودند، ما نخواستیم او آنها را به طغیان و کفر وادار کند.

از این آیه معلوم می‌شود جایی که فرزند به‌خاطر آنکه در آینده پدر و مادر

۱. سوره اسراء، آیه ۲۳.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۱.

۳. سوره کهف، آیه ۸۰.

خویش را آزار می دهد و در برابر آنها طغیان و کفران می کند، یا آنها را از راه الهی به در می برد، مستحق مرگ می باشد؛ چگونه است حال فرزندی که هم اکنون مشغول به این گناه است؟ آنها در پیشگاه خدا چه وضعی دارند؟ در روایات اسلامی پیوند نزدیکی میان کوتاهی عمر و ترك صله رحم (به خصوص آزار پدر و مادر) ذکر شده است^۱ مانند روایتی که از امام علی (علیه السلام) نقل شده است:

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فِي خُطْبَتِهِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الدُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ، فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْكَوَّاءِ الْيَشْكُرِيُّ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَوَتَكُونُ دُنُوبٌ تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ؟»
فَقَالَ: نَعَمْ وَيْلَكَ! قَطِيعَةُ الرَّجَمِ^۲

امیر مؤمنان امام علی (علیه السلام) در سخنرانی اش فرمودند: از گناهانی که مرگ را پیش می افکنند، به خدا پناه می برم.

عبدالله بن کواء یشکری برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! مگر گناهانی هم هستند که مرگ را پیش می افکنند؟

حضرت فرمودند: «وای بر تو! آری؛ بریدن از خویشاوندان».

۲. محروم از توفیق الهی

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «خداوند عقوب والدین را حرام کرده، زیرا عاق والدین باعث می شود که توفیق اطاعت الهی از او سلب شود»^۳.

۳. تعجیل در عقوبت

رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «ثَلَاثَةٌ مِنَ الدُّنُوبِ تُعَجِّلُ عُقُوبَتَهَا وَلَا تُؤَخَّرُ إِلَى الْآخِرَةِ عُقُوبُ الْوَالِدَيْنِ وَ الْبَغْيُ عَلَى النَّاسِ وَ كُفْرُ الْإِحْسَانِ»^۴.

سه دسته از گناهان است که در کیفر آن عجله و شتاب گردد و به آخرت تأخیر نیفتد: ناراضی ساختن پدر و مادر، ستم بر مردم و ناسپاسی در برابر احسان دیگران.

۱ . تفسیر نمونه ج ۱۲، ص ۵۱۹.

۲ . کافی، ج ۲، ص ۳۴۷.

۳ . میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۱۷.

۴ . الأمالی (للمفید) : النص، ص ۲۳۷.

• پرورش احساس پیام با روش تصویرسازی

همان‌گونه که از بی‌احترامی به والدین به شدت نهی شده است، در قرآن و روایات ما، احترام و احسان به والدین نیز به شدت تأکید شده است؛ خداوند متعال در سه جای قرآن به احسان و تشکر از والدین وصیت و سفارش فرموده و به‌عنوان نمونه می‌فرماید: «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا» ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند.^۱

خدمت به پدر و مادر چنان آثاری دارد که اگر کل عالم را بگردید مثل آن نمی‌توانید پیدا کنید. به برخی از آنها اشاره کنم تا قدر بدانید این فرصت رو قبل از آنکه از دستش بدهید

• آثار دنیوی نیکی به پدر و مادر

۱. مرگ آسان

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که دوست دارد خداوند سکرات مرگ را بر او آسان کند، صله رحم کند و به پدر و مادرش نیکی کند».^۲

۲. عمر زیاد می‌شود

«والله یزید فی العمر»^۳ امام باقر علیه السلام فرمودند: نیکی به پدر و مادر عمر را زیاد می‌کند.

۳. دچار فقر نمی‌شود

«ولم یصبه فی حقاقه فقراً أبدا»^۴ در زندگی فقر به سراغ او نمی‌آید.

۴. مورد نیکی فرزندان قرار گرفتن

۱. عنکیوت، آیه ۸ (موارد دیگر در قرآن سوره لقمان، آیه ۱۴ - سوره احقاف، آیه ۱۵).

۲. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۶۶.

۳. همان، ص ۸۵.

۴. همان، ص ۶۶.

در دستورات اسلامی به ما سفارش کردند که به پدر و مادر خود احسان کنید تا فرزندان شما نسبت به شما نیکی کنند؛ این کار يك آموزش عملی است؛ فرزندان نیز از ما می آموزند. امام صادق (ع) در این باره فرمودند: «به پدرتان احترام کنید که فرزندان شما به شما نیکی کنند»^۱.

۵. موفقیت در امور مادی و معنوی:

هرکس در دنیا حرمت پدر و مادرش را حفظ کند، خدا در دنیا مشهورش می کند. فرقی ندارد، فرد مسلمان، یهودی، مسیحی و لائیک و ... باشد. اگر مقابل پدر و مادرت کمر خم کنی، خدا نامت را بین المللی می کند. هرکس که حرمت رسول خدا (ص) و فرزندان او را نگه دارد، هم در دنیا و هم در آخرت نامش می درخشد.

ادیسون شیعه نبود اما در دنیا نامش ماندگار شد. این درحالی است که میلیون ها انسان در همان عصر زندگی کردند اما اکنون نامی از آنها نمانده است. ادیسون هشت اختراع دارد که یکی از آنها برق است. می گوید: در هشت سالگی معلم مرا از مدرسه بیرون کرد و گفت: تو کودن هستی و نمی توانی درس بخوانی. مادرم مرا به مدرسه برد و به معلم گفت: خودم به این بچه درس می دهم و به عالم ثابت می کنم که بچه ام باهوش است. مادر ادیسون یک اتاق را برای ادیسون مدرسه کرده بود. مادرهای عزیز خانه تان را مدرسه کنید و به بچه ها درس دین بدهید؛ بچه ها از معارف تهی هستند؛ حتی هفته ای ده دقیقه امامان معصوم (ع) را به آنها معرفی کنید.

ادیسون می گوید من در ۹ سالگی کتابی در کتابخانه ی محله ی ما نبود که نخوانده باشم. در وصیت نامه اش می نویسد: من ادیسون از طفولیت دانستم که مادر چه چیزی خوبی است. روزی که معلم مرا کودن خواند، مادرم از من دفاع کرد. من از آن زمان به طور قطعی تصمیم گرفتم که ثابت کنم، مادرم درباره من خطا فکر نکرده است. همه مدیون من هستند و من مدیون مادرم هستم. هرکس این یک خط را بفهمد نامش بین المللی می شود.^۲

۱. همان، ص ۶۵.

۲ <https://www.shia-news.com/fa/news> ۱۲۴۲۱۸.

خوشا به حال آدمی که وقتی از او می‌پرسند: چه شد که این قدر خوب شدی و فرد موفقی هستی؟ بگوید: خدا پدر و مادرم را رحمت کند که هر چه دارم از دعای آنهاست.

• آثار اخروی نیکی به پدر و مادر

۱. رضای الهی

وقتی انسان به پدر و مادر خود احترام کند و آنها را از خود راضی کند، خداوند هم از او راضی می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «رضای خداوند در رضای والدین است»^۱.

۲. در سایه عرش الهی قرار گرفتن

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حضرت موسی علیه السلام با خداوند مناجات می‌کرد، يك نفر را دید که زیر سایه عرش الهی است؛ از خداوند سؤال کرد این چه کسی است که زیر سایه عرش تو قرار گرفته است؟ خداوند فرمود: این کسی است که به پدر و مادرش نیکی کرده است.^۲

۳. به جهنم نمی‌رود و جایگاهش بهشت است

عن رسول الله ﷺ: «لن يدخل النار البار بوالديه»^۳.
يك نفر به حضرت عیسی علیه السلام گفت: «ای معلم، مرا به عملی راهنمایی کن که به بهشت بروم؛ حضرت عیسی علیه السلام فرمود: تقوای الهی را در آشکار و نهان داشته باش و به پدر و مادرت نیکی کن».
در بهشت نزدیک مقام انبیا قرار گرفتن: پیامبر ﷺ فرمود: «بین انبیا و نیکی‌کننده به پدر و مادر يك درجه فاصله است»^۴.

۱. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۰۹.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۶۵.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

۴. همان، ص ۱۷۶.

• رفتارسازی پیام با ارائه برنامه

آنچه از روایات برمی آید این است که جبران زحمات پدر و مادر و به جا آوردن حقوق آنها، کار بسیار مشکلی است، اما باید تا حد توان در این زمینه تلاش نمود.

• مهمترین حقوق مادر

۱. نیکی و احسان

ابی ولاد حنات از امام صادق (ع) پرسید: معنی اینکه خداوند متعال که در قرآن می فرماید: «وبالوالدین احسانا» چیست و چگونه می توان به والدین نیکی کرد؟ امام صادق (ع) فرمودند: «احسان این است که با آنان نیک رفتار باشی؛ آنان را مجبور نکنی که نیازهای خود را از تو درخواست کنند، گرچه غنی باشند. از حال و روزگار آنان باخبر باشی و مشکلاتشان را درک کنی و در مواقع لزوم آنان را دریابی! آیا خداوند نمی فرماید: به مقام نیکوکاران نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید؟» سپس حضرت (ع) فرمودند: «اگر آنان به سن پیری رسیدند، کمترین اهانت و آزاری به آنان روا مدار و بر سر آنان فریاد زن و با نگاه های مهرآمیز و رفت انگیز، دل آنان را به دست آور و هیچگاه صدای خود را بالاتر از صدای پدر و مادر نکن و دست خود را بالای دست آنان قرار نده و گام های خود را از قدم های آنان جلوتر منه»^۱.

۲. نگاه مهرآمیز

ابوذر می گوید: از رسول گرامی اسلام (ص) شنیدم که فرمودند: «النظر الی علی بن ابیطالب عبادة والنظر الی الوالدین برافة ورحمة عبادة والنظر فی الصحیفة - یعنی صحیفة القرآن - عبادة والنظر الی الکعبة عبادة»^۲.

نگاه به علی بن ابیطالب (ع) عبادت است؛ نگاه مهرآمیز به پدر و مادر عبادت است؛ نگاه به صحیفة (قرآن) عبادت است؛ نگاه به کعبه عبادت است.

۱ . بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۴۰.

۲ . وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۲۰۵.

• رفتارسازی موضوع با روش ارائه برنامه

به والدین معنوی هم باید احسان و محبت نمود چون آثار و برکات عجیبی دارد. به عنوان مثال حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «سه چیز از دنیای شما را خیلی دوست دارم؛ نگاه به چهره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تلاوت قرآن و انفاق». «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ، وَالنَّظَرُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ، وَالْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛

پس سعی کنیم بسیار قرآن تلاوت کنیم و به حضرت زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام هدیه کنیم. با تلاوت قرآن، برخی علما از بی بی دو عالم حاجت می گرفتند، یا با انفاق و هدیه به خانم، ایشان را خشنود می کردند. برخی از بزرگان هم با روضه گرفتن برای بی بی دو عالم علیها السلام و اشک بر ایشان حاجت روا می شدند. از ویژگی های علامه امینی (ره) صاحب کتاب الغدير، عشق و ولای کامل او نسبت به آل محمد علیهم السلام بود؛ عشقی وصف ناشدنی که می توان گفت «الغدير» نیز در اثر همین عشق نوشته شد. در مجالس با صدای بلند بر مصائب آل محمد علیهم السلام می گریست؛ به طوری که دیگران و به ویژه اهل منبر و نوحه خوانان تحت تأثیر گریه های ایشان منقلب می شدند؛ گویا یکی از آل محمد علیهم السلام در مجلس است و اگر گوینده مصیبت، نام حضرت زهرا علیها السلام را می برد، آنگاه خون در رگ هایش متراکم شده و چونان کسی که ظلم بر ناموس او رفته فریاد می زد و همراه اشک بی امان، از چشمانش شعله ای آتش بیرون می زد.

• روضه

کاش در مدینه هم بودند کسانی که با اعمالشان دل بی بی را این روزها شاد می کردند. عده ای از زنان مدینه آمدند عیادت اما جیگر حضرت زینب علیها السلام را خون کردند.

وقتی میان کوچه سبند پاره پاره شد
چشمان غصه دار فلک پرستاره شد

ناموس کبریا وسط کوچه‌های تنگ
محصور یک شقی صفی بدقواره شد

تهمت زد و به دختر طاهای دروغ بست
داعیه دارِ دین، پسر زشت‌کاره شد

گفتند: گفت زود سبند را بده به من
گفتند: بعد از آن که ستم بی‌شماره شد

با پنجه، وسعت فدک‌اش را وجب گرفت
سیلی برای غصب فلک راه چاره شد

چادر به پای مادر سادات گیر کرد
افتاد روی خاک و دلش پر شراره شد

گفتند یک طرف زده سیلی ولی حسن
پیگیر جستجوی دوتا گوشواره شد

آخ مادر مادر مادر، از همین جا بریم کربلا؛ اربابمون امام حسین علیه السلام افتاد
روی خاک. راوی میگه: گفتم حسین علیه السلام داره نفرین میکنه؛ صورتش روی خاک
افتاده بود؛ فقط دیدم لباس تکون میخوره؛ سرم را پایین آوردم، دیدم داره میگه
الهی رضاً به رضاك.



موضوع: سِرِّ اکرام ائمه معصومین علیهم السلام از حضرت زهرا علیها السلام

پیام: مقام با عظمت مادر در سرنوشت فرزندان
و نقش تربیتی مادر در فرزندان





● خطبه:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، بارئ الخلق أجمعين، و الصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين، خاتم النبيين، حبيبنا و حبيب إليه العالمين أبي القاسم المصطفى محمد، صلى الله عليه و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين، و لا سيما بقيه الله في الأرضين و اللعن الدائم على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

● انگیزه سازی موضوع با روش بهانه گویی

زکریا بن آدم می گوید: خدمت حضرت رضا علیه السلام نشسته بودم که امام جواد علیه السلام را پیش او آوردند. سن امام جواد علیه السلام از چهار سال کمتر بود. حضرت جواد علیه السلام دست هایش را بر زمین نهاد، سرش را به طرف آسمان بلند کرد و در فکری عمیق فرو رفت. امام رضا علیه السلام فرمود: جانم فدایت چرا در فکری؟ امام جواد علیه السلام فرمود: به آن چه درباره مادرم زهرا علیها السلام انجام شد، می اندیشم. به خدا سوگند، حق قاتلانش آن است که اگر دستم به آنها برسد، آنان را سوزانده، تکه تکه کنم و ریشه شان را برکنم.

در این هنگام، امام رضا علیه السلام او را در آغوش کشید، میان دو چشمش را بوسید و فرمود: پدر و مادرم فدایت، به راستی که تو لایق امامت شیعه هستی.^۱

۱. إثبات الوصية، ۱۸۴ و بحار الأنوار ج ۵۰ و ۵۹.

• اقتناع اندیشه موضوع با روش توضیح به نمونه‌ها

همچنین امام جواد علیه السلام هر روز، هنگام زوال به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته و پس از سلام و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله به سراغ خانه‌ی مادرش حضرت زهرا علیها السلام که در همان نزدیکی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله است، می‌رفت و کفش‌ها را درآورده و با نهایت ادب و خضوع داخل خانه شده و در آنجا نماز و دعا می‌خواند و دقایقی طولانی به عبادت مشغول می‌شد و هرگز دیده نشد به زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله برود و سراغ مادرش را نگیرد.^۱ سؤالی که شاید به ذهن من و شما برسد این است که سر این اکرام ائمه علیهم السلام نسبت به مادرشان حضرت زهرا علیها السلام چیست؟ دلیل این همه ارادت امام جواد علیه السلام و حضرات معصومین علیهم السلام به مادرشان حضرت علیها السلام در آیات قرآن آمده است.

خداوند در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم درباره شجره طیبه سخن می‌گوید:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»^۲

آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟ میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد. و خدا مثلاً را برای مردم می‌زند، شاید که آنان پند گیرند.

«سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا فَقَالَ الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ نُسَبُّهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ وَفَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ وَغُنْصُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ وَأَغْصَانُهَا الْأَيُّمَةُ وَرَفَقُهَا الشَّيْعَةُ وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنْهَا وَرَقَةٌ وَإِنَّ الْمَوْلُودَ مِنْهُمْ لَيُولَدُ فَتَوَرَّقُ وَرَقَةً قَالَ قُلْتُ لَهُ جِئْتُ فِدَاكَ قَوْلُهُ تَعَالَى تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا قَالَ هُوَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْإِمَامِ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلَى شَيْعَتِهِ».

فردی از امام باقر علیه السلام درباره آیات سوره ابراهیم سؤال کرد. حضرت

۱. ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۵۸.

۲. آیات ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم.

فرمودند: شجره، رسول الله (صلی الله علیه و آله) است که نَسَب ایشان در بنی هاشم ثابت شده است؛ تنه درخت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و عنصر آن فاطمه (علیها السلام) و شاخه های آن ائمه معصومین (علیهم السلام) و برگ های آن شیعیان اند.^۲

شجره طیبه، شجره ولایت رسول الله (صلی الله علیه و آله) است که عنصر و اصل و ریشه آن فاطمه (علیها السلام) است؛ از این رو ریشه همه امامان مادرشان فاطمه است. آنها هرچه دارند از مادرشان فاطمه (علیها السلام) دارند؛ نه فقط ائمه (علیهم السلام)، بلکه هرکه در این عالم به هر جایگاه رفیعی رسیده باشد اگر انسان دارای معرفتی باشد می داند که هر چه دارد از پدر و مادر خود دارد. به ویژه مادر چون نقش تربیتی او در رشد معنوی و کمالات فرزندان غالباً پررنگ تر از پدر است.

• انگیزه سازی پیام با روش تعریف

برای اینکه به مقام مادر پی ببریم جا دارد اشاره ای به یکی از علمای بزرگ شیعه کنم. جایگاه شیخ مرتضی انصاری در بین علما به قدری رفیع است که او را «خاتم الفقهاء والمجتهدین» لقب داده اند. وی با نوآوری، علم اصول و به دنبال آن، فقه را وارد مرحله جدیدی کرد. کتاب های رسائل و مکاسب مهم ترین آثار او است. اگر کسی بخواهد در حوزه علمیه مجتهد شود باید کتاب ارزشمند ایشان را بخواند.^۳

وقتی به مادر شیخ انصاری گفتند: فرزندت به درجات عالی علم و تقوا رسیده است، در پاسخ گفت: «من در انتظار آن بودم که فرزندم ترقی بیشتری داشته باشد؛ زیرا من به او شیر ندادم، مگر اینکه با وضو بودم و حتی در شب های سرد زمستان هم بدون وضو او را شیر ندادم».^۴

نقل است «شیخ انصاری»، مادر پیرش را به دوش می گرفت و جلوی حمام

۱. «عنصر» در عربی، به معنای «اصل»، «اصل حسب» و «اصل نسب» آمده است. یعنی اساس شجره طیبه، زمین مطهر وجود حضرت زهراست.

۲. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، ج ۱، ص ۵۹.

۳. ویکی شیعه شیخ انصاری.

۴. صد حکایت تربیتی ص ۶۰، نویسنده مرتضی بذرافشان.

می‌برد و او را به زن حمام می‌سپرد و همان‌جا منتظر می‌ایستاد تا پس از پایان کار، او را به خانه باز گرداند. وی هر شب به دست‌بوسی مادر می‌رفت و صبح با اجازه مادر از خانه خارج می‌شد. باین‌حال پس از مرگ مادرش، همواره می‌گریست و می‌فرمود: گریه‌ام به این دلیل است که از نعمت بزرگ خدمت به مادر محروم شدم. با آنکه مادرش زن باایمانی بود، شیخ مرتضی انصاری، تمام نمازهای واجب وی را دوباره به‌جا آورد.^۱

● افق اندیشه پیام با روش استقراء و آمار

با نگاه به آیات قرآن به زن‌هایی می‌رسیم که نقش مادریشان را خداوند عالم ستوده است.

۱. همسر عمران مادر مریم

حضرت مریم علیها السلام بانویی است که در قرآن کریم ستایش افزون شده و زن برگزیده از میان عالمیان معرفی شده است:

«وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ». به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است.^۲

قداست و برگزیدگی حضرت مریم علیها السلام با تربیت یافتن وی در دامن مادری چون همسر عمران، شایستگی‌ها، باور، اخلاص و ایمان وی بی‌ارتباط نیست؛ زیرا قرآن قبل از تکریم مریم، به ارائه ویژگی‌هایی از مادر او پرداخته است:

«إِذْ قَالَتْ امْرَأْتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» به یاد آورید هنگامی را که همسر عمران گفت: خدایا آنچه در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «محَرَّر» (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر که تو دانا و شنوا هستی.^۳

۱. حکایت و حکمت ص ۶۴.

۲. آل عمران، ۴۲.

۳. آل عمران، ۳۵.

بی‌تردید زنی با این خداباوری و نیت الهی و معنوی، دوره بارداری خویش را در کمال پروا پیشگی و بندگی خالصانه به سر برده و مراقب طهارت ظاهری، باطنی و دوری از آلائش‌های تأثیرگذار بر کودک خویش بوده است.

رهیافت به راز و اهمیت یادکرد قرآن از انگیزه الهی و خالصانه مادر مریم به هنگام بارداری و پیشکش کردن جنین خویش به پیشگاه پروردگار هستی، پس از آن میسر می‌شود که توجه داشته باشیم کاوش‌ها و دریافت‌های جدید علمی، بیانگر آن است که حوادث محیطی و پیرامونی کودک از زمان تولد و حتی پیش از آن و در دوره جنینی، از قبیل تصورات، افکار، حزن و اندوه او، رفتارها و عملکردهای مادر و نیز تغذیه، نظافت، گرفتن از شیر و آموزش، دارای تأثیر کامل در تنظیم و شکل‌گیری شخصیت آینده او می‌باشد.

دکتر بنیامین اسپاک، می‌نویسد: «انسان قبل از تولد نه تنها در رحم مادر رشد می‌کند، تغذیه می‌شود و محیط گرمی دارد، بلکه در همه حرکت‌های او شریک است».^۱

مادر مریم (علیه السلام)، در نخستین لحظه‌های تولد فرزندش در اندیشه پابندی به عهده‌ای است که با خدا بسته است و هنگامی که می‌بیند برخلاف تصور او دختری به دنیا آورده که نمی‌تواند براساس رسوم آن جامعه در شمار خدمت‌کاران خانه خدا درآید، اما این رویداد خلاف تصور، چیزی از ایمان وی، نمی‌کاهد و او همچنان ثابت قدم در عهدش باقی می‌ماند و نوزادش را «مریم» (عبادت کننده خداوند) نام می‌نهد و با سپردن او و نسلش به خداوند، خواهان امداد الهی در تربیت وی می‌گردد:

«فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت) گفت: خداوند! من او را دختر آوردم - ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاه‌تر بود - و پسر همانند دختر نیست. (دختر نمی‌تواند وظیفه خدمت‌گذاری معبد را همانند پسر انجام دهد).

۱. بنیامین اسپاک، تغذیه، تربیت و نگهداری کودک، ترجمه احمد میرعبادینی، چاپ اول، تهران، نشر چکامه، ۵۴۴.

من او را مریم نام گذاردم؛ و او و فرزندانش را از (وسوسه‌های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم.^۱

۲. مریم عَلَيْهَا السَّلَام مادر عیسی عَلَيْهِ السَّلَام

مریم عَلَيْهَا السَّلَام مادر عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بانو و مادر نمونه دیگری است که قرآن او را گرامی داشته و مورد تمجید و ستایش قرار داده است. مادری که از همان روزهای نخستین جدایی از آغوش مادر، ساکن و مقیم خانه خدا شد و به عبادت الهی پرداخت. مقام مریم عَلَيْهَا السَّلَام در عبودیت و بندگی خداوند به مرتبه‌ای رسید که برگزیده خداوند شد. مانده آسمانی بر او فرود می‌آمد و مورد غبطه پیامبر الهی (زکریا) قرار گرفت و داشتن چنان فرزندی را از خداوند درخواست کرد. مریم از زنان مورد ستایش قرآن است از آن جهت که پاکی و پاکدامنی خود را به شدت پاس داشته است و تا آنجا پیش رفته که شایسته دریافت نفخه الهی شده است. «وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْعَمَلِ تَتَذَكَّرُ أَلْفَاظًا وَلَذِكِ اللَّهُ عَذَابًا مُبِينًا» و مریم دختر عمران که دامن خود را پاک نگاه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم، او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و او از مطیعان فرمان خدا بود.^۲

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ». و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است. ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده به جا آور و با رکوع‌کنندگان رکوع کن».^۳

نام حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام به‌عنوان دختر عمران، یا مادر حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام، یا به‌صورت مستقل، بارها و بارها در قرآن ذکر شده است. آیات مربوط به توصیف حالات شخصی، ویژگی‌های رفتاری، عبادی، خلقی، برگزیدگی، پاکدامنی و

۱. آل عمران / ۳۶.

۲. تحریم، ۱۲.

۳. آل عمران، ۴۲ و ۴۳.

سکنی‌گزینی حضرت مریم در عبادتگاه پروردگار و بهره‌وری از نعمت‌های بهشتی، دارای چند مطلب قابل فهم و دریافت است:

یکم: وارستگی، پاکدامنی، بندگی خالصانه مریم، سبب شد که فرزند و مولود بزرگواری چون عیسی مسیح علیه السلام در دامن او زاده شود؛ اگر زنی بسان مریم و به پیمانه قداست، پاکی و پرواپیشگی او نمی‌بود، نمی‌توانست این شرافت را کسب کند و ظرفیت و شایستگی مادرشدن برای عیسی مسیح علیه السلام را بیابد.

دوم: تولد فرزندی چون عیسی علیه السلام از مادری چون مریم سزااست و این به‌صورت آشکار نقش مادر در تربیت فرزندان در مراحل جنینی و پس از آن و نیز تأثیر حالات روحی، اخلاق و ایمان مادران بر حالات، رفتار و خلق و خوی فرزندان را می‌رساند.

سوم: گویی تمام عظمت و تقدیس مریم علیه السلام در نقش مادری او به عیسی علیه السلام و زادن و پروردن او خلاصه می‌شود. کثرت آیات ناظر بر مادری حضرت مریم علیه السلام برای حضرت عیسی علیه السلام، از همین منظر قابل فهم است. چهارم: مادری مریم علیه السلام، برای عیسی علیه السلام را نمی‌توان بسان گذرگاه و ظرفی بدون نقش و تأثیر برای مطروف و شخصیت مسیح علیه السلام انگاشت که اگر چنین می‌بود، ذکر آن همه توصیف از پروای اخلاقی، خدااباوری مریم علیه السلام و جای گرفتن وی در مقدس‌ترین مکان، پرداختن به پرستش شبانه‌روزی خداوند و تغذیه از پاک‌ترین غذاها، در دوره پیشامادری، ضرورت و توجیه درخور فهم و عقلانی نمی‌یافت! افزودن براین، بشارت تولد عیسی علیه السلام را فرشتگان به مریم علیه السلام دادند و آن نوزاد را با لقب «فرزند مریم» معرفی کردند.

۳. مادر موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام در روزگاری به دنیا آمد که فرعون، فرزندان پسر بنی اسرائیل را سر می‌برد تا سلطنت وی زوال نیابد. از همان روزهای نخست ولادت موسی علیه السلام، مادر وی را تشویش و اضطراب فراگرفت و از تدبیر و چاره‌اندیشی در حفظ جان فرزند خویش، عاجز ماند. در این هنگام بود که مادر موسی علیه السلام از سوی خدا راهنمایی شد:

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَلَاخِيزَ فِي السِّمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ. فَلَتَقْطُهُ أَلْ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا». و ما به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر ده و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن و نترس و غمگین مباش، که ما او را به تو باز می‌گردانیم، و او را از رسولان قرار می‌دهیم. (هنگامی که مادر به فرمان خدا او را به دریا افکند) خاندان فرعون او را از آب گرفتند، تا سرانجام دشمن آنان و مایه انده‌شان گردد.^۱

در این ماجرا چند موضوع مطرح است:

یکم: آنچه در وحی الهی به مادر موسی علیه السلام (چه به معنای الهام، یا شنیدن صدا، یا هر مکانیسم دیگر) مهم می‌نماید و منزلت مادر موسی علیه السلام را به عنوان مادر، بسی والایی می‌بخشد، این واقعیت است که می‌بینیم، تمامی تدابیر و راهکارهای وحیانی خداوند به صورت ریز، دقیق، مدبرانه و با شجاعت برخاسته از ایمان، از سوی مادر موسی فراگرفته و اجرا می‌شود و خداوند از ایمان، قلب مطمئن، تعهد و اجرای دقیق دستورات خود به وسیله مادر موسی علیه السلام با لحن ستایش گزارش می‌کند.

دوم: راز بازگشت دوباره موسی علیه السلام به آغوش مادر، تسکین قلب مادر موسی علیه السلام، زدودن اندوه از وی و اثبات حقانیت وعده خداوند دانسته شده است:

«فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلَنَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ...». ما او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است.^۲

اما این واقعیت که از میان تمامی راه‌های ممکن، خداوند راهکار امتناع او از پذیرش و مکیدن پستان زنان دیگر را عامل بازگشت موسی علیه السلام به مادر، تقدیر و پیش‌بینی می‌کند، نشانگر این مطلب می‌تواند باشد که کار تربیت، پرورش،

۱. قصص: ۷ و ۸.

۲. قصص: ۱۳.

تغذیه و رشد موسی (علیه السلام) پیامبر باید به وسیله زنی چون مادر خود وی کمال و انجام پذیرد و نه هر زن شیرده دیگری و این به معنای برجسته کردن اهمیت نقش تربیتی مادران در سمت و سویابی فرزندان و ارائه الگوی موفق از مادری است که با ایمان اخلاص و اعتماد و اتکال به خداوند کار تربیت و پرورش فرزندی چون موسی (علیه السلام) را به شیوه احسن و بهترین وجه ممکن به فرجام رساند.

● پرورش احساس پیام با محتوای داستان احساس برانگیز

همان طوری که نقش مادری در تربیت مطلوب فرزند بسیار مهم و کلیدی است، همان طور نیز در تربیت ناصحیح فرزند بسیار مهم است.

یکی از مسایل پندآموز تاریخ که بسیار دردناک و درعین حال عبرت انگیز بود، ماجرای کف زدن فرزند آیت الله حاج شیخ فضل الله نوری هنگام اعدام پدر بود. این مجتهد و عادل انقلابی، علیه مشروطه غیرمشروعه آن زمان قد علم کرد. باینکه اول مشروطه خواه بود، اما چون مشروطه از مسیر اصلی خود و مسیر اسلام منحرف و خارج شد، با آن مخالفت کرد و عاقبت او را گرفتند و زندانی کردند.

شیخ پسری داشت که بیش از بقیه مُصر بر اعدام پدرش بود. یکی از بزرگان گفته بود، من به زندان رفتم و علت را از شیخ فضل الله نوری پرسیدم. ایشان فرمود: خود من هم انتظارش را داشتم که پسر من چنین از کار درآید. چون شیخ شهید اثر تعجب را در چهره آن مرد دید، اضافه کرد: این بچه در نجف متولد شد. آن هنگام مادرش بیمار بود، از این رو شیر نداشت؛ مجبور شدیم يك دایه شیرده برای او بگیریم. پس از مدتی که آن زن به پسر شیر می داد، ناگهان متوجه شدیم که وی زن آلوده ای (هرزه) است؛ علاوه بر آن ناصبی و از دشمنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز بود ... کار این پسر به جایی رسید که در هنگام اعدام پدرش کف زد. آن پسر فاسد، پسری دیگر تحویل جامعه داد به نام کیانوری که رئیس حزب توده ایران شد.^۱

امام علی (علیه السلام) ثمره و محصول تربیت صحیح را پرورش فرزند صالح می دانند

که مایه انس و آرامش والدین است. از این رو حضرت می‌فرماید: انس و آرامش در سه چیز است: همسری که با شوهرش توافق داشته باشد؛ فرزندی که صالح باشد و برادری که موافق و هم رأی انسان باشد.^۱

تربیت فرزند صالح نور چشم والدین در دنیا و آخرت می‌شود. «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ».^۲

همچنین پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: فرزند صالح گلی از گل‌های بهشت است؛ گلی است که خداوند بین بندگانش قسمت نموده است و سعادت مرد در این است که فرزندی شایسته داشته باشد.^۳

همچنین امام زین العابدین (علیه السلام) می‌فرماید: فرزند، بهترین نعمت است؛ اگر زنده باشد، دعاکننده‌ای نقد است و اگر چنانچه بمیرد، شفاعت کننده‌ای است که انسان او را پیشاپیش می‌فرستد.^۴

از سویی دیگر آثار سوء و پیامدهای منفی پرورش فرزند ناصالح مایه نابودی شرف والدین است.

امام علی (علیه السلام) از فرزند ناصالح به عنوان آلوده‌کننده پیشینیان خود و فاسدکننده اولاد و بازماندگان یاد می‌کنند.^۵ امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بیانی دیگر، فرزند ناخلف را شدیدترین مصیبت‌ها معرفی نموده‌اند.^۶ فرزند ناصالح نه تنها خویشتن خود را گم نموده و گوهر بندگی و انسانیت خویش را از دست می‌دهد، گاهی نیز ممکن است پدر صالح و شایسته را به انسانی ناصالح مبدل گرداند؛ امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره زبیر فرمودند: زبیر پیوسته مردی از ما اهل بیت بود تا اینکه فرزند شوم و ناخلف او عبدالله بزرگ شد و او را از ما جدا کرد.^۷

۱. نهج البلاغه، قصارالحکم، شماره ۳۵۴

۲. سوره فرقان، آیه ۷۴.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۳.

۴. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۱۲.

۵. میزان الحکمة، ج ۱، ص ۷۵.

۶. میزان الحکمة، ج ۱، ص ۷۵.

۷. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۷۴.

• رفتارسازی پیام با روش ارائه برنامه

شاید بتوان به صراحت گفت کلید طلایی هر زندگی و تربیت صحیحی، مادر آن خانواده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره نقش تربیتی مادرشان می‌گفتند: مادرم یک خانم بسیار فهمیده، باسواد، کتاب‌خوان، دارای ذوق شعری و هنری، حافظ شناس - البته حافظ‌شناس که می‌گویم، نه به معنای علمی و اینها، بلکه به معنای مأنوس بودن با دیوان حافظ - و با قرآن کاملاً آشنا بود و صدای خوشی هم داشت.

ما وقتی بچه بودیم، همه می‌نشستیم و مادرم قرآن می‌خواند؛ خیلی هم قرآن را شیرین و قشنگ می‌خواند. ما بچه‌ها دورش جمع می‌شدیم و برایمان به مناسبت، آیه‌هایی را که در مورد زندگی پیامبران است، می‌گفت. من خودم اولین بار، زندگی حضرت موسی (ع)، زندگی حضرت ابراهیم (ع) و بعضی پیامبران دیگر را از مادرم شنیدم. قرآن که می‌خواند، به آیاتی که نام پیامبران در آن است می‌رسید، بنا می‌کرد به شرح دادن.

بعضی از شعرهای حافظ که هنوز - بعد از سنین نزدیک شصت سالگی - یادم است، از شعرهایی است که آن وقت از مادرم شنیدم. از جمله، این دو بیت یادم است:

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند

مادرم خانمی بود خیلی مهربان، خیلی فهمیده و فرزندان را هم - البته مثل همه مادران - دوست می‌داشت و رعایت آنها را می‌کرد.^۱

نکته اینجاست برای تربیت فرزندان باید وقت گذاشت. مادر با رنج و مشقت‌هایی که می‌کشد ذره‌ذره تربیت را در فرزندان نهادینه می‌کند.

همچنین یکی از مهمترین نیازهای هر کودک برخورداری از عواطف پاک و مهر و محبت خانواده و خویشاوندان و والدین است. هنگامی که کودک از زلال محبت خانواده سیراب شد و عطش محبت و توجه عاطفی او برطرف گردید، با

روانی آرام و سلامت و پرنشاط پا به عرصه اجتماع می‌گذارد تا همگان از برکات وجود او بهره‌مند شوند. یکی از راه‌های پرورش شخصیت عاطفی کودک، ابراز محبت و از جمله بوسیدن است.

بوسه‌های مکرر پیامبر اکرم ﷺ بر رخسار و دست و بازوی فاطمه علیها السلام نشانه‌ای از ابراز علاقه آن حضرت به فرزندش بود. آن حضرت به محبت کردن و توجه به کودکان بسیار اهمیت می‌داد؛ روزی رسول خدا ﷺ امام حسن علیه السلام را می‌بوسید و نوازش می‌کرد؛ اقرع بن حابس عرض کرد: من ده فرزند دارم، ولی تابه‌حال هیچ‌یک از آنان را نبوسیده‌ام. پیغمبر ﷺ غضبناک شدند و فرمودند: «اگر خدا محبت را از قلب تو گرفته است، من چه کنم؟ هرکس نسبت به اطفال ترحم نکند و احترام بزرگ سالان را نگه ندارد، از ما نیست»^۱.

حضرت زهرا علیها السلام نیز که تربیت یافته چنین مکتبی بود، با بوسیدن مکرر فرزندان خود، شخصیت عاطفی آنها را پرورش می‌دادند.

بنابراین فرزندان خود را زیاد ببوسید. این بوسیدن ثواب بسیاری هم دارد تا جایی که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «اَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةِ اَوْلَادِكُمْ فَاِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً». فرزندان خود را بسیار ببوسید زیرا برای شما در هر بوسیدن درجه‌ای است.^۲

بوسیدن فرزند یکی از عوامل شکل‌گیری روابط عاطفی بین مادر و پدر با فرزندان است که متأسفانه در بعضی استان‌ها آن را خلاف عرف و کاری ناپسند می‌دانند.

اما این تفکر اشتباه است و ارتباط عاطفی والدین با فرزندان به هر شکلی که تقویت شود مطلوب است؛ در سیره معصومین علیهم السلام نیز ارتباط عاطفی شدید بین ائمه علیهم السلام با مادرشان حضرت فاطمه علیها السلام گویای این واقعیت است.

• پرورش احساس موضوع با روش داستان احساس برانگیز

ارتباط عاطفی حضرات معصومین علیهم السلام با مادرشان فاطمه علیها السلام خیلی زیاد بوده است، تا جایی که در روایت داریم؛ شخصی بنام بشار می‌گوید: به خانه

۱. فاطمه زهرا (س)، المرأة النموذجية في الاسلام، ترجمه: علی الجمال الحسین، ص ۷۱.

۲. رسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۳ و ۲۰۲.

امام صادق علیه السلام رفتم، دیدم حضرت علیها السلام دارد رطب تازه می خورد؛ حضرت علیها السلام فرمود: بشمار! بیا خرما بخور! گفتم: آقا نمی خواهم. فرمود: میل کن! گفتم: آقا! بغض گلویم را گرفته است. ناراحتم نمی توانم بخورم. در یکی از بازارهای کوفه داشتم می رفتم. دیدم یکی از این پیرزن های شیعه دارد می رود؛ یک دفعه پایش لیز خورد و بر زمین افتاد. تا به زمین خورد ظالمین زهرا علیها السلام را لعنت کرد. نوکرهای حکومتی شنیدند، او را گرفتند و بردند. خیلی دلم سوخت. تا جریان را گفتم، آقا منقلب شد. فرمود: بلند شو برویم مسجد سهله برای دعا کنیم. به مسجد سهله رفتیم. امام صادق علیه السلام دو رکعت نماز خواندند؛ دست هایشان را به طرف آسمان بلند کردند و او را دعا کردند. یک وقت فرمود: بلند شو! آزادش کردند. گفتم: من بلند شدم و رفتیم دیدم پیرزن را آزاد کرده اند. من رفتم به پیرزن جریان را گفتم که امام نماز خواند و برایت دعا کرد. پیرزن گفت: پس برویم خدمت آقا تا از ایشان تشکر کنم. آمدیم خدمت آقا، بعد امام صادق علیه السلام فرمود: خانم! چرا وقتی به زمین خوردی ظالمین جده ما زهرا علیها السلام را لعنت کردی؟ گفتم: آقا جان! برای اینکه وقتی به زمین خوردم پهلویم درد آمد، یکدفعه یاد پهلوی شکسته مادرت زهرا علیها السلام افتادم.^۱

این ارادت ها در بین علما نیز خود را به صراحت نشان می دهد.

یکی از فضایل حوزه که مشکل بزرگی برایش پیش آمده بود، برای زیارت و توسل به حضرت امام رضا علیه السلام عازم حرم می شود. از قضا به علامه طباطبایی بر می خورد که ایشان هم عازم حرم است. به طرفش رفته و با چشمی پر اشک و دلی پرسوز از ایشان می خواهد تا دعایی به او بیاموزد که حاجتش روا شود. علامه نگاهی مهربان به چهره و حالت او می کند آنگاه می گوید: «فرزندم! وقتی وارد حرم مطهر می شوی، یکی از مؤثرترین و بهترین دعاها این است که حضرت را به مادرش زهرا علیها السلام قسم بدهی که حاجت تو را از خدا بخواهد. چون حضرت به مادرش زهرا علیها السلام علاقه فراوان و ارادت خاصی دارد و سوگند دادن به مادر محبوبش، سخت مؤثر خواهد افتاد.^۲

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۷، ص: ۳۷۹.

۲. چشمه در بستر، ص ۳۵۵.

• رفتارسازی موضوع با روش ارائه برنامه

حضرت زهرا علیها السلام بانوی نمونه جهان اسلام، در تربیت فرزند نیز الگویی ماندگار از خود بر جای گذاشته است؛ حضرت زهرا علیها السلام در دانشگاهی که در خانه کوچک خود ایجاد کرده بود ضمن تربیت برجسته‌ترین افراد، مادران تمام تاریخ را با سبک زندگی فاطمی در تربیت فرزند، یاری رسانیده است.

لالایی‌های مادران از نخستین آموزه‌هایی است که فرزندان را در مسیر تربیت رهنمون می‌شود؛ همان زمانی که برخی می‌اندیشند که کودک توان درک ندارد اما چنین نیست؛ روح هشیار کودک همواره درحال دریافت است؛ لالایی حضرت زهرا علیها السلام آموزه‌های ایمان، شجاعت و شهامت، حق جویی و ... را در بر می‌گرفت: شبیه پدرت باش و طناب از گردن حق باز کن، یکتاپرست باش و دست دوستی به دشمن مده. بهره‌گیری از انواع فرم‌های ادبی و هنری در تربیت فرزند به‌ویژه شعر با توجه به ظرفیت بالای آن در انتقال مفاهیم، آغاز معرفی الگوی مناسب، پرهیز دادن از همنشینی با بدان، انس و همراهی با فرزند و ... آموزه‌هایی است که می‌توان از این نکته برداشت کرد.

سیره زندگی حضرت صدیقه طاهره علیها السلام، کلاسی عملی در تربیت فرزندان است؛ کارشناسان تربیتی معتقدند آموزش از این روش ماندگارتر و مؤثرتر است. در همین زمینه امام حسن علیه السلام می‌فرماید: مادرم فاطمه علیها السلام را در شب جمعه در محراب عبادت دیدم که به عبادت و نماز مشغول است؛ او پیوسته به رکوع و سجود مشغول بود تا شب به پایان رسید. نکته‌ای که خیلی اهمیت دارد فرزندان ما تحت تربیت عملی ما هستند. آنها آن چیزی که ما می‌گوییم نمی‌شوند بلکه آن چیزی که در عمل انجام می‌دهیم اخلاقیات آنها می‌شود. پس باید برای تربیت عملی خودمان وقت بگذاریم.

با نگاهی به حدیث شریف کساء می‌بینیم که حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ به سلام فرزندان امام حسن علیه السلام می‌فرمایند: سلام بر تو ای نور دیده‌ام و میوه دلم. نوع پاسخ ایشان نشان از احترامی است که برای فرزندان قابل بودند؛ این آموزه سبب می‌شود که فرزندان نیز به یکدیگر و پدر و مادر احترام بگذارند؛ چنان‌که نهایت احترام را می‌توانیم در میان فرزندان ایشان ببینیم.

حضرت زهرا علیها السلام فرزندان را به اعمال نیکو از جمله علم‌آموزی تشویق می‌کردند؛ به‌عنوان مثال به فرزندان امام حسن علیه السلام می‌فرمود: «به مسجد برو،

آنچه را از پیامبر شنیدی فراگیر و نزد من بیا و برای من بازگو کن». البته این کلام حضرت آموزه‌های مهم دیگری را نیز شامل می‌شود و آن ارتباط صحیح با فرزند، ایجاد بهانه‌هایی برای گفت‌وگو با او و ... از دیگر نکات مهم تربیت فرزند است که باید سرمشق مادران قرار گیرد.

تربیت دینی سبک زندگی فاطمی (علیها السلام) از دوران کودکی آغاز می‌شود؛ برای نمونه ایشان در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان کودکان خود را به بیداری فرا می‌خواند؛ به این منظور حضرت در روز بچه‌ها را می‌خواباند تا استراحت کنند و غذای کمتری به آنان می‌داد تا بدین‌گونه زمینه و موقعیت بهتری برای شب زنده‌داری داشته باشند.

این موارد نکته‌هایی کوچک از اقیانوس زندگی عملی حضرت زهرا (علیها السلام) است. ما هم می‌توانیم خودمان را کمی شبیه حضرت زهرا (علیها السلام) کنیم. خوشا به حال کسانی که خانم فاطمه زهرا (علیها السلام) چراغ هدایتشان است. تا توان داریم دست به دامن خانم فاطمه زهرا (علیها السلام) شویم؛ چون نوکری در خانه این بزرگان پاداشی عظیم دارد.

یکی از نوکران خوشبخت آستان فاطمی (علیها السلام) شهید تورجی‌زاده از شهدای والا مقام اصفهان است. شهید محمدرضا تورجی‌زاده ارادت خاصی به خانم فاطمه زهرا (علیها السلام) داشت؛ تا جایی که هیأت گردان یازهرا (علیها السلام) را تأسیس کردند؛ این هیأت بعدها در اصفهان با نام هیأت محبان حضرت زهرا (علیها السلام) و هیأت رزمندگان اسلام به فعالیت خود ادامه داد.

محمدرضا تورجی‌زاده علاقه‌ی فراوانی به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) داشت و در تمامی مداحی‌های خود در مدح ایشان می‌خواندند. علاقه‌ی تورجی‌زاده به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) به حدی بود که وصیت کرد بر روی سنگ قبرش بنویسند یا زهرا (علیها السلام). تورجی‌زاده همیشه نمازهایش را اول وقت می‌خواند و بسیار قرآن تلاوت می‌کرد. تورجی‌زاده بارها در جبهه مجروح شد و قبل از آنکه به طور کامل بهبود یابد مجدد به جبهه می‌رفت.

محمدرضا تورجی‌زاده در پنجمین روز اردیبهشت سال ۱۳۶۶ در ارتفاعات شهر بانه در استان کردستان در حین فرماندهی گردان یازهرا (علیها السلام) در سنگرش مثل خانم

فاطمه زهرا علیها السلام از ناحیه‌ی پهلوی و بازو مورد اصابت ترکش قرار گرفت و به مقام شهادت نائل شد.^۱

آیت الله میرداماد استاد شهید تورجی زاده می‌گفت: به شهید تورجی زاده ارادت خاصی داشتم.

یک شب به خوابم آمد؛ به او گفتم: محمدرضا این همه از حضرت زهرا علیها السلام گفتمی و خوندی ثمری هم داشت؟

شهید تورجی زاده بلافاصله گفت: همین که در آغوش فرزندش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه جان دادم برایم کافی است.^۲

او عاشق امام زمانش عجل الله تعالی فرجه الیه بود؛ فرمانده اش می‌گوید: مسیر ۹۰۰ کیلومتری دارخوئین تا جمکران را هر هفته می‌رفت و بعد از خواندن نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه بر می‌گشت. یکبار همراهش رفتم. نیمه‌های شب برای خوردن آب بلند شدم. نگاهی به محمد انداختم. سرش به شیشه بود. مشغول خواندن نافله بود. قطرات اشک از چشمانش جاری بود. در مسیر برگشت با او صحبت می‌کردم. می‌گفت: یک بار ۱۴ بار ماشین عوض کردم تا به جمکران رسیدم. بعد هم نماز را خواندم و سریع برگشتم.^۳

● روضه

فدات بشم خانوم یکی از نوکرانتان در خونه شما این همه آبرو کسب کرد و آخر با پهلویی شکسته، شهید شد. امشب شب عزای فاطمه علیها السلام است؛ شب مصیبت؛ می‌دانم همه دل‌ها راهی مدینه و قبرستان بقیع شده، از همین جا دل‌های عاشقتان را کنار قبری ببرید که الان تنها زائرش مهدی فاطمه علیها السلام است؛ فدای آن صورتی که الان روی قبر مادر گذاشته، برای غربت و مظلومی مادر اشک می‌ریزد

مادرا می‌آیم حق تو احیا می‌کنم
دشمنانت را یکایک خوار و رسوا می‌کنم

۱. کتاب خط عاشقی ۲ (خاطرات عشق شهدا به حضرت زهرا س.).

۲. سایت اداره کل سازمان تبلیغات استان چهار محال و بختیاری، درباره شهدای استان.

۳. خبرگزاری تسنیم، ۳۰ خرداد ۱۳۹۸.

از خدا اذن ظهورم را تقاضا کن که من
عقده‌های دل پر خون ترا وا می‌کنم

روضه‌ای جانسوز می‌خوانم کنار قبر تو
چشم عشاق ترا از گریه دریا می‌کنم

من طیب دردهای بی‌علاجم غم مخور
پهلوی بشکسته هم مداوا می‌کنم

آی سیدها! مادران شبها نمی‌خوابید. از درد پهلوی خیلی ناله می‌کرد. زهرا
جان! می‌شود از همان گوشه‌ی بقیع به ما لطفی کنید؟ می‌دانم پهلوی شکسته
است. می‌دانم میخ در سینه‌ات را سوراخ کرده است. می‌دانم بازویت ورم کرده
است. اما با همین حالت بیا در خانه خدا واسطه شو! ما هم ناله‌ها را دنبال
سرت می‌فرستیم: الهی العفو العفو...



موضوع: امتحان سخت و ناامید نشدن

پیام: محرومیت و حسرتی بزرگ به نام نازایی





● خطبه:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، بارئ الخلائق أجمعين، و الصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين، خاتم النبيين، حبيبنا و حبيب إله العالمين أبي القاسم المصطفى محمد، صلى الله عليه و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين، ولا سيما بقيه الله في الأرضين و اللعن الدائم على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

● انگیزه سازی موضوع با روش بهانه گویی

«يَا مُتَحَنِّنُهُ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً»^۱.

این شبها خوب است قبل از آغاز منبر، زیارت نامه حضرت زهرا علیها السلام خوانده شود. خوشا به حال کسانی که در این ایام با این زیارت، توفیق زیارت قبر گمشده خانم از راه دور را پیدا می کنند؛ این زیارت دارای معارف بسیار ارزشمندی است. در این زیارت می خوانیم: ای آزموده، آزمودت خدایی که تو را آفرید، پیش از آنکه تو را بیافریند؛ پس به آنچه آزمودت تو را شکبا یافت. امتحان الهی همه کس را در بر می گیرد. وقتی فاطمه زهرا علیها السلام - که نورچشم

۱. زیارت نامه حضرت زهرا علیها السلام

آفریده‌های خداست - مورد امتحان قرار می‌گیرد. ما به هیچ عنوان نباید خودمان را معاف از این امتحان‌های الهی ببینیم.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ».
آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و او توانای شکست‌ناپذیر و بسیار آمرزنده است.^۱

باید بدانیم دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، دنیایی پر از امتحان است و هیچ‌کدام از انسان‌هایی که تا الان خداوند آفریده و در آینده خواهد آفرید بدون امتحان از دنیا نخواهد رفت.

گاهی ما امتحان‌های خدا را متوجه می‌شویم، ولی خیلی وقت‌ها اصلاً هیچ توجهی به این امتحان‌ها نداریم یا نگاهمان به برخی اتفاقات، نگاه از جنس توجه به امتحانات الهی نیست.

اما خدایی که مرگ و زندگی را آفریده، خودش می‌فرماید: آفرینش شما برای این است که ببیند کدام یک از ما در این امتحانات الهی موفق‌تر و مصداق احسن عملاً هستیم.

• افق اندیشه موضوع با روش توضیح با نمونه‌ها

پس باید قبول کنیم که لحظه‌به‌لحظه‌ی زندگی ما در معرض امتحانات الهی است و کسی می‌تواند از امتحانات الهی سربلند خارج شود که نگاهش با اتفاقات پیرامون خودش نگاه امتحانی باشد. امتحانات خداوند انواع مختلفی دارد و خدا هرکس را با نوع خاصی از این آزمایش‌ها امتحان می‌کند.

یکی از مدل‌های امتحان الهی که ما در طول تاریخ بسیار دیده‌ایم و شاید بعضی از ما دچار این نوع از امتحان بوده‌ایم، یا هستیم و یا خواهیم بود، امتحان از جنس عدم رزق اولاد است.

عنایت اولاد به ما رزق الهی، محبت الهی و نعمت الهی است، اما گاهی

۱. الملك، ۲.

خداوند انسان‌ها را با عدم روزی کردن همین نعمت امتحان می‌کند؛ حتی گاهی پیامبران خود را هم اینگونه آزمایش کرده است.

یکی از پیامبران الهی که خداوند متعال به این صورت امتحانش کرد حضرت زکریا بود؛ نقل شده که حضرت زکریا علیه السلام صد و بیست سال داشت و همسرش نود و هشت ساله بود؛ یعنی یک زن و شوهری که در این سن هستند و خداوند به آنها فرزندی نداده است، اما از رحمت خدا ناامید نیستند؛ خدا در قرآن می‌فرماید:

«هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» در آنجا بود که زکریا پروردگار خود را خوانده، گفت: پروردگارا! مرا از سوی خود فرزندی پاک و پاکیزه عطا کن، یقیناً تو شنوای دعایی.^۱

«فَتَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى». پس فرشتگان، او را درحالی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود، ندا دادند که خدا تو را به یحیی بشارت می‌دهد.^۲

اینجا بود که حضرت زکریا از این محبت خدا تعجب کرد و عرضه داشت: «قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» زکریا عرض کرد: پروردگارا، چگونه مرا پسری تواند بود درحالی که مرا سن پیری رسیده و عیال عجوزی نازاست؟ گفت: چنین است، خدا هر آنچه بخواهد می‌کند.^۳

اگر قرار باشد خداوند به کسی عنایتی خاصه داشته باشد، از دایره علل و اسباب خارج می‌شود تا امید را برای دیگران به ارمغان بیاورد؛ اما چیزی که در داستان‌های (از جنس نازایی) از پیامبران الهی بسیار به چشم ما می‌خورد این است که هیچ‌کدام از اولیای الهی وقتی از جانب خداوند اینگونه امتحان شدند از رحمت خدا ناامید نشدند.

از ابن عباس روایت شده، حضرت ابراهیم نودونه سال داشت که خداوند حضرت اسماعیل را به او داد و در صد و دوازده سالگی حضرت اسحاق را به

۱. آل عمران، ۳۸.

۲. آل عمران، ۳۹.

۳. آل عمران، ۴۰.

او عطا کرد. طبق نقل دیگری از سعید بن جبیر حضرت ابراهیم تا ۱۱۷ سالگی فرزندی نداشت، سپس دارای فرزندی به نام اسماعیل و اسحاق گردید.^۱
 «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ».
 ستایش خدای را که به من در زمان پیری دو فرزندم اسماعیل و اسحاق را عطا فرمود (و درخواست مرا اجابت کرد) که پروردگار من البته دعای بندگان را شنواست.^۲
 همچنین خداوند متعال پیامبر اکرم ﷺ عزیز ما را هم اینگونه امتحان کرده است، اما با عنایت خیر کثیر به آن حضرت، چشم رسول الله ﷺ را روشن نمود.

نقل شده که روزی «عاص بن وائل» که از سران مشرکان بود، پیغمبر اکرم ﷺ را هنگام خروج از مسجدالحرام ملاقات کرد و مدتی با حضرت گفت و گو نمود. گروهی از سران «قریش» در مسجد نشسته بودند و این منظره را از دور مشاهده کردند. هنگامی که «عاص بن وائل» وارد مسجد شد به او گفتند: با که صحبت می‌کردی؟ گفت: با این مرد «ابتر»!

این تعبیر را به‌خاطر این انتخاب کرد که «عبدالله» پسر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) از دنیا رفته بود و عرب به کسی که پسر نداشت «ابتر» (یعنی بلاعقب) می‌گفتند؛ ازاین‌رو «قریش» این نام را بعد از فوت پسر پیغمبر برای حضرت انتخاب کرده بود؛ اینجا بود که سوره کوثر بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد و پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را به نعمت‌های بسیار و کوثر بشارت داد و دشمنان حضرت را ابتر خواند.^۳

خانمی که این شب‌ها عزادر او هستیم در قرآن کریم به‌عنوان خیر کثیر معرفی شده است. خداوند فرزندی به پیامبرش عطا کرد و آن را خیر کثیر معرفی کرد.
 درست است که این صفت مخصوص بی‌بی دو عالم حضرت زهرا علیها السلام است؛ اما به‌طور کلی تولد هر فرزندی از محبان اهل بیت علیهم السلام برای والدینش موجب افزایش رزق و خیر و برکت است.

۱ . مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۱۹.

۲ . ابراهیم، ۳۹.

۳ . بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۰۳.

• انگیزه‌سازی پیام با روش تعریف

چقدر ناراحت کننده است آن خانه‌هایی که هنوز مورد عنایت خیر و برکت خداوند قرار نگرفته‌اند. در حدیثی از امام علی علیه السلام نقل شده است که:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا لَمْ يُمِثَّهُ حَتَّى يُرِيَهُ الْخَلْفَ». هنگامی که خداوند برای بنده‌ای خیر بخواهد، او را نمی‌میراند تا فرزندی به او عطا کند.^۱

علامت خیرخواهی خداوند متعال در زندگی پدر و مادر و یک خانواده، هدیه فرزند به عنوان جانشین به آنهاست. اما اگر بعضی از خانواده‌ها به دلیل بیماری هنوز صاحب این خیر و برکت نشده‌اند هیچ وقت نباید از رحمت الهی ناامید بشوند.

• افتناع اندیشه پیام با روش استقراء و آمار

دکتر پیمان صالحی (متخصص جراحی و مجاری اداری و ناباروری مردان) می‌گوید: آمارها نشان می‌دهد که شیوع ناباروری در ایران بین ۱۳ الی ۱۸٪ است. معنی این آمار آن است که از هر ۱۰۰ زوج جوانی که ازدواج می‌کنند، حدود ۱۵ زوج، از ناباروری رنج می‌برند. در واقع می‌توان گفت: در کشور ما که سالانه یک میلیون ازدواج ثبت می‌شود، حدود ۱۵۰ هزار زوج، به زوج‌های نابارور اضافه می‌گردد. براساس آمار و ارقام در ایران حدود ۳ میلیون زوج نابارور وجود دارد.^۲

دکتر سیدجلال حسینی رییس نهمین کنگره تازه‌های باروری و ناباروری و اولین کنگره ناباروری مردان گفت: بیش از ۹۰ درصد ناباروری‌ها قابل درمان هستند؛ یکسری در مراحل اولیه بدون دارو بوده و مقداری با داروهای ساده و گروهی دیگر با جراحی و نهایتاً حدود ۳۰ درصد آنها با روش‌های ART (روش‌هایی مانند لقاح مصنوعی و رحم اجاره‌ای و...) قابل درمان هستند.^۳

بنابراین نباید به محض فرزنداندار نشدن، این وضعیت را اراده الهی و امتحان تلقی کرده و خود را ناگزیر از تسلیم قضا و قدر شدن بدانیم، بلکه مانند هر بیماری دیگری

۱. من لایحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۴۸۱.

۲. (سایت www.drsalehi.ir).

۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد خبر: ۸۲۲۸۹۵۲۲.

که برای رفع آن تلاش می‌کنیم و از خداوند متعال هم عافیت و شفا را می‌طلبیم، باید بیماری نازایی را هم نوعی بیماری بدانیم که باعث شده از نعمت الهی محروم باشیم که در ۹۰ درصد موارد با پیگیری درمان آن، قابل اصلاح است و به عنایت الهی می‌شود کانون این خانواده‌ها نیز به وجود فرزندان سالم و صالح رونق بگیرد.

• پرورش احساس پیام با محتوای داستان احساس برانگیز

شاید برخی زوج‌های نابارور که به آنها برای فرزندآوری توصیه می‌شود بگویند آنهایی که فرزند دارند، بچه‌هایشان چه گلی به سرشان زده‌اند که حالا آنهایی که بچه ندارند بخواهند برای فرزندآوری متوسل به درمان و دعا و ... شوند. در این روایت که از رسول اکرم ﷺ نقل شده است گویی حضرت پاسخ این افراد را داده‌اند:

«مَرَّ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِقَبْرِ يُعَذَّبُ صَاحِبُهُ ثُمَّ مَرَّ بِهِ مِنْ قَابِلٍ فَإِذَا هُوَ لَا يُعَذَّبُ فَقَالَ يَا رَبِّ مَرَرْتُ بِهِذَا الْقَبْرِ عَامَ أَوَّلٍ وَ هُوَ يُعَذَّبُ وَ مَرَرْتُ بِهِ الْعَامَ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ فَأَوْحَى إِلَيْهِ أَنَّهُ أَدْرَكَ لَهُ وَلَدٌ صَالِحٌ فَأَصْلَحَ طَرِيقاً وَ آوَى يَتِيماً فَلِهَذَا عَفَرْتُ لَهُ بِمَا عَمِلَ ابْنَهُ». حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام بر قبری گذشت که صاحب آن عذاب می‌کشید؛ سال بعد نیز از کنار آن قبر گذشت و دید دیگر عذاب نمی‌شود. عرض کرد: پروردگارا سال گذشته از این گور عبور کردم و صاحبش عذاب می‌شد ولی امسال که از آن می‌گذرم دیگر عذاب نمی‌کشد؟ خداوند جل جلاله به او وحی فرمود: ای روح‌الله، فرزند صالحی از او بزرگ شد و راهی را درست کرد و یتیمی را سرپرستی نمود و من به خاطر کارهای فرزندش، او را آمرزیدم.^۱

• رفتارسازی پیام با روش ارائه برنامه

وقتی به عده‌ای گفته می‌شود توکل به خدا داشته باشید، فکر می‌کنند منظور این است که بشینند و دست روی دست بگذارند و منتظر باشند تا از آسمان فرشته‌ای نازل شود و به آنها بگوید امر کنید تا ما اطاعت امر کنیم. این‌طور

۱. وسائل الشیعه، همان، ج ۲۱، ص ۳۵۹.

نیست؛ ائمه معصومین علیهم السلام به ما یاد داده‌اند که باید زانوی شتر را بست و بر خدا توکل کرد؛ یعنی در عین استفاده از اسباب، بر خدا هم توکل کرد و او را مسبب‌الاسباب و همه‌کاره‌ی عالم دانست. طبق نظر کارشناسان برای جلوگیری یا درمان بیماری‌های ناباروری چند امر بسیار مهم وجود دارد:

• کاهش تأخیر در فرزندآوری پس از ازدواج

این توصیه برای آن است که در صورت مشخص شدن زودهنگام بودن ناباروری، هرچه زودتر به درمان پرداخته شود تا احتمال تأثیر بیشتر شود.

• ترویج سبک زندگی سالم

سبک زندگی سالم مانند تغذیه و ورزش و ... جهت پیش‌گیری از وقوع ناباروری مؤثر است.

• خودداری از سیگار کشیدن و مصرف مواد مخدر و الکل

متأسفانه اخیراً تحت تأثیر تبلیغات و فرهنگ غرب، بین دختران و زنان جامعه ما شیوع زیادی پیدا کرده است. باین‌حال در جامعه امروزی ما بسیاری از افراد را می‌شناسیم که داشتن مشکل ناباروری موجب مشکلات حادی برای زندگی مشترک آنها شده بود که با توکل به خدا و مراجعه به پزشک متوجه شدند بسیار راحت می‌توانستند درمان شوند و به لطف خداوند متعال با به دنیا آمدن فرزند زندگی‌شان بسیار مستحکم و گرم شد.

خیلی وقت‌ها ما نسبت به درمان برخی از بیماری‌ها تعصب‌های خاصی داریم، اما زمانی که جایگاه و ارزش فرزند در زندگی را می‌بینیم متوجه می‌شویم که ارزش دارد برای درمان ناباروری به آب و آتش بزنیم.

در کنار تمام این پیشگیری‌ها و مراجعات درمانی، در روایات نیز راهکارهایی برای فرزندآوری دیده می‌شود که باید حتماً توجه خاصی به آنها نیز داشته باشیم.

هشام دربانی از یاران ثروتمند امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: روزی امام باقر علیه السلام

فرمودند: «می‌خواهی دعایی به تو یاد بدهم که صاحب فرزند شوی»؟

دربان گفت: بله، حضرت فرمودند: در هر صبح و عصر

۱. هفتاد مرتبه «سبحان الله» بگو.

۲. ده مرتبه «استغفر الله» بگو.

۳. دوباره ۹ مرتبه «سبحان الله» و یک مرتبه استغفر الله.

۴. و این آیات را بخوان:

«اَسْتَغْفِرُكَ رَبِّكَمُ إِنَّهُ كَانَ عَقْبًا يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلَ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلَ لَكُمْ أَنْهَارًا»^۱

دربان این اذکار را خواند و صاحب فرزندان زیادی شد. کسی که این روایت را نقل کرده می‌گوید: من و همسر به این روایت عمل کردیم و صاحب فرزند شدیم و به دیگران که فرزند نداشتند یاد دادیم و آنها نیز صاحب فرزند شدند.^۲ شیعه باید همیشه به این موضوع توجه داشته باشد که لحظه به لحظه زندگی‌اش را به اهل بیت گره بزند. گویا این کار یک سنت بوده که حتی در پیامبران الهی هم وجود داشته است.

به عنوان مثال برای فرزندان شدن چقدر خوب است که آدم به حضرت زهرا متوسل بشود؛ چون حضرت زهرا علیها السلام خودشان مادر بوده‌اند؛ اگر حضرت زهرا علیها السلام برای کسی دعا کنند خداوند حتما دعای ایشان را اجابت می‌کند. فرزندان ایشان هم نزد خداوند آبرومند هستند و می‌توان با توسل به ایشان گره‌های بزرگی که به صورت عادی قابل گشودن نیست را باز کرد.

• پرورش احساس موضوع با روش داستان احساس برانگیز

یکی از اساتید حوزه علمیه از یکی از خادمان امام رضا علیه السلام نقل می‌کرد و می‌گفت: فردی به حرم امام رضا علیه السلام آمد تا پولی به صندوق بدهد؛ کارمند صندوق که وظیفه‌اش بود نام آن شخص را بپرسد، متوجه شد نام او، نام مسلمانی

۱. نوح ۱۰، ۱۱، ۱۲.

۲. مستدرک الوسائل، باب نکاح.

نیست؛ تأمل کرد و گفت دوباره بگویند؛ وقتی شخص دوباره اسمش را گفت و تعجب کارمند صندوق را دید، گفت من مسیحی هستم؛ سال‌ها بچه‌دار نشدم؛ همسایه‌ای مسلمان داشتم؛ یک روز به من گفت، ما در کشورمان ایران دکتري داریم که هرکس نزد ایشان بیاید و چیزی بخواهد، ایشان عنایت می‌کنند. یک روز من را به اینجا کنار پجره فولاد آورد؛ خواسته‌ام را گفتم و بعد از چند وقتی مشکل بچه‌دار شدن ما حل شد؛ الان صاحب فرزند هستم؛ آن همسایه به من یاد داد نذر کنم؛ حالا آمده‌ام به نذرم وفا کنم و مبلغی که به‌عنوان نذر قرارداد کردم را پرداخت نمایم.

بسیاری از زندگی‌های مشترک فقط به‌خاطر اینکه بچه‌ای در زندگی‌شان نبوده به جدایی کشیده شده است. قطعاً برخی زندگی‌ها هم هست که بدون فرزند و تنها به‌دلیل محبت فراوان بین زن و شوهر از هم نپاشیده است، اما اگر در این زندگی‌ها فرزند هم بود این زندگی بسیار لذت‌بخش‌تر و زیباتر می‌شد. امید و توکل دوبال بسیار مهم در این زمینه هستند، اما نباید امید و توکل را به‌معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن دانست.

● رفتارسازی موضوع با روش ارائه برنامه

برای توسل به حضرت زهرا عليها السلام یک راهکار که حتماً موجب عنایت بی‌بی دو عالم خواهد شد، روضه فرزندش امام حسین عليه السلام است. در روایت است که حضرت زکریا بعد از آگاهی از جریان امام حسین عليه السلام سه روز در عبادتگاه خود به گریه و ندبه مشغول بود. زکریا از خداوند خواست تا فرزندى داشته باشد که در ایام پیری نور چشم او و وارث او باشد و منزلتش را مانند مقام حسین عليه السلام برای او قرار دهد. سپس این‌گونه دعا کرد:

«خدایا هنگامی که چنین فرزندى به من عطا کنی، مرا به محبت او بیازما، سپس مصیبت دردناکی را که بر دوست خودت محمد صلی الله علیه و آله به وسیله فرزندش روا داشتی، برای من نیز همان حادثه ناگوار را روا بدار.»^۱

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ۱۴۲۲ق، ص ۴۸۸.

در روایات ما هست که حضرت یحیی علیه السلام مانند وجود نازنین سیدالشهدا علیه السلام به شهادت رسید.

همچنین در روایات هست که داستان حضرت سیدالشهدا علیه السلام را برای هر کدام از پیامبران الهی بیان نمودند، اندوه قلب و دلشان را فراگرفته است و برای ایشان گریستند؛ همانگونه که وقتی گوشه‌هایی از مصائب آن حضرت را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای دخترشان حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: غمی سنگین دل مادر را گرفت؛ بی‌بی حق داشت؛ برای یک مادر خیلی سخت است زمانی که فرزندی را باردار است، از آینده فرزندش و چگونگی به شهادت رسیدن او باخبرش کنند.

روضه

در روایت آمده است:

امام حسین علیه السلام در شکم مادرش با حضرت فاطمه علیها السلام حرف می‌زد و می‌فرمود: من آن تشنه‌ام! من آن بی‌لباسم! من آن کسی هستم که لگدکوب اسبان خواهد شد.
در روایات هست وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت زهرا علیها السلام را از ماجرای شهادت امام حسین علیه السلام باخبر کردند، حضرت زهرا علیها السلام خیلی بی‌تابی می‌کرد.

اما می‌خوام بگم

اگر این است تأثیر شنیدن شنیدن کی بود مانند دیدن
بی‌بی جان شما شنیدید، اما بمیرم برای دختر شما زینب کبری علیها السلام هرچی شما شنیدید دخترتان در کربلا دید.

دید نیزه‌دار با نیزه می‌زد، شمشیردار با شمشیر می‌زد

ناله زن؛ با ناله از گودال لشکر را ببر
زینب بیا، این شمر با پا رفته منبر را ببر

چون مادر خود بر کمر چادر ببند ای شیر زن
از زیر دست و پای این مردم برادر را ببر

این فرصت پیش آمده دیگر نمی‌آید به دست
دامن‌کشان، دامن بیاور با خودت سر را ببر

ناله بزن، فریاد کن؛ اما همه‌ش بی‌فایده است
این شمر؛ از اینجا نخواهد رفت؛ مادر را ببر
انگشتی که ضربه خورده در نمی‌آید ز دست
جایش النگوی من و این چند دختر را ببر

من در میان این شلوغی خیمه را گم کرده‌ام
از بین نامحرم بیا عباس خواهر را ببر



موضوع: آثار و برکات حضرت زهرا علیها السلام

پیام: مشارکت در درمان ناباروری باقی الصالحاتی بزرگ





● خطبه :

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، بارئ الخلاق أجمعين، و الصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين وخاتم النبيين، حبيبنا وحبیب إله العالمين أبی القاسم المصطفى محمد، صلى الله عليه و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين، ولا سيما بقیه الله فی الأرضین و اللعن الدائم على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

● انگیزه سازی موضوع با روش تعریف و سؤال

«عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص قَالَتْ خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص عَشِيَّةَ عَرَفَةَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَاهَى بِكُمْ وَغَفَرَ لَكُمْ عَامَّةً وَلِعَلِّي خَاصَّةً وَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَابٍ لِقَرَاتِي هَذَا جَبْرِيْلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ وَإِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ»^۱

حضرت زهرا عليها السلام می فرماید: رسول خدا صلى الله عليه و آله شب عرفه نزد ما آمد و فرمود به راستی خدای تبارک و تعالی به شما مباحات دارد؛ همه شما را عموماً و به خصوص علی را آمرزیده و من رسول خدایم به سوی شما و این از روی دوستی

۱. الأمالی (للصدوق)، جلد ۱، صفحه ۱۸۲.

و خویشاوندی نیست؛ این جبرئیل است که به من خبر می دهد؛ قطعاً خوشبختی، همه خوشبختی و حقیقت خوشبختی برای کسی است که علی علیه السلام را در زندگی و پس از مرگش دوست دارد و قطعاً بدبخت، همه بدبختی و حقیقت بدبختی برای کسی است که علی را در زندگی و بعد از مرگش دشمن دارد.

روایت عجیبی است که حضرت زهرا علیها السلام همه خوشبختی و حقیقت خوشبختی را در داشتن محبت و ولایت حضرت علی علیه السلام معرفی می کنند. این بیان با آنچه امروز از تعریف خوشبختی در ذهن اکثر ما هست فرق می کند؛ اگر از ما بپرسند چه کسی را خوشبخت می دانید؟ چه پاسخی می دهیم؟ ... اما حضرت زهرا علیها السلام پاسخ به این پرسش را در محبت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام معرفی می کنند.

• اقتناع اندیشه موضوع با روش توضیح نمونه ها

همچنین در چند روایت پاسخ به این پرسش داده شده است؛ ازجمله:

«عن الرضا علیه السلام إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يَسْأَلُ عِبَادَهُ عَمَّا تَفَضَّلَ عَلَيْهِمْ بِهِ وَلَا يَمُنُّ بِذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ الْإِمْتِنَانُ بِالْإِنْعَامِ مُسْتَقْبَحٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ فَكَيْفَ يُضَافُ إِلَى الْخَالِقِ عَزَّوَجَلَّ مَا لَا يَرْضَى لِلْمَخْلُوقِينَ بِهِ وَ لَكِنَّ التَّعِيمَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالِئَنَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ التَّبَوُّهِ لِأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَفَى بِذَلِكَ أَذَاهُ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ الَّذِي لَا يَزُولُ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي بِذَلِكَ أَبِي عَنْ أَبِيهِ علیه السلام عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ علیه السلام إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ بَعْدَ مَوْتِهِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا ﷺ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ وَ جَعَلْتَهُ لَكَ فَمَنْ أَقْرَبَ بِذَلِكَ وَ كَانَ يَعْتَقِدُهُ صَارَ إِلَى التَّعِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ»^۱

امام رضا علیه السلام از پدرش از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: هرگز خدا از بندگان خود در مورد چیزی که به آن ها تفضل نموده نمی پرسد و منت بر آن ها نمی گذارد. منت گذاردن برای نعمت از مردم زشت است. چگونه می توان چیزی را به

۱. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۵۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۲۹۸؛

خدا نسبت داد که انجام آن از مردم صحیح نیست؟ اما نعيم؛ حب ما خانواده و موالات ما اهل بیت است که خدا بعد از توحید و نبوت از آن سؤال می‌کند، زیرا وقتی بنده حق این نعمت را به جا آورد او را به جانب بهشت جاوید می‌برد. پدرم از پدر خود از محمد بن علی (علیه السلام) و ایشان از پدرش علی بن الحسین (علیه السلام) و آن جناب از پدرش حسین بن علی (علیه السلام) و آن جناب از پدرش علی (علیه السلام) نقل کرد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: یا علی (علیه السلام) اول چیزی که بعد از مرگ از شخص می‌پرسند گواهی دادن: لا اله الا الله و محمد رسول الله است و اینکه تو ولی مؤمنین به واسطه‌ی مقامی که خدا من به تو داده‌ایم، هستی. هرکه چنین اعترافی داشته باشد و زندگی خود را بر آن ادامه دهد به بهشت رهسپار می‌شود؛ نعمتی که زوال ندارد.

اوج خوشبختی، داشتن نعمت ولایت امیرمؤمنان (علیه السلام) است؛ چون اگر این ولایت را داشتی هم دنیای انسان را آباد می‌کند و هم آخرت را و من و شما این خوشبختی را داریم و این را مدیون حضرت زهرا (علیها السلام) هستیم. اگر نبود دفاع جانانه حضرت زهرا (علیها السلام) از ولایت، شاید امروز من و شما هیچ‌کدام شیعه مولا علی (علیه السلام) نبودیم.

• پرورش احساس موضوع با روش احساس خطر

امام صادق (علیه السلام) در مورد ارزش و جایگاه ولایت می‌فرماید:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ؛ قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلًّا جَلَّالُهُ عَنِ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ وَ عَنِ الزَّكَاةِ الْمَفْرُوضَةِ وَ عَنِ الصِّيَامِ الْمَفْرُوضِ وَ عَنِ الْحَجِّ الْمَفْرُوضِ وَ عَنْ وَلَّائِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنْ أَقَرَّ بَوَلَّائِنَا ثُمَّ مَاتَ عَلَيْهَا فَبَلَثَ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ صَوْمُهُ وَ زَكَاةُهُ وَ حُجَّتُهُ وَ إِنْ لَمْ يُقَرَّرْ بَوَلَّائِنَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلًّا جَلَّالُهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ شَيْئاً مِنْ أَعْمَالِهِ»^۱.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: از نخستین چیزهایی که از بنده هنگامی که در پیشگاه خدا می‌ایستد پرسیده می‌شود، از نمازهای واجب و زکات واجب و روزه واجب و حج واجب و از ولایت ما اهل بیت است؛ اگر اقرار به ولایت ما کرده و بر آن مرده باشد، نماز و روزه و زکات و حجش پذیرفته می‌شود و اگر در پیشگاه

۱. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۶۷.

خدا جل جلاله بر ولایت ما اقرار نکند خدای عزوجل چیزی از اعمالش را نخواهد پذیرفت؛ یعنی اگر کسی تمام عمرش را عبادت کرده باشد، روزها روزه و شب‌ها نماز به پا داشته باشد، اما به ولایت علی ابن ابیطالب علیه السلام و فرزندان ایشان علیهم السلام اعتقاد نداشته باشد، اعمال او هیچ ارزشی پیش خداوند نخواهد داشت.

در احوالات علامه امینی رحمه الله علیه نقل شده است: زمانی که ایشان به مصر سفر کرده بودند، علمای اهل تسنن مصر مرحوم علامه امینی (صاحب کتاب الغدیر) را برای صرف شام دعوت می‌کنند، اما علامه امینی امتناع می‌ورزد و قبول نمی‌کند؛ آنها اصرار می‌کنند که علامه امینی را به مجلس خود ببرند. به علت اصرار زیاد علامه امینی دعوت را می‌پذیرد و شرط می‌گذارد که فقط صرف شام باشد و هیچ‌گونه بحثی صورت نگیرد؛ آنها نیز می‌پذیرند. پس از صرف شام یکی از علمای اهل سنت می‌خواست بحث را شروع کند که علامه امینی گفت:

قرار ما این بود که بحثی صورت نگیرد، اما باز آنها گفتند: پس برای متبرک شدن جلسه از همین جا هر نفر یک حدیث نقل کند تا مجلس نورانی گردد. (ضمناً تمام حضار در جلسه حافظ حدیث بودند و حافظ حدیث به کسی گفته می‌شود که صد هزار حدیث حفظ باشد).

آنان شروع کردند یکی یکی حدیث نقل کردن تا اینکه نوبت به علامه امینی رسید.

علامه به آنها گفت شرطم برگرفتن حدیث این است که ابتدا همگی بر معتبر بودن یا نبودن سند حدیث اقرار کنید. همه قبول کردند.

سپس علامه امینی فرمود: قال رسول الله ﷺ: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» هرکس بمیرد و امام زمان خود را شناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

علامه امینی از تک‌تک حضار در جلسه در رابطه با معتبر بودن حدیث اقرار گرفت و همه حدیث را تأیید کردند. سپس گفت حال که همه حدیث را تأیید کردید یک سؤال از شما دارم؛ بعد از کل جمع پرسید:

آیا فاطمه الزهرا علیها السلام امام زمان خود را می‌شناخت یا نمی‌شناخت ... ؟

اگر می‌شناخت، امام زمان فاطمه علیها السلام چه کسی بود؟

تمام حضار مجلس به مدت ربع ساعت، بیست دقیقه ساکت شدند و سرشان را به زیر انداختند و چون پاسخی برای گفتن نداشتند یکی یکی جلسه را ترک کردند و با خود می گفتند اگر بگوییم نمی شناخت، پس باید بگوییم فاطمه (ع) کافر از دنیا رفته است و حاشا که سیده نساء العالمین کافر از دنیا رفته باشد؛ اگر بگوییم می شناخت چگونه بگوییم امام زمانش ابوبکر بوده؟ درحالی که بخاری (از سرشناس ترین علمای اهل سنت) گفته: ماتت و هی ساخطه علیهما- فاطمه (ع) درحالی از دنیا رفت که به سختی از ابوبکر و عمر غضبناک بود و چون مجبور می شدند بر حقانیت و امامت علی بن ابیطالب (ع) اقرار بورزند سکوت کرده و جلسه را با خجالت ترک کردند.^۱

کسی که ولایت را ندارد بدبخت به معنای واقعی کلمه است؛ ولایت اهل بیت (ع) شرط قبولی اعماله و عامل ارزش پیدا کردن یک انسان خواهد بود.

یکی از مهمترین آثار حضرت زهرا (ع) این است که همه شیعیان، ولایت و محبتشان به ولایت را مدیون آن حضرت هستند و یکی از باقیاتالصالحات بی بی دو عالم همین است.

چقدر خوب است که ما هم با ایجاد چندین نسل ولایی و محب اهل بیت (ع) در این عالم باقیاتالصالحاتی برای آخرتمان ذخیره کنیم تا در روز فقر و تنگدستی عالم برزخ و قیامت دستگیرمان باشد و محتاج خیرات دیگران نباشیم که آیا برای ما خیراتی کنند یا نکنند.

• انگیزه سازی پیام با روش تعریف

در آخرت، ما خیلی نیازمندتر هستیم تا دنیا؛ آخرتی که هیچ کس به داد هیچ کس نمی رسد مگر اعمالش. خوش به حال آنهایی که در دنیا - که برای ثواب و جمع آوری باقیاتالصالحات فرصت دارد - به فکر آخرتش باشد؛ قیامت یوم الحسره است.

خداوند به پیامبر دستور می دهد که مردم را از روز حسرت بترسان:

۱. خبرگزاری بین المللی قرآن، کد خبر: ۳۶۳۷۰۸۵.

«وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ». آنان را از روز حسرت (روز رستاخیز که برای همه مایه تأسف است) بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می‌یابد! و آنها در غفلتند و ایمان نمی‌آورند!^۱

عزادار حضرت زهرا علیها السلام که در جلسه ایشان نشستهای، تا دیر نشده به فکر یوم الحسره خودت باش. تا دیر نشده به فکر ثواب‌هایی باش که در قیامت به‌عنوان صدقه جاریه به تو می‌رسد؛ فردا دیر است.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

«لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خَصَالٍ صَدَقَهُ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ وَ سُنَّتُهُ هُدًى سَنَّهَا فَهِيَ يُعْمَلُ بِهَا بَعْدَ مَوْتِهِ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ». پس از مرگ آدمی، پاداشی به‌دنبال فرد نمی‌آید، مگر در سه خصلت: یکم؛ صدقه جاریه به یادگار گذاشته؛ دوم؛ سنتی که برقرار نموده و در زمان حیاتش به آن عمل می‌شده و پس از وفاتش به آن عمل می‌شود؛ سوم؛ فرزند صالحی که برایش دعا کند.^۲

● اقناع اندیشه با روش مقایسه و تشبیه

یک سرمایه‌گذار حرفه‌ای، سرمایه‌گذاری است که پول و سرمایه خود را در جایی سرمایه‌گذاری می‌کند که نه تنها از بین نرود، بلکه به‌صورت تصاعدی رشد کند و حتی برای آینده هم برایش فایده داشته باشد.

متأسفانه برخی از افراد وقتی وارد کارهای اقتصادی می‌شوند، برنامه‌ریزی آنها فقط برای امروز است و هیچ نگاه و بلکه نیم‌نگاهی به آینده ندارند؛ یعنی هیچ توجهی ندارند که آیا این کاری که می‌خواهند آغاز کنند در آینده مفید و سودمند هست یا نه؛ فقط به امروز نگاه می‌کنند.

این افراد شاید در همان برهه از زمان که کاری را شروع می‌کنند سود خوبی ببرند، اما در آینده احتمال شکست آنها زیاد خواهد بود.

۱. سوره مریم، ۳۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۷۱.

امام هادی (علیه السلام) یک روایت بسیار زیبا و پر مغز دارند؛ حضرت می‌فرمایند:
«الدُّنْيَا سَوْقٌ رِبْحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخَرُونَ». دنیا بازاری است که گروهی در آن سود می‌برند و گروهی دیگر زیان می‌بینند.^۱
حضرت در این روایت زیبا به ظاهر دنیا به یک بازار تشبیه کرده‌اند که برخی در آن سود می‌برند و برخی دیگر زیان می‌کنند؛

اما آیا واقعا منظور این روایت پرداختن به امور پرسود مادی و دنیوی است؟ قطعا وقتی این روایت را کنار هزاران روایت مذمت دنیادوستی قرار می‌دهیم به این نتیجه می‌رسیم که منظور امام هادی (علیه السلام) این است که برخی در این بازار دنیا سود خوبی برای آخرت پس‌انداز می‌کنند، ولی بعضی‌ها فقط نگاهشان به دنیا است؛ مانند کودکی که در بازار فقط ویتترین‌ها و زرق و برق بازار توجه دارد ولی وقتی از بازار خارج می‌شود تازه می‌فهمد که نصیبی و خریدی از آن همه وسایل و کالاهای رنگارنگ بازار نداشته است. بعضی از ما انسان‌ها هم اینگونه هستیم؛ در بازار دنیا زندگی می‌کنیم ولی هیچ توجهی به سودی که می‌توانیم از این بازار ببریم نداریم. شاید فقط به سودهای کم و پیش پا افتاده داریم. با توجه به آیات و روایات، دنیا جایی است که انسان می‌تواند برای آخرت خود سودسازی کند؛ پس چه خوب است توجه به سودهایی داشته باشد که جاری است و هیچ‌وقت تمام شدن نیست.

خوب است به این اصل اساسی باقیاتالصالحات توجه داشته باشیم؛ خیلی وقت‌ها ما دنبال ثواب و کار خیر هستیم، اما توجه نداریم که آیا این خیر و ثواب برای ما باقی می‌ماند، یا از کارهای ثواب و خیری است که باقی نیست؛ اینکه می‌گوییم کار خیری که باقی نیست، منظور این نیست که در قیامت به ما اجر نمی‌دهند، بلکه منظور این است که ثواب این کار جریان ندارد و تمام می‌شود؛ ثواب این کار خیر را در قیامت یک بار به ما می‌دهند و تمام، ولی ثواب برخی کارهای خیر در قیامت مداوم است و احسان آن مدام جریان دارد.
این تفاوت را با یک مثال بیان می‌کنم؛ مثلاً شما چندین سال بیمه پرداخت

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۳.

می‌کنید برای روزی که بازنشست می‌شوید تا هنگام بازنشستگی به شما یک حقوقی به عنوان مستمری بدهند؛ اینجا شما آینده‌نگری کردید تا هنگام پیری یک مستمری مداومی داشته باشید.

بنابراین چیزی که واضح و عقلانی است، این است که ثواب‌هایی که احسانش جریان دارد خیلی بهتر از ثواب‌هایی است که جاری نیست. انسان می‌تواند آنقدر پر خیر و برکت باشد که باقیات الصالحات او همواره روی زمین جریان داشته باشد و تا هنگامی که خیرات جاری روی زمین است به او هم در قیامت خیرات خواهد رسید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در بیانی فرمودند:

«مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً كَانَ لَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَ وِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». کسی که سنت نیکویی را رایج کند، ثواب هرکس که به آن عمل کند، تا روز قیامت به او می‌رسد و همین‌طور اگر کسی سنت بد و گناهی را ترویج کند، گناه آن سنت تا روز قیامت تا مادامی که کسی به آن گناه عمل می‌کند به گردن او خواهد بود.^۱

• پرورش احساس پیام باروش تصویرسازی روی داستان احساس برانگیز

در قیامت همه ما به خیراتی که از دنیا به ما می‌رسد بسیار نیازمندیم.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

«إِنَّ أَزْوَاجَ الْمُؤْمِنِينَ تَأْتِي كُلَّ جُمُعَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِحِذَاءِ دُورِهِمْ وَ يُبَوِّتُهُمْ يُنَادِي كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ بِصَوْتٍ حَزِينٍ يَا أَهْلِي وَ يَا وَلَدِي وَ يَا أَبِي وَ يَا أُمِّي وَ أَقْرَبَائِي اعْطُوا عَلَيْنَا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ بِالَّذِي كَانَ فِي أَيْدِينَا اعْطُوا عَلَيْنَا بِدِرْهِمٍ أَوْ بِرَغِيفٍ أَوْ بِكِسْفَةٍ يَكْسُوكُمُ اللَّهُ مِنْ لِبَاسِ الْجَنَّةِ ثُمَّ بَكَى النَّبِيُّ ص وَ بَكَينَا مَعَهُ فَلَمْ يَسْتَطِعِ النَّبِيُّ ص أَنْ يَتَكَلَّمَ مِنْ كَثْرَةِ بُكَائِهِ».^۲

ارواح مؤمنان هر جمعه به آسمان دنیا می‌آیند و روبروی خانه‌ها می‌ایستند

۱ . بحار الانوار، ج ۷، ص ۹۴.

۲ . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۴۸۴.

و هریک با آوای حزین درحالی که می‌گیرید می‌گوید: ای کسان من، ای فرزندانم، پدرم، مادرم، نزدیکانم به ما عطفوت کنید. خدای شما را بیامرزد... با درهم پولی یا گرده نانی و یا لباسی در حق ما رحم کنید که خدا به شما از لباس‌های بهشتی بپوشاند.

در ادامه این روایت هست که رسول مکرم اسلام اینقدر گریه کردند که نمی‌توانستند صحبت‌های خود را ادامه دهند.

فرزند خود انسان اگر صالح باشد همواره جزو باقیاتالصالحات انسان است و به استناد روایات ائمه معصومین (ع) نور چشم پدر و مادر در قیامت خواهند بود.

• رفتارسازی پیام با روش ارائه برنامه و ایجاد انگیزه برای انجام برنامه

علاوه بر فرزندان صالح، راه‌کار بسیار مهم دیگری برای باقیاتالصالحات در این دنیا هست که آثار و برکات آن در قیامت همواره به داد ما می‌رسند. بسیاری از ما فرزند داریم، اما تعداد آنها کم است و به دلایلی نمی‌توانیم فرزند بیشتری داشته باشیم. خلاصه تعداد قابل توجهی فرزند نداریم که بعد از مرگ خیرات فراوانی را نصیب ما کنند؛ وقتی می‌گوییم قابل توجه، منظور یک یا دو بچه نیست؛ با توجه به ارزش باقیاتالصالحات بودن فرزندان، کسی که به یک یا دو بچه کفایت کند، در قیامت حسرت خواهد خورد.

ممکن است برخی خانواده‌ها فرزند کمی داشته باشند، یا فرزند نداشته باشند و از نعمت فرزندآوری محروم باشند و به علت هزینه‌های مالی، توان درمان ناباروری را هم نداشته باشند^۱.

حال علی‌رغم اینکه فرزند کمی داریم یا از نعمت فرزندآوری محروم هستیم

۱. هزینه هر سیکل در مراکز درمانی دولتی ۷ تا ۸ میلیون تومان و دوره کامل آن (۳ سیکل در سال) بین ۲۱ تا ۲۴ میلیون تومان برآورد می‌شود. البته در مراکز خصوصی هزینه هر سیکل، حدود ۱۸ میلیون تومان و هزینه دوره کامل درمانی، ۴۹ تا ۵۴ میلیون تومان برآورد می‌شود. البته این هزینه‌ها سواى هزینه داروهای مورد نیاز، هزینه رفت‌وآمد و... است. خیلی از مردم برای دریافت خدمات درمانی ناباروری از شهرستان‌ها به تهران می‌آیند و همین، هزینه بیشتری را به آنها تحمیل می‌کند. (خبرگزاری تسنیم، ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۰).

چه راهکاری می‌تواند به ما کمک کند تا بتوانیم از باقیات‌الصالحات دنیوی و اخروی بی‌نصیب نمانیم؟

امروز پویشی راه افتاده به نام فرزندان غدیر که در برنامه سمت خدا هم معرفی می‌شود و کمک‌هایی را در این زمینه جمع‌آوری می‌کنند تا به افرادی که توان درمان ناباروری ندارند کمک مالی کنند و درمان آنان را پیگیری نمایند. حالا چنانچه هر کدام از ما به اندازه وسع و توانمان به این پویش کمک کنیم، قطعا در ثواب و خیرات فرزندانی که با درمان زوج‌های نابارور به دنیا می‌آیند شریک می‌شویم. شاید برای بعضی که وضعیت مالی و اقتصادی خوبی ندارند این سؤال مطرح شود که در چنین وضعیتی، چطور می‌توان به این پویش کمک کرد؟

استاد ما می‌گفت در قم یک پیر مردی به نام فقیهی پینه‌دوز بود؛ آیت‌الله بهجت رحمه‌الله علیه به یکی از دوستانشان که از آقا خواسته بودند راهی برای وسعت مالی نشان‌شان بدهند، فرموده بودند نزد آقای فقیهی پینه‌دوز برو و بگو برای شما دعا کند. دوست آیت‌الله بهجت می‌گوید نزد این مرد خدا رفتم و به یک دعای ایشان وضع مالی‌ام زیر و رو شد.

استاد ما می‌فرمود یک روز من خودم پیش این آقای فقیهی پینه‌دوز بودم و دیدم یکی آمد و گفت آقا یک دعایی کنید مشکل مالی ما حل بشود. آقای فقیهی به او گفت شما برو مسجد جمکران دو رکعت نماز امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف بخوان و بعد با حضرت یک عهدي بگذار و پای عهد خودت هم بمان. طرف گفت آقا چه عهدي بگذارم؟ آقای فقیهی گفته بود:

با امام زمان عهد ببند که از این به بعد امام زمان را در درآمد خودت شریک کنی و مبلغی برای کارهایی که امام زمان دوست دارد خرج کنی؛ یعنی امام زمان را در مال خود شریک کن، وضع مالی‌ات درست می‌شود.

بنابراین شما هم به هر اندازه‌ای که می‌توانید به نیت خوشحالی امام زمان ارواحنا فدا در این پویش کمک کنید، ان‌شاء‌الله امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف هم به مال شما برکت می‌دهد.

• رفتارسازی موضوع با روش ارائه الگو

دوستان اگر خواستید از مالتان مبلغی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خرج کنید راه دیگری هم هست که موجب خوشنودی حضرت می شود و آن برپایی مجلس روضه برای مادر مظلومشان حضرت زهرا (علیها السلام) است. اقامه روضه حضرت زهرا (علیها السلام) خودبه خود موجب تقویت ولایت و ترویج ولایت است. با همین روضه ها بوده که این ولایت و خوشبختی دو دنیا، نسل به نسل و سینه به سینه به ما رسیده است.

حجت الاسلام کاظمی کیاسری می گفت:

زندگی حاج قاسم عجیب به روضه اهل بیت (علیهم السلام) گروه خورده بود. بسیار پیش می آمد دلش بهانه روضه می کرد. زنگ می زد به مداح و می گفت فلان نوحه را بخوان. گاهی خودش با سوز و آه می خواند. خیلی وقت ها فاصله ۲۰۰ کیلومتری کرمان تا روستا را مهمان روضه تلفنی بودیم.

سوریه بیشتر پیش هم بودیم. توی جلسه یا خلوت (فرقی نمی کرد) می گفت: «موعظه مون کن تا غافل نشویم. روضه بخوان تا سبک و شسته بشویم.

یه روزی به من گفت: روضه بخوان.

گفتم: روضه هیأتی بلد نیستم. روضه های من با روایتگری شهداست؛ گفت: بخوان.

شروع کردم به داستان شهادت یکی از شهدای مدافع حرم به نقل از فرمانده اش:

رزمنده ای داشتیم با نام جهادی ابراهیم. وسط عملیات به من بی سیم زد که برایم روضه مادر بخوان. صدایش به سختی می آمد. فهمیدم از پهلوی تیر خورده است.

تا این را گفتم حاج قاسم شروع کرد به گریه کردن.

«دستور دادم هرطور شده ابراهیم را به عقب منتقل کنند. وقتی به بیمارستان الحاضر منتقل شد، رفتم بالای سرش. به ظاهر حال خوشی نداشت. دهانش پر خون شده بود. وقتی لخته های خون را از دهانش کنار می زدیم دیدم انگار با چشمانش دنبال کسی می گردد.

گفتم: ابراهیم! تو را به خدا اگر این لحظه‌های آخر، مادر سادات را دیدی بگو یا زهرا علیها السلام گریه حاج قاسم بلندتر شده بود. ابراهیم لب باز کرد که بگوید یا زهرا اما کلامش ناقص ماند: یا ز... و شهید شد. گفتم: حاجی مادرمان حضرت زهرا علیها السلام در این جبهه‌هاست. داد حاج قاسم بلند شد. خیلی طول کشید تا آرام شود.^۱

• گریز به روضه

برای ترویج و تبیین ولایت نباید کم گذاشت. حضرت زهرا علیها السلام برای دفاع و اثبات ولایت از تشیع جنازه و پنهان بودن قبر خودشان هم استفاده کردند. «عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأَيِّ عِلَّةٍ دُفِنَتْ فَاطِمَةُ سَ بِاللَّيْلِ وَلَمْ تُدْفَنْ بِالنَّهَارِ قَالَ لِأَنَّهَا أُؤْصِتُ أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيْهَا رِجَالُ [الرَّجُلَانِ]».^۲

علی بن ابوحمزه از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا فاطمه را شب دفن کردند نه روز؟ فرمود: فاطمه علیها السلام وصیت کرده بود تا در شب، وی را دفن کنند تا آن دو بر جنازه آن حضرت نماز نخوانند.

بله به فرموده امام صادق علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام وصیت کردند که شب تشیع و دفن شوند تا نمایانگر اعتراض آن حضرت به غصب خلافت باشد؛ تا برای آیندگان همیشه این سؤال مطرح باشد که چرا عزیز دل رسول الله صلی الله علیه و آله شبانه دفن شد.

این هم یک مدل دفاع از ولایت بود که حضرت زهرا علیها السلام به عنوان باقیات الصالحات از خود باقی گذاشتند و امروز هر شیعه‌ای که به شیعیان اضافه گردد مدیون محبت و از خودگذشتگی حضرت زهرا علیها السلام است.

قربان آن خانمی بروم که برای دفاع از ولایت از هیچ چیزی دریغ نکرد حتی از تشیع شبانه و مخفی بودن قبرش.

۱. کتاب سلیمانی عزیز، عالمه طهماسبی، لیلا موسوی و مهدی قربانی، صفحات ۱۰۱-۱۰۳.

۲. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۵.

اما رفقا قبر بی بی دو عالم در قلب ماست.

هر وقت دلتان برای حضرت تنگ شد، دست روی قلبتان بگذارید و از ته دل حضرت صحبت کنید و بگویید بی بی جان برای ما مادری کن؛ بی بی جان شما درد مرگ فرزند چشیده اید؛ به حق محسن ابن علی (علیه السلام) نگذارید کسی درد بی بچه ای را بچشد.

اما بمیرم برای آن خانمی که در وصیت نامه اش هم به فکر ولایت بود. چه وصیت هایی ... علی جان «عَسَلَنِي بِاللَّيْلِ وَلَا تَكْشِفْ عَنِّي ...» علی من را شبانه غسل بده ... علی از روی پیراهن من را غسل بده علی «كَفَّنِي بِاللَّيْلِ» من را شبانه کفن کن ... «دَفَّنِي بِاللَّيْلِ وَلَا تُعْلِمْ أَحَدًا». علی من را شبانه دفن کن؛ کسی را خبر نکن ...

در روایت هست حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقتی طبق وصیت حضرت زهرا (علیها السلام) شبانه ایشان را غسل می دادند، اسماء آب می ریخت و امیرالمؤمنین غسل می داد آرام آرام گریه می کرد ... یه جایی حضرت امیر دست از غسل کشید

و قتش شده غسلت دهم زهر! چگونه؟!
گفتی که در شب، یکه و تنها چگونه؟!

با کودکان گفت: ام آرام گریند
با دیدن پهلوی تو اما چگونه؟!

هرچند با من از غم کوچه نگفتی
پیداست از این صورتت کآنجا چگونه...

یا مصطفی! او را امانت داده بودی
حالا ببین پس می دهم او را چگونه!

یا مصطفی! من پای عهدم صبر کردم
اما کنون در ماتم زهرا چگونه...؟!

زهرا! حسن. زهرا! حسین! را نظر کن
رحمی نما! دل می‌کنی از ما چگونه؟!

رفتگی ولی یار غریبی‌های حیدر!
زنده بماند حیدرت حالا چگونه؟!



موضوع: سبک زندگی فاطمی ع.ا.س.

پیام: تحصیل و اشتغال زنان، موانع مادر شدن





● خطبه:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، بارئ الخلق أجمعين، و الصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين و خاتم النبيين، حبيبنا و حبيب إله العالمين أبى القاسم المصطفى محمد، صلى الله عليه و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين، و لا سيّما بقيه الله فى الأرضين و اللعن الدائم على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

● انگیزه‌سازی موضوع با روش ابهام و سؤال

گاهی خوب است ما بتوانیم خودمان را بررسی کنیم که آیا مورد تأیید خدا و اهل بیت علیهم السلام هستیم یا نه و بینیم آیا داریم مسیر درست می‌رویم یا نه؟ قطعاً اگر ما یک شاخصی داشتیم که با آن می‌توانستیم متوجه بشویم که آیا در خط اهل بیت علیهم السلام هستیم یا نه، خیلی عالی بود. ما باید همیشه از خودمان این سؤال را پرسیم که آیا جزو شیعیان واقعی هستیم یا خیر؟ توفیقی که ما داریم این است که مادرمان حضرت زهرا علیها السلام در حق ما مادری کردند و این شاخص را به ما دادند.

«قَالَ رَجُلٌ لِامْرَأَتِهِ اِذْهَبِي اِلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللهِ - فَاسْأَلِيهَا عَنِّي اَتَى مِنْ شِيعَتِكُمْ اَمْ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِكُمْ فَسَأَلَتْهَا فَقَالَتْ قَوْلِي لَهُ اِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا اَمَرْنَاكَ وَ تَنْتَهِي عَمَّا رَجَزْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَاِلَّا فَلَا». مردی به همسرش گفت

برو خدمت حضرت فاطمه دختر رسول خدا ﷺ و از او سؤال کن که آیا من از شیعیان ایشان هستم یا نه؟ آن زن خدمت حضرت زهرا علیها السلام آمد و پرسید؛ حضرت فرمود به شوهرت بگو اگر بدان چه ما فرمانت دادیم عمل می‌کنی و از آنچه ترا نهی نمودیم خودداری می‌کنی تو از شیعیان مایی و الا نه.^۱ با توجه به این روایت، ملاک در خط و مسیر اهل بیت علیهم السلام بودن، تبعیت از دستورات آنهاست.

وجود نازنین امیر المومنین علیه السلام می‌فرمایند:
 «مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَ لِيَتَجَلَّبَبِ الْوَرَعُ».^۲ هرکه ما را دوست دارد، پس باید به عمل ما عمل کند و پرهیزگاری را پیراهن خود نماید.

● اقناع اندیشه موضوع با روش توضیح و تبیین

خداوند متعال از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام یک قانون کلی را بیان می‌کند که به نوعی اتمام حجت برای سنجش قرار داشتن در مسیر حق یا باطل است.

حضرت ابراهیم علیه السلام خطاب به خداوند می‌گویند:
 «رَبِّ اِنَّهُمْ اَضَلُّنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِىْ فَاِنَّهُ مِنِّىْ وَمَنْ عَصَانِىْ فَاِنَّكَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ».^۳

پروردگارا آنها (بت‌ها) بسیاری از مردم را گمراه کردند؛ پس هرکه از من پیروی کند بی‌گمان او از من است و هرکه مرا نافرمانی کند به یقین تو آمرزنده و مهربانی.

حضرت ابراهیم خلیل الرحمان با این تعبیر می‌خواهند بیان کنند که هرکه از امام خود تبعیت داشت در مسیر حق قرار دارد؛ در غیر این صورت از دست ابراهیم هم کاری بر نمی‌آید.

معیار در مسیر حق و باطل بودن، معیار ایل و تبار و ژن و رنگ پوست انسان‌ها نیست؛ بلکه معیار فقط و فقط تبعیت از امام است.

۱ . بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۵.

۲ . غرر الحکم، ۶۱۸.

۳ . ابراهیم، ۳۶.

ابوحمزه ثمالی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) می فرمایند:

سعد بن عبدالمکمل از فرزندان عبدالعزیز بن مروان بود و حضرت باقر (علیه السلام) وی را سعدالخير می نامید بر امام باقر (علیه السلام) وارد شد، درحالی که مانند زنان می گریست و اشک می ریخت.

حضرت فرمودند: ای سعد، چرا گریه می کنی؟

عرض کرد: چگونه گریه نکنم حال آن که من از شجره و تباری هستم که در قرآن لعنت شده است؟!

حضرت به او فرمودند: تو از این شجره نیستی؛ «أَنْتَ أُمَوِيٌّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» تو اموی هستی ولی از ما خاندان می باشی.

مگر نشنیده ای این سخن خدای جل جلاله را که از قول ابراهیم نقل می کند:

پس هرکه از من پیروی کند، او از من است؟

«أَبُو حَمَزَةَ: دَخَلَ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ وَكَانَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) يُسَمِّيهِ سَعْدَ الْخَيْرِ وَهُوَ مِنْ وَلَدِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مَرْوَانَ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام)، فَبَيْنَا نَتَشَجُّ كَمَا تَتَشَجُّ النِّسَاءُ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام): مَا يُبْكِيكَ يَا سَعْدُ؟ قَالَ: وَكَيْفَ لَا أَبْكِي وَأَنَا مِنَ الشَّجَرَةِ الْمَلْعُونَةِ فِي الْقُرْآنِ؟! فَقَالَ لَهُ: لَسْتَ مِنْهُمْ، أَنْتَ أُمَوِيٌّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَحْكِي عَنْ إِبْرَاهِيمَ: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي»^۱.

تبعیت کردن از اهل بیت (علیهم السلام) یعنی پذیرش آنها به عنوان الگوی زندگی؛ یعنی پذیرش سبک زندگی آنها به عنوان سبک زندگی برتر؛ یعنی زندگی ما باید رنگ بوی زندگی اهل بیت (علیهم السلام) را به خودش بگیرد.

یکی از دلایل بسیار مهم که گاهی باعث می شود سبک زندگی اهل بیت (علیهم السلام) در زندگی ما نقشی نداشته باشد، این است که احساس می کنیم، سبک زندگی اهل بیت (علیهم السلام) قدیمی است؛ احساس می کنیم که زندگی اهل بیت (علیهم السلام) برای زندگی های امروزی حرفی برای گفتن ندارد؛ اما نمی دانیم که این طرز تفکر آغاز تمام بدبختی های مسلمانان است.

حضرت زهرا (علیها السلام) در خطبه فدکیه خیلی عالی و کارشناسانه پرده از این

۱. الاختصاص: ۸۵، والآية ۳۶ من سورة إبراهيم.

تفکر کنار می‌زنند و این تفکر را سرچشمه منحرف شدن امت اسلامی بیان می‌فرمایند.

حضرت در این خطبه خطاب به گمراهان می‌فرمایند:

می‌دانید چرا به این روز افتادید؟

می‌دانید چرا ولی خدا را تنها گذاشتید؟

می‌دانید چرا زندگی‌های شما رنگ و بوی زندگی دوران رسول الله ﷺ را ندارد؟

«فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ وَ سَمَلٌ جَلْبَابُ الدِّينِ»^۱.

چون هنگامی که رسول مکرم اسلام ﷺ دار فانی را وداع گفت چند اتفاق مهم در جامعه افتاد؛ یکی از آنها این بود که «سمل جلباب الدین»^۲ لباس دین و معنویت کهنه و فرسوده شد.^۳

از آن جهت به دین جلباب گفته شده است که تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی دین‌داران را می‌پوشاند و دربر می‌گیرد.

حضرت بسیار زیبا علت گمراهی امت بعد از پیامبر اکرم ﷺ را کالبد شکافی و بیان می‌کنند.

• پرورش احساس موضوع با روش تعریف

دین اسلام تمام زوایای فردی و اجتماعی مسلمانان را در بر می‌گیرد و برای همه موضوعات حرفی برای گفتن دارد. هنگامی که این پوشش فردی و اجتماعی در دید مسلمانان کهنه شود مساوی با انحراف و سقوط است. در مقابل اگر بخواهیم جامعه اسلامی به سمت رشد و صعود پی‌درپی حرکت کند، باید سبک زندگی فاطمی، ملاک و معیار زندگی ما قرار گیرد. سبک زندگی فاطمی همان

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۹، ص: ۲۲۵.

۲. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۴۵. «جلباب» چیزی شبیه عبا و چادر است که تمام بدن انسان را می‌پوشاند.

«سمل» نیز به معنی کهنه شدن است.

۳. المحيط فی اللغة ج ۷، ص ۱۱۴.

سبک زندگی خالص نبوی و علوی است که منطبق بر سبک زندگی قرآن است. سخن پیرامون سبک زندگی حضرت زهراست؛ بانویی که فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف او را بهترین الگو برای خود می‌داند و می‌فرماید:

قال المهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف: «إِنَّ لِي فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةً حَسَنَةً». الگو و اسوهی نیکوی من، دختر فرستاده خدا فاطمه زهرا علیها السلام است.

سیره و روشی که برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف الگو است قطعاً برای تک‌تک ما الگو و روش مناسبی برای زندگی است؛ خانمی که در زمان دختر بودن، مدال افتخار ام‌ایهایی گرفت.

آیت‌الله مظاهری، از مراجع تقلید می‌فرمایند:

همان‌طور که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خود را مدیون مادرش آمنه می‌دانست، خود را مدیون دخترش فاطمه علیها السلام نیز می‌دانست. ازاین‌رو، آن حضرت به دخترش فاطمه علیها السلام لقب ام‌ایه‌ها را دادند.^۲

حضرت زهرا علیها السلام، خانمی است که دوران همسر بودن، مدال «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» گرفت.

نقل شده رسول خدا صلی الله علیه و آله و آله صبح اولین روز عروسی، وارد بر امیرالمؤمنین علیه السلام شد و از داماد عزیزش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید: «فَسَأَلَ عَلِيًّا كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ قَالَ نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ».^۳

همسرت را چگونه یافتی؟ امیرالمؤمنین در پاسخ عرض کرد: «بهترین کمک است بر اطاعت از خدا».

حضرت فاطمه علیها السلام، مادری است که ثمره تربیت ایشان، فرزندانمانند امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام شدند که لقب «سَيِّدُ الشَّابَّابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» گرفتند و مادر زینبی است که بعد از عاشورا چنان حماسه‌ای آفرید که یگانه تاریخ شد.

حضرت صدیقه کبری علیها السلام، خانمی است که در زمینه علمی زمانی که پا به

۱. الغیبه، للطوسی؛ ص ۲۸۶.

۲. مظاهری، فاطمه دختری از آسمان، ۱۳۸۶ش، ص ۲۸.

۳. بحارالانوار، ج ۴۳ ص ۱۱۷.

عرصه شاگردپروری می‌گذارند، شاگردانی مثل فضه خادمه تربیت می‌کنند که در باره فضه نقل شده است که می‌گویند بیست سال غیر از قرآن، کلامی بر زبان نیاورد.

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام، خانمی است که در بحران‌های اجتماعی مانند جهاد، همواره در مسیر تقویت جبهه اسلام پا به عرصه خدمت‌گذاری در زمینه‌ی خدمت به رزمندگان گذاشته است.

حضرت ام‌الائمّه علیها السلام، خانمی است که در پای دفاع از ولایت از هیچ چیز دریغ نکرد و بهتر از هزاران مرد به دفاع از ولایت پرداخت. تمام این فعالیت‌های اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام هیچ‌گاه منجر به پاشیده شدن فضای خانه و خانواده نشده است.

عدم تداخل این امور با وظایف حضرت علیها السلام در خانواده می‌تواند الگویی بسیار عالی در جامعه امروز ما باشد. جامعه‌ای که امروز در این زمینه‌ها الگوی مناسبی ندارد، می‌تواند با توجه به این ویژگی‌های سبک زندگی فاطمی، گره کور این تداخل‌ها و عدم اولویت‌بندی‌ها را رفع کند.

• انگیزه‌سازی پیام با روش سؤال

امروزه برای خیلی از بانوان ما انتخاب بین تحصیل و اشتغال و مادری و همسری کار ساده‌ای نیست؛ بنابراین باید بینیم طبق الگوی سبک زندگی فاطمی، اولویت با کدام یک از اینهاست؟

امروزه در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که بسیاری از مشکلات آن به‌خاطر عدم اولویت‌بندی‌های مناسب است؛ ما کارهایی در زندگی شخصی‌مان انجام می‌دهیم که در اولویت اول نیست و شاید پرداختن به این امور نیازمند مدیریت بهتر باشد.

پس باید با بهره‌گیری از سبک زندگی فاطمی اولویت‌ها را شناخت.

امروزه یکی از سؤال‌های جدی در جامعه این است که بین مادری و همسری و اشتغال و تحصیل اولویت با کدام است؟

• افق اندیشه پیام با روش مقایسه و ترجیح

در سبک زندگی فاطمی اصل بر این است که دنبال رضای خدا باشیم و تشخیص بدهیم در هر مرحله‌ای از زندگی، خدا از ما چه می‌خواهد؟ در شرایط امروز جامعه اگر از بنده بپرسید خدا از یک زن مؤمنه چه می‌خواهد؟ پاسخ من این است که اگر بشود بین انجام وظایف اجتماعی و علمی با مادری و همسری جمع کرد، باید کاری کرد که به دومی لطمه نخورد؛ چون دارای اهمیت بیشتری است؛ اما چنانچه امکان‌پذیر نبود باید ابتدا مادری و همسری را مقدم دانست و بعد از اینکه این دو وظیفه‌ی مهم به شرایط مطلوب رسید، وظایف اجتماعی و علمی و ... را دنبال کرد.

در روایت نقل شده است حضرت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام)، برای تقسیم کار به حضور پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) رسیده و درخواست نمودند آن حضرت وظیف و تکلیف هر یک را در زندگی مشترک مشخص فرماید. حضرت امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند؛ رسول خدا نیز چنین تقسیم کار کردند:

« فَقَضَى عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِخِدْمَتِهَا مَا دُونَ الْبَابِ وَقَضَى عَلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا خَلْفَهُ »^۱

وجود نازنین رسول الله (صلی الله علیه و آله) به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) دستور دادند کارهای خارج خانه را انجام دهند و به دخترش فاطمه (علیها السلام) نیز فرمودند که کارهای داخل خانه را اداره نمایند؛ آن بانوی دو عالم از این تقسیم کار شدیداً خوشحال شد. این روایت مصداقی است که اولویت‌ها را به ما نشان می‌دهد.

خواهران من، امروز شما می‌توانید هم مادر خوبی باشید، هم جایگاه اجتماعی خوبی داشته باشید. عدم اولویت‌بندی در زندگی می‌تواند سرمایه‌های ارزشمند زندگی ما را نابود کند.

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این زمینه یک بیان بسیار ارزشمند دارند و می‌فرمایند:

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۱.

«مَنِ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهَمِّ صَيَّعَ الْأَهَمَّ». کسی که مشغول کارهای غیرمهم شود، کارهای مهم‌تر را ضایع می‌کند.^۱

این روایت چقدر ارزشمند و کارشناسی شده است و چقدر امروز به درد زندگی ما می‌خورد.

اگر امروز مادری به‌خاطر داشتن موقعیت اجتماعی، در مادر بودن خودش کم بگذارد، قطعاً در اولویت‌بندی زندگی خود اشتباه کرده است. چنانچه امروز مادری به‌خاطر استقلال مالی، در مادری خودش کم بگذارد قطعاً در اولویت‌بندی زندگی خودش اشتباه کرده است.

● پرورش احساس پیام با داستان

همسریکی از دوستان ما تعریف می‌کرد و می‌گفت در مهد کودک کار می‌کردم؛ دیدم مادری می‌آمد فرزند سه‌ساله خودش را صبح‌ها می‌گذاشت مهد و می‌رفت سرکار، اما هر وقت که می‌خواست از بچه جدا شود بچه با حالت التماس گریه می‌کرد؛ گویا با زبان بی‌زبانی به مادرش می‌گفت: مامان من الان به محبت تو نیاز دارم من را تنها اینجا نگذار؛ اما همین بچه زمانی که بزرگ بشود، در اوج نیاز مادرش، به‌راحتی مادرش را در آسایشگاه سالمندان می‌گذارد؛ آنجاست که مادر به بچه می‌گوید من الان به تو نیاز دارم، ولی متأسفانه بچه، قبلاً بی‌رحمی را از مادرش یاد گرفته است و ...

خداوند می‌فرماید: ای رسول الله ﷺ به مردم بگو می‌خواهید خسران زده‌ترین افراد را به شما معرفی کنم؟ در آیه بعد خداوند می‌فرماید خسران زده‌ترین افراد کسانی هستند که در دنیا فکر می‌کردند کار درستی انجام می‌دهند اما اشتباه می‌کردند. یکی از مصداق‌های آن اولویت‌بندی نداشتن در زندگی است.

«قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا»^۲ بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم.

۱. غررالحکم و دررالکلم، ص، ۶۲۶.

۲. کهف، ۱۰۳.

«الَّذِينَ صَلَّوْا سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»^۱
[آنان] کسانی اند که تلاششان در زندگی دنیا به هدر رفته و با خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند.
بعضی فکر می‌کنند با مقدم دانستن تحصیل و اشتغال بر وظایف مادری و همسری، کار درستی می‌کنند؛ اما اشتباه بزرگی می‌کنند و حسرت و پشیمانی بزرگی در دنیا و آخرت در انتظار آنها خواهد بود.

• رفتارسازی پیام با ارائه الگو و برنامه

مادری فاطمه‌گونه، والاترین اشتغال برای یک زن هست. آیا کار مادر حاج قاسم سلیمانی کار کم‌ارزشی است؟ کار مادر احمدی روشن‌ها؛ کار مادر طهرانی مقدم‌ها، یا کار مادر شیخ انصاری‌ها، کم‌ارزش است؟
اگر این زنان قهرمان، برای وظایف مادری‌شان ارزش قائل نمی‌شدند آیا می‌توانستند چنین ستاره‌های فروزانی به جامعه بشریت تقدیم کنند؟
البته لازمی این موضوع این است که مردها نیز اهمیت این موضوع را درک کنند و با قناعت و سخت‌کوشی اجازه ندهند همسرانشان مجبور به کمک‌خرج شدن و کار در بیرون از خانه بشوند تا بتوانند در این دوران مهم زندگی به وظیفه مهم مادری عمل کنند.
تمام هدف ما باید در زندگی این باشد که به حیات طيبة برسیم. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:
«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲
هرکس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

۱. کهف، ۱۰۴.

۲. نحل، ۹۷.

از وجود نازنین امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند حیات طیبه چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند قناعت .
«سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى - فَلْتُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» .
«فَقَالَ هِيَ الْقَنَاعَةُ»^۱.

• رفتارسازی موضوع با ارائه الگو

زندگی حضرت زهرا علیها السلام در اوج قناعت بود؛ سلمان فارسی می‌گوید: روزی حضرت فاطمه علیها السلام را دیدم که چادری وصله‌دار و ساده بر سر دارد. شگفت‌زده شدم و گفتم: عجب! دختران پادشاه ایران و روم بر کرسی‌های طلایی می‌نشینند و پارچه‌های زربافت به تن می‌کنند و این دختر رسول خداست که نه لباس‌های زیبا به تن دارد و نه چادرهای گران‌قیمت! حضرت زهرا علیها السلام پاسخ دادند: ای سلمان! خداوند بزرگ لباس‌های زینتی و تخت‌های طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است. حضرت زهرا علیها السلام سپس به محضر پیامبراکرم صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند:

یا رسول الله صلی الله علیه و آله سلمان از لباس ساده من تعجب می‌کند! قسم به خدایی که تو را به پیامبری برانگیخته است، مدت پنج سال است که زیرانداز شبانه من و علی پوست گوسفندی است که روزها علوفه شترمان را بر روی آن می‌ریزیم و شب‌ها بر روی او می‌خوابیم و بالش ما نیز قطعه پوستی است که درون آن از لیف درخت خرماست.^۲

قناعت در زندگی باید دوطرفه باشد؛ یعنی هم باید زن اهل قناعت باشد، هم مرد؛ اگر مرد اهل قناعت باشد، همسرش را مجبور به کار خارج از منزل نمی‌کند و اگر زن اهل قناعت باشد شوهرش را مجبور به درآمد بیش از توانش نمی‌کند. اگر این طرز تفکر در زندگی‌های ما نهادینه شود، زندگی‌ها گلستان می‌شود.

بی‌بی دوعالم به همسر خود می‌فرمایند:

۱. نهج البلاغة (للصبيحی صالح)، ص: ۵۰۹.

۲. بحارالانوار، ج ۴۳ ص ۸۷ ح ۹.

«يا أبا الحسن! إني لأستحيي من إلهي أن أكلّف نفسيك ما لا تقدر عليه»^۱
ای علی! من از پروردگارم شرم دارم که چیزی از تو درخواست کنم که توان
برآوردن آن را نداشته باشی.

● روضه

حضرت علی (علیه السلام) می فرمودند: هر وقت می رفتم خانه و زهرا (علیها السلام) را می دیدم، غم
و غصه از دلم می رفت،
اما این روزها تمام غصه های دل مولا همسر مظلومش هست.
امروز ما عزادار آن خانمی هستیم که همه دارایی و همه کس علی (علیه السلام)
بود؛ همیشه یاور علی (علیه السلام) بود؛ حتی پشت در خانه هم دست از دفاع علی
برنداشت.

پشت در شیرازه ام پاشیده شد
صورت بر خشک ها ساییده شد

بمیرم برای لحظه ای که مادر ما برای دفاع از ولایت، پشت در و دیوار صدا زد:

«وَقَالَتْ: يَا أَبَتَاهُ! يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَكَذَا كَانَ يُفْعَلُ بِحَبِيبَتِكَ وَابْنَتِكَ، أِهْ يَا فَضَّةُ!
إِلَيْكَ فَخَذِينِي فَقَدْ وَاللَّهِ قُتِلَ مَا فِي أَحْشَائِي مِنْ حَمَلٍ»^۲.

من نگویم حال زهرا از من مضطر برسید
لیک گویم از در پر خون و میخ در برسید

من نگویم بوده فضّه غافل از احوال زارش
لیک گویم حال محسن باید از مادر برسید

۱ . بحارالأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۵۹.

۲ . بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۲۹۴.

من نگویم ارغوان بوده تنشش از تازیانه
لیک گویم ضرب دست از قنفذ کافر پیرسید

من نگویم شب چرا شد فاطمه در خاک پنهان
لیک گویم مدفنش از حیدر صفدر پیرسید

تا بگوید خواست آن کانون عصمت تا قیامت
چشم نامحرم نبیند قبر او دیگر پیرسید



موضوع: سبک زندگی فاطمی ع.ا.س. ۲

پیام: موانع مادر شدن، بالا رفتن سن فرزندآوری





● خطبه:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، بارئ الخلائق أجمعين، و الصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين و خاتم النبيين، حبيبنا و حبيب إله العالمين أبى القاسم المصطفى محمد، صلى الله عليه و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين، و لا سيما بقيه الله فى الأرضين و اللعن الدائم على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

● انگیزه‌سازی موضوع با روش تعریف

خداوند در قرآن کریم خطاب به رسول مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱

بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد و خداوند آمرزنده مهربان است. در شأن نزول این آیه آمده که جمعی در حضور پیامبر اکرم ﷺ ادعای محبت پروردگار کردند، درحالی‌که «عمل» به برنامه‌های الهی در آنها کمتر دیده می‌شد، آیات فوق نازل گردید و به آنها پاسخ گفت که اگر ادعای محبت خدا را دارید

۱. آل عمران، ۳۱.

باید از پیامبرم اطاعت کنید.^۱ یعنی محبت نباید تنها يك علاقه قلبی ضعیف و خالی از هرگونه اثر باشد، بلکه باید آثار آن، در عمل انسان منعکس باشد. کسی که مدعی عشق و علاقه به پروردگار است، نخستین نشانه‌اش این است که از پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت  پیروی کند.

در حقیقت، این يك اثر طبیعی محبت است که انسان را به سوی «محبوب» و خواسته‌های او می‌کشاند. البته ممکن است محبت‌های ضعیفی یافت شود که شعاع آن، از قلب به بیرون نیفتد، اما این‌گونه محبت‌ها به قدری ناچیز است که نمی‌توان نام محبت بر آن گذاشت. يك محبت اساسی حتما آثار عملی دارد و حتما دارنده آن را با محبوب پیوند می‌دهد و در مسیر خواسته‌های او به تلاش پرثمر وامی‌دارد.

این آیه نه تنها به مدعیان محبت پروردگار در عصر پیامبر اکرم ﷺ پاسخ می‌دهد، بلکه يك اصل کلی در منطق اسلام برای همه اعصار و قرون است. آنها که شب و روز دم از عشق پروردگار یا عشق و محبت پیشوایان اسلام و مجاهدان راه خدا و صالحان و نیکان می‌زنند، اما در عمل، کمترین شباهتی به آنها ندارند، مدعیان دروغینی بیش نیستند.^۲

• افناع اندیشه موضوع با توضیح به مثال

بی‌بی دو عالم حضرت فاطمه زهرا  مصداق آن کسی است که ادعای محبت به خدا را با تبعیت از رسول الله ﷺ به نحو احسن اثبات کرده است.

امیرالمؤمنین  هنگام شهادت بانوی اسلام حضرت زهرا  در کنار بستر ایشان جعبه‌ای را مشاهده کرد؛ حضرت پرسید این چیست؟ فاطمه زهرا  فرمودند: در میان این جعبه، حریر سبزی است که داخل آن صفحه‌ای سفید وجود دارد و در آن صفحه چند سطر نوشته شده است. [حضرت] علی  فرمودند: مضمون آن چیست؟ دختر پیامبر اکرم ﷺ پاسخ دادند: شب عروسی و زفاف، من در جایگاه

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص: ۵۱۳.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲، ص: ۵۱۴.

عبادت خود نشسته بودم؛ مستمندی آمد و تقاضای جامه‌ای کرد؛ من دو پیراهن داشتم، یکی نو که در آن شب پوشیده بودم و دیگری کهنه، همان پیراهن نو را به او دادم. صبحگاه که پدرم برای دیدن ما آمد، فرمودند تو که جامه نو داشتی چرا نپوشیدی؟! گفتم: مگر شما نفرمودید هرچه انسان صدقه و کمک به مستمندان کند، برایش باقی می‌ماند؟ من هم آن جامه‌ی نو را به بینوایی دادم. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: اگر جامه‌ی نو را می‌پوشیدی و کهنه را به فقیر می‌دادی برای شوهرت بهتر بود و آن بینوا هم به پوشاک می‌رسید. عرض کردم در این کار هم از شما پیروی کردم؛ زیرا مادرم خدیجه (ع) هنگامی که افتخار شرفیابی خدمت شما را پیدا کرد و تمام اموال خود را در اختیار شما گذاشت، همه آنها را در راه خدا بخشیدی تا به جایی رسیدی که سائلی از شما پیراهنی خواست، جامه خود را به او دادی و در این امور مانند شما کسی نیست! پدرم گریه کرد و مرا به سینه چسبانید. در این هنگام فرمود: جبرئیل نازل شده و از جانب خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: به فاطمه بگو هرچه از ما می‌خواهد درخواست کند که من او را دوست دارم.

گفتم: «يَا أَبَتَاهُ! سَعَلْتَنِي عَنِ الْمَسْئَلَةِ لَذَّةِ خِدْمَتِهِ، لَا حَاجَةَ لِي غَيْرَ لِقَاءِ رَبِّي الْكَرِيمِ فِي دَارِ السَّلَامِ»؛

پدر جان! مرا شیرینی فیض حضورش چنان به خود مشغول داشته که به یاد درخواست چیزی نیستم و جز لقاء پروردگار، آرزویی ندارم.

پدرم دست‌های خود را بلند کردند و به من نیز دستور داد دستم را بلند کنم و فرمود: «اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِّاُمَّتِي»؛

خدایا اُمّت مرا ببخش و بیامرز!

جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: خداوند می‌فرماید: کسانی از اُمّت تو که محبت

فاطمه و همسر او و فرزندانش را داشته باشند، آمرزیدم! من تقاضای سندی برای این موضوع کردم.

جبرئیل این حریر سبز را آورد که در آن نوشته است: «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ

الرَّحْمَةَ»^۱.

۱. سوره انعام، آیه ۵۴.

و جبرئیل و میکائیل نیز گواهی دادند.

پدرم فرمود: آن را حفظ کن و در هنگام وفات سفارش کن که با تو در قبر گذارند؛ می‌خواهم در روز قیامت که زبانه‌های آتش شعله می‌کشد، درخواست آمرزش امت کنی.^۱

حضرت زهرا (علیها السلام) در این ماجرای زیبا، ثابت کرده که مصداق آیه‌ی «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۲ است؛ «هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید».

گاهی برای رسیدن به لذت‌های ماندگار باید از لذت‌های زودگذر گذشت. برای همه ما یا اتفاق افتاده یا دیده‌ایم؛ وقتی می‌خواهیم از یک بچه‌ای کالای ارزشمندی مانند طلا بگیریم، به او می‌گوییم اگر این را به ما بدهی، مثلاً برای پفک می‌خرم؛ این طفلکی هم از همه جا بی‌خبر چون قبلاً فقط مزه پفک را چشیده و هیچ توجهی به ارزش طلا ندارد، قبول می‌کند که طلا را به پفک بفروشد؛ شیطان هم دقیقاً با ما این کار را می‌کند؛ به ما می‌گوید اگر خدا و اعتقادات و امام زمانت را به من بدهی، من هم یک لذت زودگر به تو می‌دهم. حقیقت تلخ این است که شیطان واقعا به همین راحتی هر روز، بسیاری از ما را با خودش همراه می‌کند.

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در این ماجرا از لذت زودگذر لباس زیبا، به‌خاطر تبعیت از خدا و سیره‌ی رسول الله (صلی الله علیه و آله) گذشت و به‌جای آن خداوند متعال چنین جایگاهی به حضرت داد. حالا از هر انسان منصفی بپرسیم کدام لذت ماندگارتر و ارزشمندتر است، قطعاً پاسخ می‌دهد لذت لقای پروردگار و جایگاه آمرزش امت رسول الله (صلی الله علیه و آله) با هیچ لذتی قابل مقایسه نیست.

در کل، لذت و جایگاهی که در ایشار و از خودگذشتگی است، هیچ‌گاه در خودخواهی نیست.

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

۱. زیاحیئ الشریعه، محلاتی، ذبیح الله، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۶ ش، ج ۱، ص ۷۲.

۲. آل عمران، ۹۲.

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ: رَجُلٌ حَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْحَقِّ وَ رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ وَ رَجُلٌ أَتَرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ»^۱.

خداوند را بهشتی است که جز سه کس، وارد آن نمی‌شود: یکم: مردی که علیه خود به حق داورى کند؛ دوم: مردی که برای خدا به دیدن برادرش برود؛ سوم: مردی که به‌خاطر خدا برادر مؤمنش را بر خويشتن مقدم بدارد.

این جایگاه در آخرت برای کسی است که اهل ایثار است.

● پرورش احساس موضوع با روش داستان

یک روز حضرت موسی کلیم الله (علیه السلام) به خداوند متعال عرضه داشت:

«يَا رَبِّ، أَرِنِي دَرَجَاتِ مُحَمَّدٍ وَ أُمَّتِهِ. قَالَ: يَا مُوسَى، إِنَّكَ لَنْ تُطِيقَ ذَلِكَ وَ لَكِنْ أُرِيكَ مَنْزِلَةً مِنْ مَنَازِلِهِ جَلِيلَةً عَظِيمَةً فَضَّلْتُهُ بِهَا عَلَيْكَ وَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي. قَالَ: فَكَشَفَ لَهُ عَنْ مَلَكُوتِ السَّمَاءِ فَتَنَظَّرَ إِلَى مَنْزِلَةٍ كَادَتْ تَتَلَفُّ نَفْسُهُ مِنْ أَنْوَارِهَا وَ قُرْبِهَا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ قَالَ: يَا رَبِّ، بِمَاذَا بَلَغْتُهُ إِلَى هَذِهِ الْكَرَامَةِ؟! قَالَ: بِخُلُقٍ اخْتَصَصْتُهُ بِهِ مِنْ بَيْنِهِمْ وَ هُوَ الْإِيثَارُ. يَا مُوسَى، لَا يَأْتِينِي أَحَدٌ مِنْهُمْ قَدْ عَمِلَ بِهِ وَفَّقْنَا مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا اسْتَحْيَيْتُ مِنْ مُحَاسَبَتِهِ وَ بَوَّأْتُهُ مِنْ جَنَّتِي حَيْثُ يَشَاءُ»^۲.

ای پروردگار من درجات محمد و امت او را به من بنمایان.

خداوند فرمود: ای موسی! تو تاب دیدن آنها را نداری، اما فقط يك منزلت از منزلت‌های بزرگ و باشکوه او را به تو می‌نمایانم که به واسطه همان، او را بر تو و بر تمام آفریدگانم برتری دادم. پس خداوند از ملکوت آسمان برای او پرده برداشت و موسی (علیه السلام)، منزلتی را دید که از [شدت] پرتوهای آن و قُربش به خداوند، نزدیک بود قالب تهی کند.

گفت: پروردگارا! به واسطه چه چیز، او را به این کرامت رساندی؟

فرمود: به واسطه خصلتی که از میان ایشان، آن را به او اختصاص دادم و آن خصلت، ایثار است.

۱. الکافی: ۲ / ۱۷۸ / ۱۱.

۲. تنبيه الخواطر، ۱ / ۱۷۳.

ای موسی! هیچ يك از ایشان نیست که دمی از عمر خویش به این خصلت عمل کرده باشد، مگر آن که از حسابرسی او شرم کنم و در بهشت خود، هرچاکه او بخواهد، جایش دهم.

این جایگاه ایشار است که تشریح آن به چند جلسه مجزا نیاز دارد؛ اما تا عشقی نباشد ایشاری صورت نمی‌گیرد. به دلیل عشق به خدا و رسول الله ﷺ بود که حضرت علی علیه السلام در شب لیل‌المبیت ایشار کرد و در جایگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خوابید.

شهید مطهری در این زمینه در کتاب دافعه و جاذبه علی علیه السلام می‌نویسد:
«عشق، علاقه و تمایل، انسان را به خارج از وجود خودش متوجه می‌کند و وجود انسان را توسعه می‌دهد».^۱
عشق خودخواهی را در انسان می‌کشد و صفت ایشار را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

از محبت نار نوری می‌شود
وز محبت دیو حوری می‌شود

از محبت نیش نوشی می‌شود
وز محبت شیر موشی می‌شود

• انگیزه‌سازی پیام

اما یکی از اون عشق‌هایی که ایشار را با خودش به ارمغان می‌آورد، عشق مادر به فرزند است؛ عشق به فرزند، منجر می‌شود که مادر دیگر چیزی برای خودش نمی‌خواهد، بلکه تمام خواسته‌های او در خواسته‌های فرزندش تعریف می‌شود.

عشق به فرزند، خودخواهی را به از خود گذشتگی تبدیل می‌کند و این از

۱. مجموعه آثار شهید مطهری جلد یازدهم . ج ۱۱، ص: ۴۵۸.

نظر معنوی و عرفانی خیلی ارزشمند است و موجب رشد و قرب یک انسان به خداست.

روزی شخصی از بیابان به سوی مدینه می‌آمد؛ در راه دید پرنده‌ای به سمت لانه‌اش پرواز می‌کند. سراغ بچه‌های خود در لانه رفت. آن شخص کنار لانه رفت و دید آن پرنده چند جوجه‌ی بسیار زیبا دارد. جوجه‌های آن پرنده را از لانه درآورد و با خود گفت: اینها را به عنوان هدیه نزد پیامبر اکرم ﷺ ببرم. آنها را به حضور پیامبر اکرم ﷺ آورد. در این هنگام جمعی از اصحاب حاضر بودند؛ ناگاه دیدند پرنده مادر، بی‌آنکه از مردم وحشت کند آمد و خود را روی جوجه‌هایش انداخت.

معلوم شد پرنده مادر، به دنبال آن شخص به هوای جوجه‌هایش آمده و محبت و علاقه به جوجه‌ها به قدری زیاد بوده که بی‌آنکه از دیگران وحشت داشته باشد که او را نیز اسیر کنند، آمد و خود را روی جوجه‌هایش انداخت و با زبان حال، جوجه‌های خود را می‌خواست.

پیامبر اکرم ﷺ به حاضران رو کرد و فرمود: این محبت مادر نسبت به بچه‌هایش را درک کردید، ولی بدانید خداوند هزار برابر این محبت، نسبت به بندگانش محبت و علاقه دارد.^۱

محبت مادر به فرزند آنقدر زیاد است که رسول مکرم اسلام ﷺ زمانی که می‌خواهد محبت خدا به بندگان را ملموس کند، مثال به محبت مادر می‌زند.

این جایگاه و ارزش محبت مادری است که یکی از آثارش نهادینه شدن ایثار در مادر است.

• افق اندیشه پیام با روش توضیح و تبیین

ایثار یعنی برای رسیدن به لذت‌های بزرگ باید از لذت‌های کوچک گذشت.

۱ (اقتباس از ثلثی الاخبار)

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۱ هرگز به نیکی دست نمی‌یابید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و بدانید هرچه را انفاق کنید، قطعاً خداوند به آن آگاه است.

گذشتن از لذت خواب و راحتی برای درک لذتی به نام مادری، بالاترین لذتی است که یک زن در دنیا تجربه می‌کند؛ این‌که از لذت دنیا بگذری، به لذت آخرت می‌رسی، یک قانون است؛ از لذت مادی و لذت خواب نیمه‌شب بگذری، لذت نماز شب را خواهی برد.

• پرورش احساس پیام با روش آمار و ارقام

لذت کم و موقت گناه، گاهی نعمت لذت دائمی و با عظمت بهشت را از آدم می‌گیرد؛ گاهی نیز اگر لذت کوچک را ترجیح دادی، به‌خاطر کفران نعمت از لذت بزرگ برای همیشه محروم خواهی شد.

متأسفانه امروزه با بسیاری از افراد مواجه هستیم که سن بارداری خود را به بهانه‌های واقعاً غیر منطقی به تأخیر می‌اندازند، اما غافل از این هستند که این به تأخیر انداختن بارداری، گاهی می‌تواند آسیب‌هایی جدی به خود و فرزندشان بزند و این آسیب‌ها شاید برای همیشه حسرت بچه‌دار شدن را بر دل آنها بگذارد.

خانواده‌هایی هستند که سال‌ها ازدواج کردند، ولی امروز حسرت بچه‌دار شدن دارند، تنها به این خاطر که اوایل ازدواج، وقتی به آنها پیشنهاد فرزندآوری می‌دادند، می‌گفتند: الان وقتش نیست؛ الان می‌خواهیم بیشتر لذت ببریم؛ ما خودمان هنوز بچه‌ایم؛ اما امروز دربه‌در، از این دکتر به آن دکتر دنبال درمان ناباروری هستند. این درحالی است که دکترها می‌گویند: بهترین زمان برای باروری مادر بین ۲۰ تا ۳۰ سالگی است که بیشترین شانس برای باروری است؛ اما از ۳۰ سالگی به بعد به تدریج میزان و قدرت باروری زنان کاهش می‌یابد. براین‌اساس پزشکان هشدار می‌دهند که بانوان، بارداری را به اواخر سنین بارداری خود

۱. آل عمران، ۹۲.

نیندازند؛ زیرا امکان دارد در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ سالگی دچار نازایی شوند.^۱ علاوه بر عدم باروری در سن بالا، طبق نظر پزشکان این تأخیر انداختن می‌تواند منجر به آسیب رسیدن به بچه بشود. دکتر لاهوتی متخصص زنان و زایمان می‌گوید: یکی دیگر از عوارض بارداری در سن بالای ۳۵ سال، ناهنجاری‌های ژنتیک است که به‌ویژه بعد از سی و پنج سالگی افزایش زیادی پیدا می‌کند؛ به‌طوری که اگر مادر سی و پنج ساله باشد، از هر ۱۳۲ تولد ممکن است یک نوزاد مبتلا به سندرم داون به دنیا بیاید. دکتر لاهوتی با اشاره به این مطالب تأکید می‌کند که در سی و شش سالگی این میزان به یک مورد از هر ۱۰۵ تولد می‌رسد و این روند همان‌طور ادامه دارد؛ به‌طوری که برای مثال در چهل سالگی مادر، در یک مورد از هر ۴۰ تولد، شاهد سندرم داون هستیم که آمار بالایی از این بیماری است. در مورد سایر ناهنجاری‌های کروموزومی هم تقریباً چنین آماری صدق می‌کند.^۲ اگر سن مادر در دهه ۲۰ سالگی باشد قطعاً میزان ابتلای نوزاد به سندروم داون بسیار پایین خواهد آمد.

این خطرات طبق نظر کارشناسان بیشتر برای مادرانی است که اولین فرزندآوری خود را به تأخیر انداخته‌اند؛ اما مادرانی که قبل از رسیدن به سن ۳۰ یا ۳۵ یا ۴۰ سالگی فرزند آورده‌اند، احتمال ابتلای فرزندانشان به بیماری‌های ذکر شده کمتر است.^۳

• رفتارسازی پیام با روش ارائه برنامه

طبق این آمار و نکات پزشکی بیان شده، بهترین دوران برای بارداری، اول همان دوران دهه ۲۰ سالگی است. جالب است که بدانید بارداری در سن کم، برای خود مادر هم بهتر است. پژوهشگران اعتقاد دارند زنان در دهه ۲۰ سالگی، کمتر دچار عوارضی چون فشار خون، دیابت، سقط جنین و مسمومیت حاملگی می‌شوند

۱ . باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر ۵۳۹۰۸۱۰.

۲ . jamejamonline.ir.

۳ . jamejamonline.ir.

و فرزندانی سالم‌تر به لحاظ ژنتیکی به دنیا می‌آورند و از آنجا که زنان در دهه ۲۰ سالگی زندگی، از تناسب اندام بهتری برخوردار هستند، پس از زایمان کمتر دچار افزایش وزن شدید و عدم توانایی کاهش وزن می‌شوند.

از لحاظ تربیتی نیز یک خانم در سن کم، قطعاً حوصله و انگیزه‌ی بیشتری برای تربیت بچه‌هاش دارد و می‌تواند بچه‌های با تربیتی به جامعه تحویل بدهد که تربیت تک‌تک مادران در آینده جامعه نقش به‌سزایی دارد، اما مادری که سنی از آن گذشته به‌خاطر اینکه یا دیر ازدواج کرده یا دیر فرزنددار شده است، قطعاً حوصله و انگیزه‌ای برای تربیت فرزند ندارد و این عدم توجه مادر می‌تواند در آینده بچه (چه از لحاظ جسمی و چه از لحاظ تربیتی) تأثیرات بدی داشته باشد و مادر هیچ‌وقت نتواند خودش را ببخشد. این یک قانون در عالم است که هرکاری در زمان خودش ارزش و اهمیت دارد.

• رفتارسازی موضوع با ارائه الگو

یکی از ویژگی‌های حضرت زهرا علیها السلام همین بود که هرچیزی را در زندگی بابرکتش در موقع و زمان مناسب خودش انجام دادند.

از رسیدگی به پدر و ام‌اینها شدن در دوران دختری تا مدال «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» گرفتن در زمان همسری و مادری و مدال تربیت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام که عالم مثل آنها ندیده است.

همچنین رهبری سیاسی، اجتماعی و شهادت برای ولایت در هجده سالگی که این همه قله را بی‌بی دو عالم علیها السلام فتح کرد تا ما یاد بگیریم با برنامه‌ریزی و تکلیف‌محوری می‌توان در هجده‌سالگی بین بالاترین مقامات دنیوی و اخروی جمع کرد.

• روضه

رفقای من، مادر سادات فقط ۱۸ سال داشت؛ همسر علی جوان بود؛ مادر حسنین باردار بود؛ مدافع ولایت پشت در و دیوار با خون سینه و پهلوی خودش پرونده دفاع از ولایت را امضا کرد.

من یه سئوالی از شما دارم؛ وقتی چهل نفر بخوانند وارد خانه‌ای بشوند، با ازدحام، آن هم اراذل و اوباش مدینه، نه ادبی نه نزاکتی؛ اگر ادب داشتند در می‌زدند؛ اگر ادب داشتند اصلاً نمی‌آمدند؛ همه حمله کردند؛ وارد خانه شدند؛ حالا اگر کسی که پشت در باشد و بین در و دیوار مانده باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ ...

یک بار نه، شدی تو گرفتار بارها
برخورد کرد سینه و مسمار بارها

دشمن مگر نَفْسِ نَفْسِت را شنیده بود؟
بد زد به استخوان تو انگار بارها

پهلوشکسته، سینه سوراخ، جای خود
سر، ماند بین آن در و دیوار بارها



موضوع: سبک زندگی دشمنان حضرت زهرا علیها السلام

پیام: مادران قاتل، بی رحم ترین مادران





● خطبه:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، بارئ الخلق أجمعين، و الصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين، وخاتم النبيين، حبيبنا و حبيب إله العالمين أبي القاسم المصطفى محمد، صلى الله عليه و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين، و لا سيما بقيه الله في الأرضين و اللعن الدائم على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

● انگیزه‌سازی با روش تعریف از فضیلت زیارت حضرت زهرا (علیها السلام)

سعی کنید در دهه فاطمیه هر روز حضرت زهرا (علیها السلام) را زیارت کنید؛ در روایت دارد یزید بن عبدالمک از پدرش و از جدش نقل کرده است که: بر فاطمه (علیها السلام) وارد شدم. پس او ابتدا بر من سلام کرد و فرمود حالت چگونه است؟ عرض کردم: به دنبال خیر و برکت هستم.

آنگاه حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمودند:

«أَخْبَرَنِي أَبِي وَ هُوَ ذَا هُوَ أَنَّهُ مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهِ وَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ أُجِبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ قُلْتُ لَهَا فِي حَيَاتِهِ وَ حَيَاتِكَ قَالَتْ نَعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنَا»^۱. پدرم خبر داد، درحالی‌که زنده بود، هرکسی سه روز بر او و بر من سلام کند، خدا بهشت را بر او

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹، ح ۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۶۷.

واجب می‌کند. عرض کردم: در حیات او و شما؟ فرمود: بلی، و بعد از مرگمان. در روایت دیگری امام باقر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمودند: «مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرَّتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا». کسی که مرا، یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت او را زیارت می‌کنم و از سختی‌های قیامت نجاتش می‌دهم.

اگر با زیارت‌نامه بی‌بی دو عالم انس بگیرید، انتهای زیارت‌نامه حضرت زهرا علیها السلام یک جمله توجه شما را جلب خواهد کرد؛ آنجایی که می‌گوید شهادت می‌دهیم:

«أُشْهِدُ اللَّهَ وَرُسُلَهُ وَمَلَائِكَتَهُ أَنْبَى رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَتْ عَنْهُ سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَتْ عَلَيْهِ». خدا را گواه می‌گیرم و رسول او و فرشتگان را که من از آنکس راضیم که شما از او راضی هستید و خشمگینم از هرکه شما از او خشمگین هستید.

«مُتَّبِعِيٌّ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ». بیزارم از آنکه شما از او بیزارید و دوستم با آنکه شما با او دوستید و دشمنم با هرکه شما با او دشمنید.

«مُتَغَضُّ لِمَنْ أَبْغَضَتْ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَبْتُ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِئاً وَمُثِيباً». ناراضیم از هرکه شما از او ناراضی هستید و محبوب من است هرکه محبوب شماست و بر صدق گواهی من خدا کافی است که گواه و محاسب و جزادهنده و ثواب بخشنده است.

یعنی یک عاشق حضرت زهرا علیها السلام باید با دشمنان حضرت مرزبندی داشته باشد، باید مراقب باشد شباهت به آنها پیدا نکند؛ سخط و تبری و بغض از دشمنان حضرت زهرا علیها السلام با تبعیت از رفتارهای آنها جور در نمی‌آید؛ یکی از عواملی که ما را تربیت فاطمی می‌کند همین تولی و تبری است که از فروع دین ما هم هست؛ از این رو امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «دروغ گفته است کسی که

بگوید با ماست درحالی‌که به شاخه غیر ما چنگ زده است.^۱ یعنی ما اهل بیت نگاه نمی‌کنیم تو چه می‌گویی، نگاه می‌کنیم به چه چیزی عمل می‌کنی؛ به چه مرام و سبک زندگی و روشی در رفتار پایبندی داری؟

• افق‌اندیشه با روش توضیح و تبیین

در روایتی در باره زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) موسوم به زیارت امین‌الله (از زیارت‌های معتبره) آمده است: هرکه از شیعیان ما این زیارت و دعا را در کنار قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) یا نزد قبر یکی از ائمه علیهم السلام بخواند، البته حق تعالی این زیارت و دعای او را در نامه‌ای از نور بالا می‌برد و مهر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را بر آن می‌زند و به این صورت محفوظ باشد تا به قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف تسلیم کنند؛ پس صاحبش را به بشارت و درود و کرامت استقبال نماید ان شاء الله تعالی.

در یکی از فقرات این زیارت می‌خوانیم «مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَغْدَائِكَ».^۲ یعنی ما پیرو مرام شما هستیم و از اخلاق دشمنانتان بیزاریم و برائت می‌جوئیم ...

حالا این اخلاق اعدائک چیست که ما باید از او مفارقت پیدا کنیم و حتی شبیه به آن نباشیم؟

آیت الله آقا مجتبی تهرانی رحمه الله علیه در شرح خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) به ویژگی دشمنان حضرت در کلام خود آن حضرت در احتجاج با ابوبکر اشاره می‌کند و بیان می‌دارد از نگاه دختر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) عامل اصلی مخالفت آنها با آیات قرآن و دستورات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، پیروی از هوای نفس بوده است. قالت فاطمه (علیها السلام): «كَأَلَّا بَلَّ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً». «نه چنین است که می‌گویید، بلکه هواهای نفسانی بر شما غالب شده است». «فَصَبَّرٌ جَمِيلٌ»؛ «پس باید صبر پسندیده پیشه کرد. حضرت زهرا (علیها السلام) چقدر زیبا ضمن استفاده از آیات سورة یوسف می‌فرماید: شما که دست‌بردار نیستید پس ما باید صبر کنیم تا نزد

۱. بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۰۳، روایت ۱۵.

۲. قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت امین‌الله.

خدا پسندیده باشد، طوری که نه ضربه به اسلام بخورد و نه ما کوتاه آمده باشیم؛ یعنی طوری صبر می‌کنیم که طبق وظیفه شرعی مان عمل کرده باشیم. اشاره به اینکه اولاً منشأ عمل شما، دین و دلسوزی برای مسلمین و مصلحت آنان نبود، بلکه حب جاه و ریاست طلبی و تبعیت شما از هوای نفس بود.

اینجا بود که دشمن آن حضرت هم به عظمت ایشان اقرار کرد و گفت: «فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَتْ إِبْنَتُهُ وَأَنْتِ مَعْدَنُ الْحِكْمَةِ وَمَوْطِنُ الْهُدَى وَالرَّحْمَةِ وَرَكْنُ الدِّينِ وَعَيْنُ الْحُجَّةِ لَا أَبْعَدُ صَوَابِكَ وَلَا أَنْكُرُ خِطَابِكَ»^۱. «سپس ابوبکر گفت: خدا و پیامبرش راست گفتند و دختر پیامبر هم راست گفت و تو ای دختر پیامبر، کانون حکمت، پایگاه هدایت، رکن دین و پیکره حجت خدایی. من نمی‌خواهم حق تو را از تو دور کنم و خطابهات را هم منکر نیستم».

چگونه می‌شود با آنچه بین حضرت علیهاالسلام و ابوبکر مبادله شد این جمله را معنا کرد؟!

آیه الله مصباح یزدی رحمه الله علیه هم در شرح خطبه حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمودند:

منشأ بودن هوای نفس برای انحرافات، از موضوعاتی است که در فرهنگ اسلامی کاملاً شناخته شده است. قرآن کریم در موارد بسیاری منشأ انحرافات مردم را پیروی از هوای نفس معرفی می‌کند و حتی تمایلات نفسانی را مانع از ایمان آوردن، رفتن به طرف خدا و پیمودن راه حق می‌داند. قرآن همچنین علت اینکه کسانی علیه انبیا قیام کردند، آن‌ها را به قتل رساندند و پرچم مخالفت با آن‌ها را برافراشتند، هوای نفس معرفی میکند و می‌فرماید: «أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ»^۲.

آیا هر پیغمبری که از جانب خدا اوامری بر خلاف هوای نفس شما آرد گردنفرازی و سرپیچی نموده و (از راه حسد) گروهی را تکذیب کرده و جمعی را به قتل می‌رسانید؟!

● انگیزه‌سازی پیام با روش تعریف

۱. دفتر نشر فرهنگ و معارف اسلامی مسجد هدایت.

۲. سوره بقره آیه ۸۷.

شاید دلیل نگرانی پیامبر خدا (ﷺ) برای بعد از خودش هم همین باشد که فرمودند: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُلُؤُ الْأَمَلِ»^۱. در این جا نیز عامل اصلی را «اتباع الهوی» ذکر می‌کنند؛ سپس عامل دوم را «طول‌الامل» معرفی می‌فرمایند. طول‌الامل یکی از آثار اتباع هوی است. انسان در موارد خاصی می‌خواهد یک رفتار آنی انجام بدهد و منظورش از انجام این کار نیز نتیجه‌ای است که آن‌ا از آن می‌گیرد. در این جا این‌طور نیست که آرزوی زیادی داشته باشد، بلکه فقط می‌خواهد به این لذت برسد. بنابراین لازمه هر اتباع هوایی، طول‌الامل نیست. طول‌الامل هواپرستی‌هایی است که فرد برای رسیدن به آن‌ها مدتی طولانی را مورد نظر قرار می‌دهد و باید کارهای زیادی را سلسله‌وار انجام دهد تا به آن هدف برسد. این‌گونه موارد آرزوهای طولانی را می‌طلبد.

ترکیب این دو نگرانی پیامبر (ﷺ) امروز در بین امت ایشان زمینه‌ساز انحرافات و ظلم‌های بسیاری شده است که با توجه به یک مورد آن به تنهایی کافیهست که متوجه دلیل نگرانی رسول خدا (ﷺ) شویم.

فقط در مورد جنایت بزرگی به نام سقط جنین که طبق آمارهای رسمی وزارت بهداشت روزانه بیش از ۱۰۰۰ قتل کودک بی‌گناه از روی تبعیت هوای نفس و آرزوهای طولانی والدین تحت تأثیر سبک زندگی غربی یعنی همان سبک زندگی دشمنان اهل بیت (علیهم‌السلام) در دنیای امروز انجام می‌گیرد.

• افتناع اندیشه پیام با روش استقراء و آمار

براساس آمار سازمان بهداشت جهانی "WHO"، هرساله در جهان ۴۰ تا ۵۰ میلیون سقط جنین اتفاق می‌افتد.^۲

مشاور دفتر سلامت خانواده وزارت بهداشت در روزنامه وطن امروز، در خرداد ۱۳۹۳ از وقوع روزانه هزار مورد سقط جنین در کشور خبر داد: ۱۵۰ تا ۳۵۰ هزار سقط جنین در طول سال اتفاق می‌افتد که از این میان ۱۲۰ هزار مورد اعلام کرده‌اند

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۴۲.

۲. خبرگزاری تسنیم، ۱۴ شهریور ۱۳۹۹.

که فرزند نمی‌خواسته‌اند؛ صد هزار مورد بیمار بوده‌اند و ۲۰ تا ۳۶ درصد به دلیل مسائل اقتصادی رخ می‌دهد.^۱

در رابطه با سقط جنین و دلایل آن تا امروز گمانه‌زنی‌های زیادی انجام شده است. برخی از مشکلات اقتصادی، روابط خارج از ازدواج، عدم تمایل به فرزندآوری زوج‌ها و ... گفته‌اند و حالا عضو هیئت‌رئیس مجلس دلیل بالا رفتن سقط جنین را ناشی از آسیب‌های فرهنگی در فضای مجازی عنوان کرده است. حسینعلی حاجی‌دلیگانی در گفت‌وگویی در خصوص آسیب‌های فضای مجازی، گفت: ۸۰ درصد از پهنای باند اینترنت کشور در اختیار خارجی‌هاست که این مسئله آسیب‌های فرهنگی فراوانی برای ما به همراه داشته است. این حضور گسترده خارجی‌ها در فضای اینترنت کشور، آسیب‌های جدی فراوانی به‌ویژه در حوزه مسائل خانوادگی، بحث فرزندآوری و ... داشته است. حاجی‌دلیگانی خاطرنشان کرد: نکته بااهمیت‌تر اینجاست که از بین این ۴۵۰ هزار سقط جنین در کشور ۱۲۵ هزار مورد به‌صورت غیرقانونی در کشور انجام می‌شود.^۲

دکتر محمد مهدی آخوندی، رئیس انجمن علمی جنین‌شناسی، در این مورد می‌گوید: «طبق آمار رسمی وزارت بهداشت، هر روز هزار جنین در کشور کشته می‌شود که تنها حدود ۱۰ مورد قانونی است! من البته آمار موثقی در مورد حدود ۷۰۰ هزار سقط در سال را هم دیده‌ام که در رسانه‌ها اعلام کردم و حتماً تاکنون این میزان بیشتر هم شده است. تازه این اعداد، آمار دقیق نیستند و همان‌گونه که گفتم، برداشت از قرائن و شواهد است. آمار دقیق قطعاً خیلی بیشتر از این اعداد است. این درحالی است که ما قانون داریم و می‌توان با اجرای درست آن، هم آمار کلی سقط را کاهش داد و هم از این تعداد سقط غیرقانونی با عوارض و تبعات شدید، جلوگیری کرد».^۳

مهمترین عامل در سقط عمدی باور والدین نسبت به موجودی است که در رحم مادر درحال رشد است؛ اگر والدین، او را موجود زنده، انسان بالفعل و دارای

۱. از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۲. پایگاه خبری تحلیلی بهار، تاریخ انتشار: ۲۷/۰۵/۱۳۹۹ کد مطلب: ۲۲۷۷۸۵.

۳. پایگاه خبری تحلیلی بهار، تاریخ انتشار: ۲۷/۰۵/۱۳۹۹ کد مطلب: ۲۲۷۷۸۵.

روح و حق حیات بدانند، هرگز نسبت به ختم زندگی این موجود تن نخواهند داد. سهم باورهای فردی و دینی بسیار مهم است. به موازات تقلیل ارزش‌های انسانی و اخلاقی و افزایش توحش و جاهلیت مدرن، سقط جنین افزایش می‌یابد؛ به‌رغم جوسازی‌هایی که می‌کوشند سقط جنین را به‌دلایل اقتصادی نسبت بدهند باید بگویم در تحلیل‌های آماری، فقر نقش تعیین‌کننده نداشته است، یا موضوع بارداری‌های مشروع یا خارج از عرف اجتماعی نیز چندان مهم نبودند.

بخش دردناک قضیه، این واقعیت است که نقش اباحه‌گرایی و مباح پنداشتن فعل حرام سقط بیش از همه دلایل دیده می‌شود که بخش زیادی از این تفکر متأثر از فرهنگ و تبلیغات سبک زندگی غربی در شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی آنهاست؛ بسیار دیده شده بانوانی که هیچ دلیلی برای سقط نداشتند و تنها دلیلشان این بوده که «بارداری‌ام برنامه‌ریزی شده نبود»! رفته‌رفته توهم مهم‌پنداری و تکبر از نقش و جایگاه خود در خلقت، ارزش‌های انسانی را در جهان به باد خواهد داد؛ اینجاست که باید گفت «ما عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمَ». اباحه‌گرایی منتج از نشر رفاه طلبی‌های سطحی از یک سوی و سهل‌نگری‌های قانونی از سوی دیگر و بی‌تفاوتی در حوزه فرهنگ نسبت به تبیین وجوه قُبَح این فعل از مهمترین عوامل این موضوع بوده است.

خیلی وقت‌ها مادارنی که دست به این اقدام می‌زنند، به آثار سوء جسمی و روحی بعد آن توجه ندارند. مادارنی بودند که بعد از این اقدام دیگر نتوانستند مادر شوند و حسرت مادر شدن در دلشان ماند. به‌ویژه در دورانی که سن و سالشان بالا رفته و نیاز شدید به داشتن فرزند برای رفع تنهایی داشتند فقط می‌توانستند بار حسرت بی‌فرزندی را به دوش بکشند. بسیاری از مادرها بودند که بعد از این کار دیگر از لحاظ روحی به قبل خود نرسیدند و همیشه این کابوس را با خودشان داشتند.

• پرورش احساس پیام با آمار و تصویرسازی

تلخ‌تر از آنچه گفته شد، واقعیت تلخ دیگری است که در قرن ۲۱ و تحت عنوان علم و تکنولوژی و تمدن، درحال انجام است و خبر از جاهلیت مدرن می‌دهد.

در دنیای امروز سونوگرافی و آمنیوسنتز به پدر و مادر اجازه می‌دهد تا از ماهیت جنسیت فرزند خود، قبل از زایمان آگاه شوند. پیشرفت این تکنولوژی به سقط جنین‌های انتخابی منجر شده است که سقط جنین با توجه به نوع جنسیت رویان انجام می‌شود. این نوع سقط انتخابی در مورد جنس ماده بسیار شایع است. عنوان می‌شود که انتخاب جنسی در سقط جنین ممکن است تا حدی مسئول نابرابری‌های قابل توجه بین نرخ تولد فرزندان پسر و فرزندان دختر، در بعضی از نقاط جهان باشد. اولویت برای داشتن کودکان پسر و استفاده از سقط جنین برای محدود کردن تولد دختران در بسیاری از نقاط آسیا از جمله چین، تایوان، کره جنوبی و هند گزارش شده است. محققان ادعا می‌کنند که بین سال‌های ۱۹۸۵ و ۲۰۰۵ فقط در هند در حدود ۱۰ میلیون جنین دختر مورد انتخاب سقط جنین قرار گرفته بودند.

در هند نقش اقتصادی مردان، هزینه‌های مرتبط با تأمین هزینه و همچنین وجود برخی نقش‌های فرهنگی سنتی که بر عهده مردان گذاشته شده است چون تشییع جنازه توسط خویشاوند نزدیک مرد، منجر به اولویت داشتن فرزند پسر به دختر شده است.

در میان ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا، سقط جنین در ۲۴ کشور در هفته‌های اول بارداری و اغلب تا پیش از هفته دوازدهم به‌طور کامل قانونی است و بنا به درخواست مادر صورت می‌پذیرد. با وجود این، در برخی کشورها همچون ایرلند شمالی، لهستان و فنلاند سقط جنین تنها تحت شرایط خاص صورت می‌گیرد.^۱

ما به ابعاد و بزرگی کار فکر نمی‌کنیم؛ مثلاً مادری که فرزندش را سقط می‌کند، نمی‌فهمد که دارد چه ظلمی می‌کند! یک بچه‌ی ناتوانی را می‌کشد که جز مادر پناهی نداشته و امیدش به پدر و مادر بوده است؛ نعمتی را می‌کشد که خدا داده و از او نسلی درست می‌شد؛ نمی‌فهمند چه ظلمی می‌کنند.

فاجعه‌انگیزتر این‌که طبق مستندهایی که منتشر شده، غربی‌ها - که برخی به الگوبرداری از آنها افتخار می‌کنند - از گوشت جنین، لوازم آرایشی تولید

۱. از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

می‌کنند و آن را جنسی مرغوب برای تولیدات خود می‌دانند. انسانی که از تعالیم وحی فاصله گرفته، به کجا می‌رسد؟! از جنین سقط شده بچه، لوازم آرایش تولید می‌کند تا مادر قاتل او با آن خود را زینت دهد و آرایش کند!

• رفتارسازی پیام با روش ارائه برنامه

وقتی سؤال می‌کنی که چرا سقط جنین می‌کنید؟ می‌گویند چون از مخارج آن می‌ترسیم؛ نمی‌توانیم هزینه‌های آن را بدهیم. این حرف‌ها آدم را یاد حرف‌های بت‌پرستان صدر اسلام و حرف جاهلیت قبل از اسلام می‌اندازد.

خدای متعال در این باره می‌فرماید:

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا»^۱.

فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید. این ما هستیم که آنان و شما را روزی می‌دهیم. یقیناً کشتن آنان گناهی است بزرگ.

زمان جاهلیت وقتی بچه به دنیا می‌آمد زنده به گورش می‌کردند؛ ولی حالا ما یک مرحله پیشرفته‌تر شده‌ایم؛ یعنی قبل از اینکه به دنیا بیاید، بچه را می‌کشیم. این دو نوع کشتن هیچ تفاوتی با هم ندارند؛ هر دو مظلومانه و به‌خاطر ترس از فقر کشته می‌شوند؛ پس در این خصوص تفاوتی بین ما و عرب جاهلیت نیست.

از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که وضع اقتصادی اعراب جاهلی آنقدر سخت و ناراحت‌کننده بوده که حتی گاهی فرزندان دل‌بند خود را از ترس عدم توانایی اقتصادی به قتل می‌رساندند. به‌رحال این يك توهم بیش نبود که پدر و مادرها روزی‌دهنده فرزندان هستند؛ خداوند اعلام می‌کند که این پندار شیطانی را از سر به در کنند و به تلاش و کوشش هرچه بیشتر برخیزند، خدا هم کمک نموده، زندگی آنها را اداره می‌کند.

قابل توجه اینکه ما از این جنایت زنده‌به‌گور کردن دخترچه‌های دوران

۱. کد خبر ۱۰۵۱۲۱ تاریخ انتشار: ۱۰ فروردین ۱۳۹۱ خبرگزاری مشرق.

کد خبر: ۱۹۶۱۹۱ تاریخ انتشار: ۱۳:۵۶ - ۲۵ تیر ۱۳۹۱ خبرگزاری snn (این ارجاع مربوط به کدام پاراگراف است؟)

۲. اسراء ۳۱.

جاهلیت وحشت می‌کنیم و آن را زشت و قبیح و وحشیانه می‌دانیم، درحالی‌که همین جنایت در شکل سقط جنین در مقیاس بسیار وسیع در عصر ما و حتی به اصطلاح در مرفقی‌ترین جوامع به بهانه‌های مختلف از جمله جلوگیری از افزایش جمعیت و کمبودهای اقتصادی انجام می‌شود.

تعبیر به «خشیه املاق» نیز اشاره لطیفی به نفی این پندار شیطانی است؛ در واقع می‌گوید این تنها يك ترس است که شما را به این خیانت بزرگ تشویق می‌کند، نه يك واقعیت؛ در ضمن باید توجه داشت که جمله «کان خطا کبیرا» با توجه به اینکه «کان» فعل ماضی است، اشاره و تأکید بر این موضوع است که قتل فرزندان گناهی است بزرگ که از قدیم در میان انسان‌ها بوده و زشتی آن در اعماق فطرت جای دارد؛ پس مخصوص به عصر و زمان خاصی نیست.^۱

ما برای اهل بیت (علیهم‌السلام) گریه می‌کنیم، ولی هنوز سبک زندگی را شبیه اهل بیت (علیهم‌السلام) نکرده‌ایم. باید تلاش کرد و زحمت کشید که سبک زندگی دشمنان اهل بیت (علیهم‌السلام) را پیش نگیریم.

راه حل این مشکل، تغییر سبک زندگی و تقویت ایمان است تا ترس از فقر ما را مجبور به این کار نکند. اینکه برخی می‌گویند از عهده مخارج بچه‌ها بر نمی‌آییم، بهانه است؛ مگر روزی بچه را پدر و مادر می‌دهند؟ روزی خود پدر و مادر را چه کسی می‌دهد؟ چقدر یتیم‌هایی که پدر نداشته‌اند و تاریخ‌ساز شده‌اند؛ نمونه‌اش پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و حضرت امام خمینی رحمه الله علیه.

• پرورش احساس موضوع با ایجاد احساس ترس

کسانی که فرزندان خود را می‌کشند، توجه ندارند که مرتکب چه جنایتی می‌شوند؛ اینها با کشتن یک فرزند، یک نسل را از بین می‌برند؛ هر بچه یک نسل در زمین به وجود می‌آورد که با کشتن او، نسل از بین می‌رود؛ همان‌گونه که امروز ما سادات حسینی مثل رهبر معظم انقلاب داریم؛ سادات حسینی مانند سیدبن طاووس داریم؛ اما کسانی که حضرت محسن را پشت در خانه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کشتند،

۱ تفسیر نمونه ج: ۱۲ ص: ۱۰۱

نسل سادات محسنی را از بین بردند.

در زیارت عاشورا می‌خوانیم «اللَّهُمَّ الْعَنُ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ» یعنی لعنت کن اولین ظالمان به اهل بیت (ع) و هرکسی که از آنها تبعیت کند؛ آنها فرزند حضرت زهرا (ع) را کشتند و تابعین آنها محبان حضرت زهرا (ع) را (با سقط جنین) می‌کشند.

ظلمی که اینها در حق حضرت زهرا (ع) کردند، ظلم بزرگی بود؛ اینجا قتل یک سوم سادات رخ داد؛ کشتن حضرت محسن که پیغمبر مکرم اسلام برایش نام گذاشته بود. «هانی بن هانی» روایت می‌کند که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «هر بار پس از ولادت پسران فاطمه (ع)، خدمت رسول خدا (ص) می‌رسیدم تا نامی برای آنها انتخاب کنند؛ ایشان پسران فاطمه (ع) را حسن، حسین و مُحَسِّن نامید»^۱ پیامبر اکرم (ص) اسم این فرزند را محسن گذاشته بود؛ یعنی بسیار بخشنده، کریم، نیکوکار و ...

ظلمی که آنها با شهادت مظلومانه حضرت محسن در حق اهل بیت انجام دادند، یک سوم سادات را کشتند؛ از نسل امام حسین (ع) سیدعلی خامنه‌ای‌ها آمدند؛ از نسل حضرت محسن چه شیعیانی پا به این دنیا می‌گذاشتند؟ گاهی ما متوجه ظلم نیستیم و کاری را ساده می‌پنداریم؛ به‌راستی «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمَى وَ يُصِمُّ»^۲ واقعا که این هوای نفس آدم را کور و کر می‌کند. «مُفَارِقَةٌ لِأَخْلَاقٍ أَغْدَائِكَ» یعنی من از سبک زندگی دشمنان شما بیزارم؛ من مرام شما اهل بیت (ع) را می‌پسندم. اگر توجه نداشته باشیم و سبک زندگیمان را اصلاح نکنیم، به‌هر بهانه‌ی کم‌اهمیتی به سقط جنین فکر می‌کنیم.

• رفتارسازی موضوع با ارائه برنامه

شاید به ذهن بعضی از شما عزیزان برسد که کسی که وسع مالی ندارد و خدا به او فرزندی می‌دهد چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ قرآن پاسخ قشنگی به این

۱. «المستدرک» جزء ۳ ص ۱۸۰.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص: ۳۸۰ عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص: ۱۲۴.

سؤال می‌دهد؛ خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

«وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۱. او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ هرکس بر خدا توکل کند، خدا امر او را کفایت می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ به یقین خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

پیramون این آیه شریفه پیامبر اکرم ﷺ مطالبی به اباذر (صحابی جلیل‌القدر) می‌فرمایند که شنیدنی و عمل کردنی است.

«قال الرسول ﷺ: يَا أَبَاذَرٍّ (رحمة الله عليه) إِنْ سَرَكْتَ أَنْ تَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَإِنْ سَرَكْتَ أَنْ تَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَاتَّقِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَإِنْ سَرَكْتَ أَنْ تَكُونَ أَعْنَى النَّاسِ فَكُنْ بِمَا فِي يَدَيِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَوْثَقُ مِنْكَ بِمَا فِي يَدَيْكَ يَا أَبَاذَرٍّ (رحمة الله عليه) لَوْ أَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَخَذُوا بِهَذِهِ الْآيَةِ لَكَفَتْهُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۲.

پیامبر ﷺ: ای اباذر (رحمة الله عليه) اگر می‌خواهی که قوی‌ترین مردم باشی بر خدای متعال تکیه و توکل کن و اگر می‌خواهی که گرامی‌ترین مردم باشی از خدا بترس و اگر دوست داری که غنی‌ترین مردم باشی به آنچه نزد خداست امیدوارتر باش از آنچه در اختیار و در دست توست. یا اباذر (رحمة الله عليه) اگر همه‌ی مردم به این آیه عمل کنند، خداوند همه‌ی آن‌ها را کفایت کند؛ «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۳.

• روضه

اگر با نفس مبارزه نکردیم و تابع هوای نفس شدیم؛ یک جایی هوای نفس چشم‌ها را کور می‌کند و مرتکب ظلم‌های نابخشودنی می‌شویم؛ همان‌گونه که کار

۱. سوره طلاق آیه ۳ و ۴.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۶ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۸۸.

۳. طلاق، آیه ۲ و ۳.

دشمنان حضرت زهرا (علیها السلام) به اینجا رسید.

«مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقٍ أَعْدَائِكَ» باید از اخلاق دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) دوری کرد. خیلی نامرد بودند؛ آنقدر هوای نفس داشتند که نفهمیدند و نگاه نکردند که پشت در، دختر باردار پیامبر خداست؛

من یک دعا از علی علیه السلام نقل می کنم و وارد توسلم می شوم.

وقتی حضرت زهرا (علیها السلام) از دنیا رفته بودند و جنازه روی زمین بود، حضرت امیرالمؤمنین امام علی کنار پیکر مطهر حضرت زهرا (علیها السلام) ایستادند و اینگونه دعا کردند: «لَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ (علیها السلام) قَامَ عَلَيْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام)» «وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي رَاضٍ عَنِ ابْنَةِ نَبِيِّكَ» خدا! من از دختر پیغمبرت راضی هستم. «اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ أَوْحَشَتْ فَأَنْشَسَهَا» خدا! اکنون که فاطمه تنها شده، تو خودت همدم او باش. «اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ هُجِرَتْ فَصَلِّهَا» خدا! فاطمه جدا شد، ولی تو وصلش کن. آخرین جمله اش این است: «اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ ظَلَمَتْ فَأَحْكُمْ لَهَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» خدا! به فاطمه ستم شد، خودت داد او را و برستان که تو بهترین دادستانی.

علی چه می خواهد بگوید؟ یک ستم این بود که فدکش را غصب کردند. من سراغ آن نمی روم. اما ستم بالاتر چه بود؟ من روایتی را نقل می کنم که از خود فاطمه (علیها السلام) نقل شده است.

حضرت می فرمایند: من پشت در بودم. در خانه ام را آتش زدند؛ شعله آتش زبانه می کشید؛ «وَرَكَلَ الْبَابُ بِرَجْلِهِ فَرَدَّهُ عَلَيَّ»؛ چنان لگدی به این در نیم سوخته زد که روی من افتاد؛ «وَأَنَا حَامِلٌ»؛ درحالی که من باردار بودم؛ «فَسَقَطْتُ لَوْجِي» با صورت به زمین خوردم... دراین حال فاطمه دو نفر را صدا کرد. اول گفت: «يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَكَذَا كَانَ يُفْعَلُ بِحَبِيبَتِكَ وَ ابْنَتِكَ»؛ ای پدر، آیا با دختری این طور رفتار می کنند؟ نفر دوم فضا بود؛ گفت: «أَوْ يَا فَضَّةُ إِلَيْكَ فَخُذِيْنِي! فَقَدْ وَ اللَّهِ قُتِلَ مَا فِي أَحْشَائِي مِنْ حَمَلٍ» فضا بیا، محسنم را کشتند...



موضوع: سبک زندگی دشمنان حضرت زهرا علیها السلام ۲

پیام: مظلوم‌ترین مقتول‌ها جاهلیت مدرن





● خطبه :

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ إِجْلَالًا لِقُدْرَتِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خُضُوعًا لِعِزَّتِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ»^۱

● انگیزه‌سازی موضوع با روش تقسیم

خداوند متعال در آیاتی از قرآن گروه‌هایی از مردم را لعن می‌کند؛ یکی در آیه ۵۷ سوره احزاب که در مورد دشمنان حضرت زهرا علیها السلام و لعن کردن آنهاست، خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا»^۲. آنان که خدا و رسول را (به عصیان و مخالفت) آزار و اذیت می‌کنند، خدا آنها را در دنیا و آخرت لعن کرده (و از رحمت خود دور گرداند) و بر آنان عذابی با ذلت و خواری مهیا ساخته است.

چرا این آیه شریفه در مورد دشمنان حضرت زهرا علیها السلام است؛ چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«قَوْلُهُ إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا قَالَ نَزَلَتْ فِيمَنْ عَصَبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقَّهُ وَ أَخَذَ حَقَّ فَاطِمَةَ وَ آذَاهَا وَ قَدْ

۱ الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴، منقول از امام رضا علیه السلام.

۲ احزاب، ۵۷.

قَالَ النَّبِيُّ مَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي كَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي وَ مَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي كَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي وَ مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ^۱.
پیامبر اکرم ﷺ در مورد آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» فرمودند: این آیه درباره‌ی کسانی نازل شده است که حقّ علی را غصب نمودند و حقوق فاطمه را زیر پا نهاده و او را اذیت نمودند؛ که پیامبر فرموده است: «هرکه فاطمه را در زمان حیات من اذیت و آزار نماید مثل آن است که او را بعد از مرگ من مورد اذیت قرار داده باشد و کسی که او را بعد از مرگم مورد آزار قرار دهد مثل آن است که او را در زمان حیات من اذیت کرده باشد و هرکه او را آزار رساند مرا اذیت کرده و هرکه مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است.

● اقناع اندیشه موضوع با استقراء قرآنی روایی

دومین گروهی که خدا در قرآن آنها لعنت کرده، ظالمین هستند؛ در سوره غافر می‌فرماید:

«يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ^۲» همان روزی که عذرخواهی ستمکاران سودشان ندهد و برای آنان لعنت خدا و سرای سخت و بدی است.

ظلمی که در آیه شریفه عقوبت سختی برای آن در نظر گرفته شده است، دارای انواعی است:

گاهی انسان با انجام یک گناه به خودش ظلم می‌کند؛ خداوند متعال در قرآن درباره مناجات حضرت موسی عليه السلام می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^۳ (موسی) گفت پروردگارا من بر خویشتم ستم کردم؛ مرا ببخش؛ پس خدا از او درگذشت که وی آمرزنده مهربان است.
این بیان قرآن می‌خواهد به ما یاد بدهد که به خود هم ظلم نکنیم؛ اگر به

۱. همان.

۲. غافر، ۵۲.

۳. قصص، ۱۶.

خود هم ظلم کردید، باید سریع توبه کنید. اسلام می گوید به خودت هم ظلم نکن؛ به دیگران که به هیچ وجه؛ چون ظلم به دیگران، حق الناس است؛ حق الناس گرفتاری سخت قیامت را به دنبال خواهد داشت. در روایت نقل شده است یک زمانی رسول الله ﷺ در جمع اصحاب فرمودند:

«اتَذَرُونَ مِنَ الْمُفْلِسِ؟»

«آیا می دانید مفلس کیست؟» گفتند: از نظر ما مفلس کسی است که درهم و کالایی (ثروت نقدی و غیرنقدی) ندارد. پس رسول الله ﷺ فرمود:

«إِنَّ الْمُفْلِسَ مِنْ أُمَّتِي مَنْ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصَلَاةٍ وَصِيَامٍ وَزَكَاةٍ وَيَأْتِي وَقَدْ شَتَمَ هَذَا وَقَذَفَ هَذَا وَ أَكَلَ مَالَ هَذَا وَسَفَكَ دَمَ هَذَا وَ ضَرَبَ هَذَا، فَيُعْطَى هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ وَ هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، فَإِنْ فُتِنَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يُقْضَى مَا عَلَيْهِ، أَخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطَرَحَتْ عَلَيْهِ، ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ»^۱

«مفلس در امت من کسی است که روز قیامت با انبوهی از اعمال نیک، مانند نماز و روزه و زکات حاضر می شود؛ ولی فلانی را دشنام داده و به آن یکی تهمت زده و مالِ این را خورده و خونِ آن یکی را ریخته و فلانی را زده است. از این رو از نیکی هایش به هریک از اینها داده می شود و اگر نیکی هایش پیش از ادای بدهی هایش تمام شد، از بدی های آنان کسر می گردد و به حساب او منظور می شود و سپس او را در آتش دوزخ می اندازند.»

واقعیت این است که حق الناس آدم را بیچاره می کند؛ حتی اگر به اندازه یک مثقال ذره ای از خردلی باشد؛ قرآن می فرماید همان ذره هم قیامت مورد محاسبه قرار خواهد گرفت.

خداوند متعال در سوره لقمان می فرماید: «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ».^۲

پس بگو! اگر عمل هم وزن دانه خردلی و در درون سنگی یا در آسمان ها، یا در

۱. شرح الکافی، الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی) ج ۱، ص ۳۱۳.

۲. لقمان، ۱۶.

دل زمین باشد، خدا آن را [در قیامت برای حسابرسی] می‌آورد؛ یقیناً خدا لطیف و آگاه است.

• پرورش احساس موضوع

ظلم به دیگران، به عنوان حق الناس، خودش دارای درجات متفاوتی است و شدت و ضعف دارد؛ یک وقت شما به یک مرد توانمند ظلم می‌کنید؛ ولی یک وقت به یک پیرمرد ضعیف ظلم می‌کنید؛ کدام یک زشت‌تر و قبیح‌تر است؟ قطعاً اینها با هم متفاوت هستند؛ هرکسی مشاهده کند قطعاً می‌گوید ظلم به پیرمرد ناتوان بیشتر و بزرگ‌تر است. حالا یک وقت هم به یک زن باردار و بی‌پناه ظلم می‌شود؛ در مقایسه ظلم به پیرمرد با ظلم به یک زن باردار بی‌پناه، ظلم به کدام شدیدتر و قبیح‌تر است؟ بالاتر از اینها یک وقت به زن باردار و بی‌پناهی که دختر پیغمبر است ظلم می‌کنند؛ پیغمبری که ۲۳ سال برای این امت زحمات فراوان کشیده و محبت به دخترش اجر و مزد نبوت قرار داده شده است؛ همسر امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ مادر حسن و حسین علیهما السلام که سرور جوانان اهل بهشت هستند؛ این ظلم بسیار بیشتر از آن چیزی است که ما تصور می‌کنیم. در زیارت عاشورا می‌گوییم:

«يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكُمْ [عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ]»^۱ مصیبت به واسطه تو بر ما عظمت و جلالت یافته؛ نه اینکه مصیبت تو فقط بر ما عظمت دارد، بلکه این مصیبت برای همه آسمانی‌ها بزرگ است.

چرا اینقدر مصیبت کربلا بزرگ است؛ چون ظلمی که در آن واقع شده است خیلی بزرگ است. همان‌طور که امام حسین علیه السلام هنگام وداع آخر در کلامی به امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند:

۱. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، زیارت عاشورا

«یا بُنَّیَّ اِیَّاكَ وَ ظُلْمَ مَنْ لَا یَجِدُ عَلَیْكَ نَاصِراً اِلَّا اللّٰهَ»^۱ ای فرزندم، از ظلم به کسی که در برابر تو، هیچ یاری کننده‌ای به جز خداوند ندارد، بر حذر باش. چرا می‌فرماید از این ظلم بترس؟ چون خدا آن بنده را یاری می‌کند و تو بیچاره می‌شوی. بنابراین از جمله ظلم‌هایی که دین ما گفته بترسید، ظلم به کسی است که جز خدایاوری ندارد.

• انگیزه‌سازی پیام

یکی از مصداق‌های ظلم به کسی که جز خدا کسی را نداره و ما معمولاً توجهی به آن نمی‌کنیم و اگر مرتکب این ظلم بشویم دامن‌گیر ما خواهد شد، همین سقط جنین هست. ظلمی که روزانه هزار نفر در کشور خودمان و در اطراف ما بی‌رحمانه در حال انجام است؛ مقتولین مظلومی که هیچ‌گاه در این دنیا برای آنها دادگاهی تشکیل نمی‌شود و پلیس قاتلان آنها را (والدین) تحت تعقیب قرار نمی‌دهد؛ با اینکه تعداد این مظلومان بسیار زیاد هم هست، ولی صدای مظلومیت آنها از هیچ رسانه‌ای پخش نمی‌شود؛ مصداق واقعی این روایت اینها هستند.

• افق‌اندیشه پیام

جالب اینکه طی تحقیقی که خانم رازقی نصرآباد^۲ و خانم الهام سنجری^۳ انجام داده‌اند و به صورت مقاله علمی منتشر کرده‌اند، عوامل مؤثر بر این جنایت را به شرح ذیل مشخص کردند:

در این مقاله، دلایل و نحوه اقدام به سقط جنین عمدی بررسی شد. مطالعه از نوع کیفی است و داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق با ۵۰ زن که تجربه سقط جنین عمدی داشتند، در تیر و مرداد سال ۱۳۹۳ جمع‌آوری شد. مصاحبه با افراد تا اشباع نظری ادامه یافت. یافته‌ها نشان داد دو گروه از زنان برای سقط

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۳۱.

۲. استادیار جمعیت‌شناسی، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

۳. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی

مراجعه می‌کنند: گروهی از زنان بدون فرزند که شامل دختران مجرد یا زنانی که در دوران عقد و نامزدی بسر می‌برند. گروه دوم زنانی بودند که دارای فرزند هستند. بر اساس یافته‌های این مطالعه، سقط جنین در فرایندی از ارزیابی هزینه - فایده و اجتناب از خطرات و آسیب‌های احتمالی در آینده رخ می‌دهد. در شرایطی - نظیر فرزندآوری خارج از عرف، اعتیاد همسر، اختلافات خانوادگی، احساس ناامنی در زندگی مشترک، مشکلات مالی و اقتصادی، مشارکت کم مردان در امور خانه و بچه‌داری و ناسازگاری کار و فرزندآوری، - هزینه‌های (مادی و غیر مادی) ادامه حاملگی و تولد فرزند ناخواسته، بیشتر از هزینه‌های سقط جنین ارزیابی می‌شود و افراد، سقط جنین را کنشی عقلانی و برای اجتناب از پیامدها و آسیب‌های احتمالی در آینده در نظر می‌گیرند.^۱

در همه موارد فوق تقریباً عامل مشترکی که پدر و مادر را به سمت کشتن کودک بی‌گناه می‌برد، سوء ظن به خدا و نگرش غیر الهی به موضوعات است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

«وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا»^۲.

و [نیز] مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می‌برند مجازات کند [آری] حوادث ناگواری [که برای مؤمنان انتظار می‌کشند] تنها بر خودشان نازل می‌شود! خداوند بر آنان غضب کرده و از رحمت خود دورشان ساخته و جهنم را برای آنان آماده کرده و چه بد سرانجامی است!

الكاظمين: «وَاللَّهُ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قُطٌّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحَسَنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَرَجَائِهِ مِنْهُ وَحُسْنِ خُلُقِهِ وَ الْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِيْمُ اللَّهِ لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ مُؤْمِنًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ إِلَّا أَنْ يُسَيِّءَ الظَّنَّ بِاللَّهِ وَ تَقْصِيرَهُ مِنْ رَجَائِهِ وَ سُوءَ خُلُقِهِ وَ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ وَ اللَّهِ لَا يُحْسِنُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ ظَنًّا بِاللَّهِ إِلَّا كَانَ

۱. عوامل مؤثر بر اقدام زنان به سقط جنین عمدی: تجربه زیسته زنان از سقط جنین در تهران، رازقی نصرآباد،

الهام سنجری <https://civilica.com/doc/889351/>

۲. سوره فتح، آیه ۶.

اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّهِ بِهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي أَنْ يُخْلِفَ ظَنَّ عَبْدِهِ وَرَجَاءَهُ فَأَحْسِنُوا الظَّنَّ بِاللَّهِ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوءِ»^۱

امام کاظم(ع) می فرماید: به خداوند سوگند! هر مؤمنی که به خیر دنیا و آخرت رسید فقط به خاطر حُسن ظن به خداوند بود و با امیدواری و حسن خلق به آن مقام رسید و غیبت مردم را نکرد و زبان به بدگویی کسی نگشود. به خداوند سوگند! پروردگار، مؤمنی را که توبه و استغفار کرده باشد، عذاب نمی کند. مگر اینکه به خداوند سوءظن داشته و به خدا امیدوار نبوده و از مؤمنان غیبت کرده باشد. به خدا سوگند! هر مؤمنی که به خدا حسن ظن داشته باشد، خدا به حسن ظن او عمل می کند. خداوند از اینکه حسن ظن و امید بنده‌ی مؤمن خود را بر نیآورد و او را ناامید کند، حیاء می کند. اینک به خداوند حسن ظن داشته و مشتاق باشید که خداوند در قرآن فرموده است:

«الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوءِ»^۲

حسن ظن به خدا، روزی انسان را زیاد می کند؛ بسیاری از مشکلاتی که افراد از ترس آنها فرزندان خود را از بین می برند اصلاً اتفاق نمی افتد؛ اگر هم باشد خداوند متعال به سلامت و عافیت آدم را از آنها عبور می دهد.

• پرورش احساس پیام

می گویند نادر شاه افشار وقتی می خواست برای جنگ با هندی ها حرکت کند، همان اولین روزی که از لشکرگاه حرکت کرد، چشمش به پسر بچه ای افتاد که یک قرآن زیر بغل زده و با شتاب به طرف مکتب می رود. شاه فال خوب زد و گفت: پسر جان بیا! پسرک آمد؛ گفت: اسمت چیست؟ گفت: فتح الله. فال خوبی زد؛ فتح خدا. بارک الله پسر! اسم پدرت چیست؟ گفت: حاج نصرالله. گفت: به به؛ نصر خدا و فتح خداست. گفت: بگو ببینم از قرآن چه می خوانی؟ گفت: سوره ی «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا»؛ ما برای تو فتح آشکاری فرمودیم. شاه باز فال خوبی زد و یک مشت سکه به او داد.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۴۸ / بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۸۸.

۲. فتح، آیه ۶.

پسر بچه دو دستش را گرفت و هر دو دستش پر شد؛ حالا عوض خوشحالی، شروع به گریه کرد. یکی از اطرافیان پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ بچه گفت برای اینکه اگر به منزل برگردم و مادرم این سکه‌ها را در دست من ببیند، حسابی مرا کتک می‌زند و می‌گوید: این سکه‌ها را از کجا دزدیده‌ای؟ آن مرد گفت: این‌که راه حل دارد؛ بگو اعلیٰ حضرت نادر شاه مرحمت کرده است. پسر بچه گفت: من می‌توانم این حرف را بزنم، ولی مادرم باور نمی‌کند و خواهد گفت: اگر شاه بخشش کرده بود با کیسه می‌بخشید؛ بخشش شاه که این قدر نیست. شاه خنده‌اش گرفت و یک کیسه طلا به او بخشید و با مأمور فرستاد در خانه‌اش.

خاک بر فرق من و تمثیل من؛ خدا خیلی جواد است؛ اگر شنیدی که خداوند متعال به یک صلوات امتی را بخشید تعجب نکن. اگر شنیدی که با دو بار «یا کریم العفو»؛ گفتن پیغمبر اکرم صلوات الله علیه و آله جبرئیل نازل و عرضه داشت که «یا کریم العفو»؛ اول را که گفتم، صلحای امت تو بخشیده شد و با «یا کریم العفو» دوم، مذنبین امت هم بخشیده شد. دیگر نگو! اگر این دفعه بگویی کفار هم بخشیده می‌شوند؛ او هم اطاعت کرد و نگفت. «یا مَنْ يُعْطَى الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ»؛ ای خدایی که عطا می‌کنی پادشاهای فراوان در مقابل عمل‌های کم. این نماز ما چه هست؟ روزه گرفتن ما چه هست؟ اعتکاف ما چه هست؟ قرآن خواندن ما چه هست؟ هیچ است، ولی خداوند ارحم الراحمین است.

«یا مَنْ يُعْطَى مَنْ سَأَلَهُ»؛ ای خدایی که پادشاهای فراوان در مقابل کسی که فقط دعا کرده عطا می‌کنی؛ عمل هم ندارد، فقط گدایی کرده؛ الله اکبر! چقدر خداوند کریم است! چقدر خداوند رحمت و تفضل دارد! به صرف این‌که بنده‌اش گدایی کند و در خانه خدا دستش را بلند کند و بگوید: «یا الله یا الله یا الله»، خداوند متعال دستش را خالی بر نمی‌گرداند.

تو مگو ما را بدان شه بار نیست
با کریمان کارها دشوار نیست

• رفتارسازی پیام

در زندگی، در تعامل با همسر و فرزندان، در تعامل با کارگر و همسایه و ... مراقب ظلم باشیم؛ اجازه ندهیم ایمانمان به ظلم آلوده شود؛ قرآن می‌فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»^۱

کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی [چون شرک] نیامیختند، ایمنی [از عذاب] برای آنان است و آنان راه یافتگانند.

تقابل سبک زندگی اهل بیت (علیهم‌السلام) با سبک زندگی آمریکایی را ببینید؛ در سبک زندگی دشمنان اهل بیت (علیهم‌السلام) هیچ اشکالی ندارد که برای فروش اسلحه و کسب سود اقتصادی، میلیون‌ها انسان بی‌گناه در یمن، افغانستان، عراق و سوریه و فلسطین قتل عام بشوند؛ اما در سبک زندگی اهل بیت (علیهم‌السلام) حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«وَاللَّهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاقِهَا عَلَى أَنْ أُعْصِيَ اللَّهُ فِي نَمَلَةٍ أَشْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ، مَا فَعَلْتُهُ»^۲

به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم و هفت آسمان را به من دهند تا خدا را معصیت کنم، حتی به اندازهٔ ربودن پوست جو از دهان یک مورچه، چنین نخواهم کرد.

من و شما عاشقان و پیروان این چنین آقایی هستیم؛ انتظار از ما پیروان خیلی بالاست؛ آن بچه‌ای که سقط می‌شود نیز از محبان حضرت امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) است؛ مسلمان است؛ سقط او حکم قتل نفس مؤمنه را دارد. حتی اگر هنوز روح در آن دمیده نشده باشد. از رهبر معظم انقلاب (زید عزه) سؤال کردند: آیا از بین بردن نطفه منعقدشده‌ای که در رحم مستقر شده، قبل از رسیدن به مرحله علقه که تقریباً چهل روز طول می‌کشد، جایز است؟ و اصولاً در کدامیک از مراحل ذیل سقط جنین حرام است: ۱. نطفه استقرار یافته در رحم؛ ۲. علقه؛ ۳. مضغه؛ ۴. عظام (قبل از دمیدن روح).

۱. سوره انعام آیه ۸۲.

۲. نهج‌البلاغه خطبه ۲۲۴.

پاسخ: از بین بردن نطفه بعد از استقرار آن در رحم و همچنین سقط جنین در هیچ یک از مراحل بعدی جایز نیست.^۱
حکم قتل نفس مؤمنه در قرآن این گونه ذکر شده است:
«مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا».^۲
به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه ی انسان ها را کشته است.

• رفتارسازی موضوع

طبق روایت نبوی، قاتل نفس مؤمنه هم یکی از کسانی است که مورد لعنت خدای متعال می باشد و از رحمت خدا دور است؛
«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) مَنْ أَخَذَتْ حَدَثًا أَوْ آوَى مُخْدِتًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَلَا يُقْبَلُ مِنْهُ صَرْفٌ وَلَا عَدْلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ﷺ) مَا الْحَدَثُ قَالَ: مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ مَثَلَ مِثْلِهِ بِغَيْرِ قَوْدٍ أَوْ ابْتَدَعَ بِدْعَهُ بِغَيْرِ سُنَّةٍ أَوْ انْتَهَبَ نَهْيَهُ ذَاتَ شَرْفٍ قَالَ فَقِيلَ مَا الْعَدْلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صل الله عليه وآله) قَالَ الْفُدْيَةُ قَالَ فَقِيلَ فَمَا الصَّرْفُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ﷺ) قَالَ التَّوْبَةُ».^۳

پیامبر اکرم (ﷺ) فرمودند: هرکس چیزی جدید، ایجاد کند (بدعت گذارد) یا بدعت گذاری را پناه دهد، لعنت خدا و فرشتگان و تمامی مردم بر او باد و روز قیامت بازگشت و انصرافی از او پذیرفته نگردد؛ عرض شد: «ای رسول خدا (ﷺ) «حدث» چیست؟ حضرت فرمودند: «اینکه کسی بدون آنکه حق قصاص داشته باشد، انسانی را بکشد، یا بدون داشتن حق قصاص، بدن کسی را قطعه قطعه کند، یا بدعتی پدید آورد بدون آنکه دلیلی از سنت داشته باشد و یا آبروی مرد شرافتمندی را ببرد». عرض

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) سوال

۱۲۶۴.

۲. سوره مائده، ۳۲.

۳. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۴، ص ۱۰ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۶۶.

شد: «ای رسول خدا (ﷺ)! پس عدل چیست؟ فرمودند: «فدیه (تاوان)». شخص دیگری پرسید: ای رسول خدا! «صرف» چیست؟ فرمود: «توبه».

مؤمن باید بصیرت داشته باشد و تحت تأثیر تبلیغات دشمنان دین خدا قرار نگیرد؛ وگرنه به انواع ظلم مبتلا خواهد شد؛ همان‌طور که عده‌ای در ماجرای ظلم به حضرت زهرا (علیها السلام) شریک در این ظلم شدند؛ چون فریب خوردند. در صدر اسلام هم با فریبکاری، برخی نگذاشتند ظلم عظیمی که به دختر پیامبر شد برای همه مسلمانان بر ملا بشود؛ به همین خاطر هم حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) وصیت کردند شبانه مرا دفن کنید؛ قبرم پنهان بماند که تا قیامت همه بدانند چه ظلم بزرگی به دختر پیامبر شد و دلیلش چه بود.

• روضه

وقتی حضرت احساس کرد که دیگر هنگام رحلتش فرا رسیده، ام‌ایمن و اسما را دنبال امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرستاد؛ امیرالمؤمنین حاضر شدند. حضرت زهرا (علیها السلام) به امیرالمؤمنین عرضه داشتند: احساس می‌کنم که خدا دیگر مرا دعوت کرده و همین ساعت‌ها به پدرم ملحق می‌شوم. اموری را در قلب و سینه‌ام نگه داشته‌ام که می‌خواهم آنها را با شما در میان بگذارم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

دختر رسول خدا، آنچه در دل داری، با من در میان بگذارید و وصیت‌هایتان را بفرمایید. نقل است: «فَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهَا وَ أَخْرَجَ مِنْ كَانَ فِي الْبَيْتِ ثُمَّ قَالَتْ يَا ابْنَ عَمِّ مَا عَهْدْتَنِي كَاذِبَةً وَلَا خَائِنَةً وَلَا خَالَفْتُكَ مُنْذُ عَاشَرْتَنِي فَقَالَ عَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَأَبْرُؤُ أَتَقِي وَ أَكْرَمُ وَأَشَدُّ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ مِنْ أَنْ أُؤَيِّحَكَ بِمُخَالَفَتِي»^۱.

امیرالمؤمنین بالای سر حضرت زهرا نشستند. آخرین ساعات بی‌بی دو عالم است؛ هرکه در اتاق و خانه بود، بیرون فرستادند. فاطمه زهرا (علیها السلام) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرضه داشت:

«يَا ابْنَ عَمِّ مَا عَهْدْتَنِي كَاذِبَةً وَلَا خَائِنَةً وَلَا خَالَفْتُكَ مُنْذُ عَاشَرْتَنِي». تو در دوره‌ای که با من بودی، مرا دروغ‌گو نیافتی. من به تو خلاف نگفتم. در حق تو

۱. بحار الأنوار، مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۹۱، باب ۷، ما وقع عليها من الظلم و بكانها...، ص ۱۵۵.

خیانت نکردم. در هیچ امری با تو مخالفت نکردم.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: دختر رسول خدا، به خدا پناه می‌برم، این حرف‌ها چیست که می‌زنید؟

«فَقَالَ عَمَّاذُ اللَّهِ أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَأَبْرُ وَأَتْقَى وَأَكْرَمُ وَأَشَدُّ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ مِنْ أَنْ أُوتِخَلَ بِمُخَالَفَتِي».

دختر رسول خدا، تو خداشناس‌تر از این حرف‌ها و متقی‌تر از این درجات هستی. درجات تو بالاتر از این‌هاست. تو نزد خدا خائف و گرامی هستی؛ درجات تو بالاتر از این‌هاست که من بخواهم فردای قیامت از تو حساب بکشم و بگویم: چرا با من مخالفت کردی و شأن شما رفیع‌تر از این حرف‌هاست که بخواهی من از تو راضی شوم. بعد امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«قَدْ عَزَّ عَلَيَّ مُفَارَقَتُكَ وَ تَفَقُّدُكَ إِلَّا أَنَّهُ أَمْرٌ لَا بُدَّ مِنْهُ وَاللَّهُ جَدَّدَتْ عَلَيَّ مُصِيبَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَ قَدْ عَظُمَتْ وَفَاتُكَ وَ تَفَقُّدُكَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَفْجَعَهَا وَ أَلَمَهَا وَ أَمْضَاهَا وَ أَخْرَجَهَا هَذِهِ وَاللَّهُ مُصِيبَةُ لَا عَزَاءَ لَهَا وَ رِزْيَةٌ لَا خَلْفَ لَهَا ثُمَّ بَكَيْتُ جَمِيعاً سَاعَةً وَ أَخَذْتُ عَلَى رَأْسِهَا وَ صَمَمْتُ إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ أَوْصِيْنِي بِمَا شِئْتُ»

جدایی تو برای من خیلی سخت است. مصیبت پیغمبر با رفتن شما دوباره برای من زنده شده است. مصیبتی که برای امیرالمؤمنین فاجعه‌آمیز و ناگهانی است. چقدر تلخ و سخت است. کسی جز خدا سختی این مصیبت را نمی‌داند. چقدر این مصیبت مرا غصه‌دار کرده. این مصیبتی است که نمی‌شود جبران کرد.

ساعتی امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا در این خلوت گریستند. امیرالمؤمنین سر فاطمه را از روی بستر برداشتند و به سینه چسباندند. بعد فرمودند: فاطمه جان! هر وصیتی داری، بفرما. اگر چه من مأمور به صبرم، ولی خواهی دید که وصیت تو را عملی می‌کنم. در این امر مأمور به صبر نیستم. هر چه وصیت کنی، وفا می‌کنم. بعد بی‌بی دو عالم وصیت کردند و فرمودند: علی جان! برای من تابوتی درست کن و بدن مرا در تابوت قرار بده. بعد شکل تابوت را ترسیم کردند. شاید برای این بود که این پیکر نحیف و چیزی که جز یک سایه از آن نمانده، مقابل چشم امیرالمؤمنین (علیه السلام) و عزیزانش قرار نگیرد. بعد فرمود: علی جان! وصیت من این است که آنهایی که ظلم کردند، نباید در تشییع جنازه

من حاضر شوندم. شبانه خودت مرا غسل بده و خودت مرا کفن کن و مخفیانه بدن مرا بردار و خودت مرا در قبر بگذار. وقتی روی قبر مرا پوشاندی، مقابل صورت من بنشین و در تاریکی شب برای من قرآن تلاوت کن. بعد فرمودند:

«وَأَنَا أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ تَعَالَى وَأُوصِيكَ فِي وَلَدِي خَيْرًا ثُمَّ صَمَّتْ إِلَيْهَا أُمَّ كُلُّوْمُ»^۱.
 تو را به خدا می سپارم. مراقب فرزندانم باش. ایشان دختر کوچکش را در آغوش گرفت و آخرین وداع را با این دختر کرد و فرمود: علی جان! وقتی این دخترم به سن رشد رسید، آنچه در منزل دارم، به این دخترم بسپارید.

سپس امیرالمؤمنین و حسنین را به مسجد فرستاد. در بعضی مقاتل هست که خودش با حسنین به مسجدالنبی رفت و دو رکعت نماز خواند. روز آخر حضرت از جا برخاستند و بعد به حسنین فرمود: عزیزانم! شما پیش پدرتان بمانید و خودش به منزل برگشت. ایشان به اسما فرمود: من داخل حجره می شوم. در بعضی نقل ها دارد که نماز مغرب را خواندند و فرمودند: اسما من داخل حجره می شوم. بعد از ساعتی بیا و مرا صدا بزن. اگر دیدی که جواب ندادم، امیرالمؤمنین(علیه السلام) را خبر کن. اسما می گوید: ساعتی گذشت و وارد خانه شدم و دیدم حضرت پاهای خود را به سمت قبله دراز کرده و روپوشی روی خود انداخته و هرچه صدا زدم، جوابی نشنیدم. روپوش را کنار زدم و دیدم بی بی دو عالم دست را زیر صورت گذاشته و روحش با عالم بالا مفارقت کرده است. کسی را دنبال امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرستادم. وقتی امیرالمؤمنین(علیه السلام) خبر را شنید، به صورت روی زمین آمد و در فاصله کوتاه مسجد و منزل، هی می نشست و برمی خاست.

ای گل صد برگ من پر پر مشو
 شمع من خاموش و خاکستر مشو

از حدیث کوچه غرق آتشم
 فاطمه، از تو خجالت می کشم

۱ . بحار الأنوار، مجلسی، ج ۷۹، ص ۲۷، باب ۱۲، الدفن و آداب و احکامه ...، ص ۱۴.



یار فاطمی

محافظت در حفظ جان محبان امیرالمؤمنین علیه السلام





● خطبه:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، بارئ الخلق أجمعين، و الصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين، وخاتم النبيين، حبيبنا وحبیب إله العالمين أبي القاسم المصطفى محمد، صلى الله عليه وعلى آله الطيبين الطاهرين المعصومين، ولا سيما بقيه الله في الأرضين واللعن الدائم على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

● انگیزه‌سازی موضوع با روش طرح بهانه

یکی از سؤالاتی که در ایام فاطمیه، در مورد ظلم به حضرت زهرا علیها السلام برای ما پیش می‌آید و سؤالی مهم و کلیدی است، این است که چرا بی‌بی دو عالم حضرت زهرا علیها السلام برای جلوگیری از غضب فدک این مقدار تلاش کردند؟ آیا مال دنیا هر چقدر هم زیاد باشد ارزش دارد که بی‌بی دو عالم، آن خانمی که از نابینا رو می‌گرفت به مسجد برود و آن خطبه‌ی ارزشمند را بیان کند؟ آیا اصلاً این خانواده برای دنیا و جلب منافع مادی دنیا به دنبال فدک بودند؟ ماجرای باغ فدک چه بود و چرا حضرت زهرا علیها السلام برای باز پس گرفتن آن، تلاش ویژه‌ای انجام دادند؟

این یک سؤال کلیدی است که شاید هرکسی به موضوع آن ورود نکند؛ چون توجه به ریشه‌ی آن می‌تواند زیربنای بسیاری از اعتقادات اشتباه را برهم بزند.

• اقناع اندیشه موضوع با روش توضیح نمونه‌ها

مادر سادات حضرت زهرا سلام‌الله علیها برای امام زمانش، امیرالمؤمنین علیه السلام دو کار بسیار مهم انجام دادند:

اول: پیگیری فدک برای حفظ پشتوانه اقتصادی امامت.

میثمی نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقُّهُ...»^۱

صدیقه طاهره علیها السلام را فراخواند و فدک را به او عطا فرمودند.^۲ بنابراین، روشن است که فدک از اموال ویژه پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده و آن را به دخترش صدیقه طاهره علیها السلام بخشیده است. افزون‌براین، براساس پژوهش‌های تاریخی، فدک دارای نخلستان‌های فراوان و چشمه‌های جوشان و محصولات سالانه فراوانی بوده است و درآمد سالیانه آن به بیست و چهار تا هفتاد هزار دینار بالغ می‌شده است؛ به‌طوری که محصول آن به تنهایی می‌توانسته تا سال‌ها همه بنی‌هاشم را از نظر مالی از حکومت ناحق بی‌نیاز کند.^۳ با قابل توجه بودن عائدات فدک و خمس غنائم خیبر، این امر از نظر اقتصادی برای خلیفه نیز اهمیت بسیاری داشت.

دوم: تلاش حضرت زهرا علیها السلام جهت افزایش یاران امیرالمؤمنین علیه السلام

در این زمینه حضرت چهل روز در خانه انصار و مهاجر تشریف می‌بردند و آنها را جهت یاری امیرالمؤمنین علیه السلام توجیه می‌کردند.

مبارزات صدیقه کبری علیها السلام محدود به فدک جهت تقویت جبهه امامت نبود، بلکه حضرت زهرا علیها السلام با آنکه در معرکه سقیفه به دست مهاجمان مصدوم شده بود، شب‌ها در خانه انصار را یکی پس از دیگری می‌زد و از آنان جهت بازپس‌گیری حقوق پایمال شده (خلافت و امامت علی) درخواست کمک می‌نمود.^۴

۱. اسراء: ۲۶.

۲. مجمع الزوائد: ۱۳۹/۷؛ سیوطی، همان: ۳۲۱/۴؛ عیاشی، تفسیر عیاشی: ۲/۲۸۷؛ صدوق، عیون أخبار الرضا: ۱۳۸۰/۱؛ ۲۳۳/۱؛ مرعشی، إحقاق الحق: ۱۴۱۸/۳۳؛ مجلسی، بحارالانوار: ۱۴۲۱/۲۹؛ ۱۰۶/عوالم العلوم: ۱۱/۴۲۷؛ کلینی، اصول کافی: ۱۳۷۹/۱؛ ۴۹۴؛ راوندی، الخرائج و الجرائح: ۱۰۳-۱۰۵.

۳. نک: شهیدی، فاطمه دختر محمد (ص): ۵۹.

۴. ینوری، همان: ۱۲/۱ و ۱۳/۱؛ ابن ابی الحدید، همان: ۱۳/۶.

صدیقه کبری (علیها السلام) انصار را به دلیل عدم حمایتشان از دودمان وحی^۱ توبیخ و ملامت و سرزنش می کردند و بسیار زیبا علت عدم یاری امام را هم برای آنها بیان می کردند؛ در یک جایی حضرت زهرا سلام الله علیها رو به انصار می کنند و می فرمایند:

آگاه باشید که علت بی اعتنائی امروز شما به علی (علیه السلام)، رفاه طلبی، زندگی راحت، آسایش، عافیت طلبی و ثروت دنیاست که امام و رهبری شایسته و منتخب خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) را کنار گذاشته و بر ناصالحان روی آورده اید.^۲

آگه بخواهم به صورت مرحله ای به اعتراض های حضرت زهرا (علیها السلام) در دفاع از ولایت، بعد از غصب خلافت بپردازم باید بگویم اعتراض های ایشان چهار مرحله بود: ۱. سخنرانی در مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) و احتجاج بر اهل سقیفه؛ ۲. سخنرانی در جمع زنان مدینه؛ ۳. گریه پیوسته؛ ۴. رفتن به در خانه تک تک انصار.

حضرت زهرا (علیها السلام) از تمام وجودش برای دفاع از امامش و تربیت یاران امام استفاده کرد و در این مسیر از هیچ چیزی دریغ نکرد. صدیقه طاهره (علیها السلام) پس از شهادت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و جریان سقیفه از امامت و رهبری امام علی (علیه السلام) با همه وجود دفاع فرمودند و در همین راه خود و فرزندش محسن به شهادت رسیدند.

● پرورش احساس موضوع با روش داستان احساس برانگیز

مادر ما بی بی دو عالم، برای تربیت نیروهای ولایت کم نگذاشت؛ آیا ما نباید از این خانم الگو بگیریم؟ به راستی از خود پیرسیم ما برای کادرسازی نیروهای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه اقدامی کردیم؟ بسیاری از ما واقعاً کار با ارزشی در این زمینه انجام نداده ایم، یا اگر کاری هم کرده ایم احتمالاً در حد و اندازه ای نبوده که بتوانیم

۱. با آنکه آن را در بیعت با رسول خدا (ص) تعهد کرده بودند.

۲. ۱. مَعَشَرَ النَّفِیَّةِ! وَأَعْضَاءَ الْبَلَدِ وَ حَضَنَةَ الْإِسْلَامِ، مَا هَذِهِ الْغَمِیزَةُ فِی حَقِّی وَ السَّیِّئَةُ فِی صَلَاتِی...؟ وَ لَكُمْ قُوَّةٌ بِمَا أَحَاوَلْتُ وَ قُوَّةٌ عَلَیَّ مَا أَطْلُبُ وَ أَزَالُ، أَيْهَا بَنَی قَبِیلَةِ أَهْضَمُ ثَرَاتُ ابْنِی؟ وَ أَنْتُمْ یَمْرَأَیْیَ وَ مَسْمَعٌ وَ مُنْتَدَى وَ مَجْمَعٌ تَلْبِسُکُمُ الدَّعْوَةَ وَ تَشْمَلُکُمُ الْخُبْرَةَ وَ أَنْتُمْ ذَوَالْعَدْرِ وَ الْعُدَّةِ وَ الْأَدَاةِ وَ الْقُوَّةِ وَ عِنْدَکُمُ الصَّلَاحُ وَ الْجَنَّةُ تُؤَافِیکُمُ الدَّعْوَةُ فَلَا تَجِیْبُونِ وَ تَأْتِیْکُمُ الصَّرْحَةُ فَلَا تَغِیْثُونِ وَ أَنْتُمْ مُوصَفُونَ بِالْکِفَاحِ وَ مَعْرُوفُونَ بِالْخَیْرِ وَ الصَّلَاحِ أَلَا وَ قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَفْتُکُمْ إِلَى الْخَفْضِ وَ أَبْعَدْتُکُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ وَ خَلَوْتُکُمْ بِالْذَّعَةِ وَ نَجَوْتُکُمْ بِالْذَّعَةِ وَ نَجَوْتُکُمْ مِنَ السَّعَةِ فَجَعَلْتُکُمْ مَا وَعِیْتُکُمْ وَ دَسَعْتُکُمُ الَّذِی تَسَوَّغْتُمْ» (طبرسی، همان: ۱/ ۲۷۳).

فردای قیامت جلوی حضرت زهرا علیها السلام سربلند کنیم که بی بی جان ما برای پسر شما سنگ تمام گذاشتیم.

در همین دورانی که ما داریم زندگی می کنیم، بعضی عاشقان حضرت زهرا علیها السلام با الگو گرفتن از بی بی دو عالم کادر سازی های ارزشمندی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الدجیم انجام دادند.

یکی از افراد تربیت شده انقلاب اسلامی و حضرت امام (ره)، شیخ زکزاکی است که واقعاً وقتی ما کارهای ایشان را می بینیم متوجه می شویم که در راه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الدجیم زحمتی نکشیدیم.

شیخ زکزاکی خودش می گوید: انقلاب اسلامی ایران و پیروزی آن در سال ۱۹۷۹ باعث شد ما نیز به دنبال تحقق اهداف اسلامی آن در کشورمان باشیم.^۱ ایشان در نیجریه با تمام سخت گیری هایی که حکومت آنجا دارد حدود ۲۰ میلیون نفر را شیعه کرده است^۲ که هر کدام از آنها می تواند یک یار برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الدجیم باشد.

سید حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان یک داستان جالبی در مورد حاج قاسم بیان می کرد؛ سید حسن در یک مصاحبه ای می گفت: زمانی که مقاومت در برابر داعش آغاز شد، پس از چند روز حاج قاسم به لبنان آمد و با من دیدار کرد. او از ما خواست که حدود ۱۲۰ نفر از اعضای حزب الله را برای فرماندهی عملیات ها به عراق اعزام کنیم. حاج قاسم گفت ما به رزمنده احتیاج نداریم چرا که شمار رزمندگان در عراق بسیار است، اما به فرماندهان عملیات در مناطق مختلف نیاز داریم. سید حسن نصرالله می گفت: ما نیز شمار زیادی از برادرانمان را به عراق فرستادیم.

شهید حاج قاسم سلیمانی از ملیت های مختلف مانند فاطمیان، زینیون، برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الدجیم لشکر ساختند. سال ها شجاعانه در میدان های نبرد، بی خوابی ها، تحمل سختی ها تنها برای تربیت سرباز برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الدجیم شبیه حضرت زهرا مجاهدت کرد. یا کسی مثل شهید ابراهیم هادی که الان هم بعد از شهادتش برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الدجیم سرباز جمع می کند.

۱. گزارش مهر ۷ آبان ۱۴۰۰، نخستین مصاحبه شیخ ابراهیم زکزاکی دبیرکل جنبش اسلامی نیجریه (IMN) با شبکه تلویزیونی پرس تی وی پس از آزادی از زندان.

۲. خبرگزاری تسنیم ۶ بهمن ۱۳۹۴.

بینید چقدر جوان با خواندن کتاب ابراهیم هادی متحول شده‌اند؛ چقدر یار فاطمی توسط این شهید درست شد؛ این یعنی برکت. دوست شهید ابراهیم هادی می‌گوید: نیمه شعبان بود؛ با ابراهیم وارد کوچه شدیم. چراغانی کوچه خیلی خوب بود. بچه‌های محل انتهای کوچه جمع شده بودند. وقتی به آنها نزدیک شدیم همه مشغول ورق‌بازی و شرط‌بندی و... بودند!

ابراهیم با دیدن آن وضعیت خیلی عصبانی شد، اما چیزی نگفت. من جلو آمدم و آقا ابراهیم را معرفی کردم و گفتم: ایشان از دوستان بنده و قهرمان والیبال و کشتی هستند. بچه‌ها هم با ابراهیم سلام و احوالپرسی کردند. بعد طوری که کسی متوجه نشود، ابراهیم به من پول داد و گفت: برو ده تا بستی بگیر و سریع بیا. آن شب ابراهیم با تعدادی بستنی و حرف زدن و گفتن و خندیدن با بچه‌های محل ما رفیق شد. در آخر هم از حرام بودن ورق‌بازی گفت. وقتی از کوچه خارج شدیم تمام کارت‌ها توسط بچه‌ها پاره شده بود.^۱ گاهی آدم بعضی‌ها رو نگاه می‌کند، به این نتیجه می‌رسد که اینها گویا هیچ دغدغه‌ای جز کادرسازی برای امام زمان (عجله الله تعالی فرجه الشریف) ندارند.

• انگیزه‌سازی پیام

این داستان‌ها را گفتم تا به این نتیجه برسم که هرکدام از ما باید برای امام زمانمان یار فاطمی باشیم. یار امام زمان (عجله الله تعالی فرجه الشریف) بودن خوب است، اما باید یار فاطمی برای امام زمان خود باشیم؛ ویژگی‌های یار فاطمی برای امام زمان (عجله الله تعالی فرجه الشریف) بودن این است که هرکاری انجام بدهیم تا امام زمان (عجله الله تعالی فرجه الشریف) سرباز بیشتر داشته باشد. یکی با تبلیغ دین سربازسازی می‌کند؛ یکی با جذب جوان‌ها از طریق ورزش سربازسازی می‌کند؛ یکی با جذب جوانان از طریق هنر؛ یکی هم با حفظ جان شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) آنها را در مسیر سرباز شدن امام زمان (عجله الله تعالی فرجه الشریف) قرار می‌دهد. ما هم می‌توانیم جان شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) را حفظ کنیم.

۱. کتاب سلام بر ابراهیم.

• اقناع اندیشه پیام با روش استقراء و آمار

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»^۱. هرکس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هرکس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. در این آیه کشتن يك نفر به منزله‌ی کشتن همه‌ی مردم مطرح شده است. برای توضیح این حقیقت چند بیان و معنا می‌توان عرضه کرد:

قتل يك نفر، کیفری همچون قتل همه مردم را دارد؛

حرمت قتل يك نفر نزد خداوند، به منزله قتل همه‌ی مردم است؛

قتل يك نفر، بی‌اعتنایی به مقام انسانیت است.

جایگاه دوزخی قاتل يك نفر، جایگاه کسی است که قاتل همه باشد.^۲

يك انسان می‌تواند سرچشمه‌ی يك نسل باشد، پس قتل او به منزله‌ی قتل يك نسل است. (به نظر می‌رسد این احتمال بهتر است).

در روایات می‌خوانیم: فانی‌شدن تمام دنیا نزد خدا، از کشتن يك مؤمن آسان‌تر است.^۳

از آیه و توضیحات پیرامون آن فهمیدیم که جایگاه کسی که يك نفر را بکشد چیست؛ در ادامه آیه می‌فرماید اگر کسی را زنده کند گویا تمام مردم را زنده کرده است.

یکی از جاهایی که ما می‌توانیم از قتل شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام جلوگیری کنیم، هنگامی است که می‌بینیم فردی می‌خواهد جنین در رحم خودش را به قتل برساند. نباید در مورد آدم‌های اطرافمان و رفتارهای آنها بی‌تفاوت باشیم؛ باید امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

۱. سوره مائده آیه ۳۲.

۲. کافی، ج ۷، ص ۲۷۱.

۳. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۸۲.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند:

«وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي»^۱.

همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ای در دریای عمیق است.

چطور می‌بینیم یکی به خاطر مشکلات مالی بچه‌اش را سقط می‌کند و ما چیزی نمی‌گوییم و سکوت می‌کنیم؟ از هر طریقی که ممکن است باید جلوی این قتل را بگیریم؛ البته ابتدا باید باور کنیم که این قتل است. آگه در خیابان ببینیم کسی دارد بچه‌ی خود را از روی پل هوایی پایین می‌اندازد، آیا سکوت می‌کنیم، یا جلوی را می‌گیریم؟ حتی اگر بگوید بچه خودم هست و به کسی ربط ندارد، می‌گوییم بی‌خود که بچه‌ی خودت هست؛ حق نداری او را بکشی. حالا اگر کسی در بین آشناها هست که می‌خواهد بچه‌اش را سقط کند، باید حتماً جلوی او را بگیریم.

• پرورش احساس پیام با محتوای داستان احساس برانگیز

گاهی یک کار کوچک اثرهایی دارد که دنیایی را تکان می‌دهد. آیت‌الله مکارم شیرازی در جمع دانش‌آموزان می‌گوید:

اجازه دهید از دورانی که به مدرسه می‌رفتم، داستانی را برایتان تعریف کنم تا بدانید که معلم خوب، چه قدر می‌تواند اثرگذار باشد.

خانواده ما مذهبی بود، اما خانواده‌ای که پدرش روحانی باشد، یا دایی و عمویش روحانی باشد، نبود. پس چه شد که ما جذب این کار شدیم؟ علتش این است که ما معلمی داشتیم که دبیر شیمی بود. دبیر شیمی که کاری به تعلیمات دینی ندارد! اما این دبیر شیمی ما، خیلی متدین بود.

ایشان گفت: من درس شیمی را به‌طور کامل به شما یاد می‌دهم، اما رساله‌ی آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی را هم بخوانید.

از همان وقت بود که بچه‌های کلاس ما به اسلام، روحانیت و مذهب علاقمند شدند و ما آمدمیم به سمت روحانیت. حالا اگر من ۱۴۰ کتاب نوشته باشم، آن معلم من هم در ثواب این کار مهم سهیم است. چرا؟ برای این که او ما را تشویق کرد. بنابراین، اگر آمادگی روحی با تشویق بیرونی تلفیق شود، محصول و نتیجه می‌دهد. اما اگر بتوانیم عده‌ای را فن نویسندگی یاد بدهیم و آنها هم بنویسند، اگر قصد قربتی داشته باشیم، ما هم در ثواب کار آنها سهیم هستیم.^۱

حالا اگر من و شما از سقط یک جنین جلوگیری کردیم، در روز قیامت بهره‌مند می‌شویم. از پاداش‌های اعمال خوب یک نسل که من و تو از مرگ نفر اولش جلوگیری کردیم.

«يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»^۲.

لقمان به پسرش می‌گوید: پسرکم! اگر عمل هم‌وزن دانه خردلی و در درون سنگی یا در آسمان‌ها یا در دل زمین باشد، خدا آن را [در قیامت برای حسابرسی] می‌آورد؛ یقیناً خدا لطیف و آگاه است.

در این زمینه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «يَجِيءُ الرَّجُلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ مِنْ الْحَسَنَاتِ كَالسَّحَابِ الرُّكَامِ أَوْ كَالْجِبَالِ الرَّوَاسِي، فَيَقُولُ: يَا رَبِّ، أَتَى لِي هَذَا وَلَمْ أَعْمَلْهَا؟ فَيَقُولُ: هَذَا عِلْمُكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ النَّاسَ يُعْمَلُ بِهِ مِنْ بَعْدِكَ»^۳.

پیامبر خدا صل‌الله‌علیه‌وآله‌فرمودند: روز قیامت، مردی را می‌آورند با حسناتی چون ابرهای انبوه، یا کوه‌های سر به فلک کشیده. او می‌گوید: پروردگارا! اینها را من انجام نداده‌ام؛ از کجا آمده‌اند؟ خداوند می‌فرماید: اینها همان دانشی است که به مردم آموختی و بعد از تو به آنها عمل می‌شد.

۱. <https://makarem.ir>

۲. لقمان، ۱۶.

۳. بحار الأنوار، ۲/۱۸/۴۴.

• رفتارسازی پیام با روش ارائه برنامه

شاید الان برای شما سؤال شده باشد که در این زمینه چه کاری می‌شود انجام داد؟ یکی از راه‌ها این است که اگر در فامیل و اطرافیان کسی قصد دارد به‌خاطر فقر سقط جنین کند، با یک جمع چند نفری، آن خانواده را به مدت چند سال از نظر مالی تأمین کنند تا جلوی سقط گرفته شود.

قطعا اگر چند نفری در این زمینه قدم بگذارند، خیر و برکت به زندگی‌شان سرازیر می‌شود و این کار مصداق بارز یار فاطمی بودن برای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) است؛ چون شما با این کار و با نیت سربازسازی برای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) دارید مثل فاطمه زهرا (علیها السلام) برای امام زمان خودتان به شکلی دیگر یار جمع می‌کنید. یا مثلاً اگر در فامیل و آشنا کسی را می‌شناسید که می‌خواهد به‌خاطر هزینه‌های زیاد، فرزند خودش را سقط کند پیش‌قدم بشوید و به او بگویید مثلاً من تا سن ۲ سالگی هزینه‌های بچه و هزینه پوشک او را می‌دهم؛ شخص دیگری هم هزینه لباس او را تأمین کند؛ یعنی با کمک هم کاری کنیم که جان شیعه‌ای از شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) حفظ شود.

امام کاظم (علیه السلام) چقدر زیبا فرمودند: «إِيَّاكَ أَنْ تَمْنَعَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ قَتْنَفَقَ مِثْلِيهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ»^۱.

از صرف مال در راه اطاعت پروردگار خودداری مکن که ناچار می‌شوی دو برابر آن را در راه معصیت و گناه صرف کنی!

بسیارند کسانی که مثلاً برای هزینه بهداشت خویش سخت‌گیرند و همان سبب می‌شود که دو یا چند برابر آن را صرف درمان بیماری‌ها کنند!

این یک قانون عمومی است که اگر انسان در مصارف لازم، از خرج کردن خودداری کند، برای جبران آن گرفتار هزینه‌های سنگین‌تری می‌شود.

کسی که از صرف وقت یا پول برای تعلیم و تربیت فرزند خویش مضایقه کند، باید هزینه‌های کمرشکن اعتیادها و جنایات و انحراف‌ها و ندانم‌کاری‌های او را تحمل کند. کسانی که از صرف هزینه‌هایی که به رفع نیازمندی محرومان اجتماع

۱. تحف العقول، صفحه ۳۰۵.

کمک می‌کند سرباز بزنند باید هزینه‌هایی که گاهی چندین برابر آن است برای جلوگیری از حوادث ناشی از آن مصرف کنند. همچنین اگر برای حفظ جان شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) هزینه نکنیم مطمئن باشیم جایی خرج می‌کنیم که معلوم نیست چه اتفاقاتی خواهد افتاد.

• رفتارسازی موضوع با روش ارائه برنامه

حالا ما چه کنیم و از کجا شروع کنیم؟ خداوند متعال در قرآن کریم به ما راه کار داده است:

«انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ»^۱

با شتاب با تجهیزات سبک و سنگین بیرون روید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید که اگر دانا [به حقایق] باشید این برای شما بهتر است.

قرآن می‌فرماید اول «وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ» بعد می‌فرماید «وَأَنْفُسِكُمْ» یعنی همان مطلبی که گفتیم خرج کنید تا یاران امام زمان (عجله الله تعالی فرجه الشریف) را زیاد کنید.

در روایت دارد که پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«فِي الْجَنَّةِ ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ وَفِي النَّارِ ثَلَاثُ دَرَكَاتٍ، فَأَعْلَى دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ لِمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَنَا بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ وَ فِي الدَّرَجَةِ الثَّانِيَةِ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَنَا بِلِسَانِهِ وَ فِي الدَّرَجَةِ الثَّالِثَةِ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ»^۲

پیامبر خدا صل‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: بهشت، سه درجه دارد؛ بالاترین درجه بهشت برای کسی است که در دل ما را دوست بدارد و با زبان و دستش یاریمان کند؛ در درجه دوم کسی جای می‌گیرد که در دل ما را دوست بدارد و با زبانش یاریمان رساند و در درجه سوم کسی قرار می‌گیرد که در دل ما را دوست بدارد. ما اگر هنر کنیم از مالمان چند تومانی خرج می‌کنیم، اما حضرت زهرا (علیها السلام) برای دفاع از امام زمانش از جان‌ش هم دریغ نکرد.

۱. توبه، ۴۱.

۲. المحاسن، ۴۷۲/۲۵۱/۱، عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام زين العابدين عليه السلام.

● روضه

توسل من معلوم است؛ توسل به باطن لیلۃ القدر است؛ در روایات، باطن لیلۃ القدر حضرت زهرا سلام الله علیها است.
من اول چند جمله از خود حضرت زهرا سلام الله علیها نسبت به آن حادثه نقل می‌کنم:

«وَ رَكَلَ الْبَابَ بِرِجْلِهِ فَرَدَّهُ عَلَيَّ وَ أَنَا حَامِلٌ»

چنان به در نیم سوخته لگد زد که در به روی من افتاد؛ درحالی که من باردار بودم. «وَ النَّارُ تُشْعِرُ» آتش زبانه می‌کشید؛ «وَ تَشْفَعُ وَجْهِي»؛ من با صورت روی زمین افتادم؛ آتش زبانه می‌کشید و چهره‌ی من را می‌سوزاند. «فَيَضْرِبُ بِيَدِهِ» با دست به من سیلی زد؛ «حَتَّى انْتَثَرْتُ فُرْطَى مِنْ أَذْنِي» چنان محکم سیلی زد که گوشواره‌های من را پراکنده کرد ...
امشب با زبان حال علی (علیه السلام) روضه بخوانیم؛

در وسط کوچه تو را می‌زدند
کاش به جای تو مرا می‌زدند

چرا شده گوشه‌ی چشمت کبود؟
بگو به من مگر علی مرده بود؟

وای من و وای من و وای من
می‌بخ درو سینه‌ی زهرا من





کتاب "رزق مادری" مجموعه فیش منبر روشمند فاطمیه است که با محوریت پیامهای مرتبط با موضوع جمعیت مانند جایگاه و ارزش مادری، ناباروری و سقط جنین، تدوین و برای استفاده سخنرانان و مبلغین در ایام فاطمیه منتشر گردیده است، در این مجموعه سبک متفاوتی از فیش منبر طراحی و در اختیار علاقه مندان قرار داده شده است که از امتیازات ارزشمندی برخوردار است.

